

ماهنامه فرهنگ اجتماعی جوانان ایران ۱۴۴  
شماره ۱۴۴ پیاپی ۴۵۲ / مرداد ماه ۱۳۹۶ / قیمت ۲۵۰۰ تومان

تسلیها

# جوانان



بر بام جهان ...  
ملکه ایرانی ریاضیات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرُّسُولَ لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ

نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول خدا را اطاعت کنید تا مشمول رحمت او شوید.

سوره نور آیه ۵۶



بشایسته‌ی نماز

# نماز موجب رحمت است



شرط رسیدن به رحمت الهی، پیروی از خدا و رسول است



## جوانان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی  
شماره ۱۴۴ مرداد ماه ۱۳۹۶

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران  
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی  
جانشین سردبیر: یوسف قدیانی  
مدیر اجرایی: محمد مهدی مازنی

هیات تحریریه:

مهدی بابایی - محمد آوخ - نیره رضایی مطلق  
وحید میگونی - محمدرضا قاسمی  
محمدرضا اصغری - مریم خالقی

امور فنی: آتلیه شاهد

ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی

تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴

دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد

تهران - خیابان طالقانی - خیابان ملک الشعرا

بهار شمالی - شماره ۵

تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸

صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

\* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال

منتشر می شود.

\* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

\* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود

\* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

حرف اول: ۴ / مدال کیمیای جوان

یادداشت: ۵ / خاندان کرامت

برداشت آزاد: ۶ / اشتباه ایمیلی غیر حرفه‌ای‌ها

دخترانه، پسرانه: ۹ / ملکه ایرانی ریاضیات

مادرانه، پدرانه: ۱۰ / لذت خواندن و یادگیری

اجتماع: ۱۲ / نگاهی به دغدغه ۱۰۰ ساله پسران ایرانی

حماسه آفرین: ۱۴ / کاظم اخوان عکاس جاویدالآثر

کارآفرینی: ۱۶ / کارآفرینی با ۱۰۰ هزار تومان

مهارت: ۱۸ / باید از تولید کننده پشتیبانی شود

مطبخ: ۱۹ / طرز تهیه دمپختک شیرازی

لبخند: ۲۰

جدول: ۲۱ / جدول

زندگی به سبک دیگر: ۲۲ / رابطه شخصیت افراد و رابطه آنها

سرچشمه: ۲۴ / دهه هفتادی‌ها این طور از کشور دفاع می کنند

عاقبت: ۲۶ / سرعین شهر چشمه‌های بهشتی

سلامت: ۲۸ / شنا ورزش محبوب فصل تابستان

خانه دوست: ۳۰ / تبریز و این همه جاذبه فرهنگی

نور و نقره: ۳۲ / ویلایی‌ها، سهیم شدن در تجربه مرگ و زندگی

موج سازان: ۳۴ / عملیات مرصاد در یک نگاه

نقد و نظر: ۳۶ / هفت روز از تیر شصت

علمی: ۳۸ / استفاده از اثر انگشت به جای کارت پرواز

رو به رو: ۴۱ / علی حاتمی سعدی سینمای ایران

یک، دو، سه: ۴۲ / عطاله بهمنش ورزشکار، نویسنده و تاریخ شناس

حرکت: ۴۴ / پرچم ایران بر بام قلل مرتفع جهان

بین الملل: ۴۶ / آزادسازی موصل و آینده عراق

دریچه: ۴۸ / چگونه از استاندارد بودن عینک آفتابی مطمئن شویم

باشگاه مهربانی: ۵۰ / باید‌ها و نبایدهای ایجاد شبکه ملی اینترنت

روایت: ۵۲

شعر: ۵۴

بازار کتاب: ۵۵

تفأل: ۵۶

انگلیسی: ۵۸

## درخشش بانوان ایرانی

بالیدن زنان و دختران ایرانی است و فراتر از این، مدالی برای سرافرازی زنان مسلمان در هر جای دنیاست. آن هم دنیایی که به ابزارهای مختلف سعی در ترویج اسلام هراسی دارند.

این مدال و اهتزاز پرچم سه رنگ ایران اسلامی یادآور مجاهدت‌های زنان و مردان در سالهای انقلاب و دفاع مقدس است که اگر زن و مرد شانه به شانه هم در عرصه حاضر نبودند امروز تاریخ ایران به گونه ای دیگر ورق خورده بود.

زنان همراه با انقلاب اسلامی و همپای با مردان در هیچ عرصه ای از دوران پر فراز و نشیب این کشور، غایب نبوده و چه بسیار دارای نقش پررنگ و موثر و به مراتب ماندگار در حوادث و وقایع بوده اند.

موفقیت‌های ما در دوران دفاع مقدس از آن خدایی است که به وعده‌های خود به مومنان عمل کرد و دل‌های عاشق و پر از مهر و محبت زنان ما را به خود گره زد تا ما توانستیم گره‌های سخت جنگ تحمیلی را بگشاییم.

سال‌ها از آن دوران حماسه و افتخار گذشته است. سالهایی که پر بود از حماسه و ایشار. امروز اما جهاد در عرصه های علمی، فرهنگی، اقتصادی و اندیشه ورزی ادامه دارد و هر افتخاری که در این عرصه ها به دست آید، هم‌طراز پیروزی است در سالهای مجاهدت. همانطور که مقام معظم رهبری تاکید کرده اند که "... انتظار دارم که در عرصه اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند، حرکت طبیعی کافی نیست، باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم". این جهاد در عرصه های مختلف وجود دارد، به ویژه جهاد فرهنگی که سالها پیش مقام معظم رهبری در ارتباط با آن هشدار داده بود. افتخار آفرینی ورزشکاران ما و هنرمندان ما در عرصه های بین المللی نیز جهاد فرهنگی است و باید به همه این عزیزان به ویژه دختران ایران زمین آفرین گفت، امیدوارم مسئولین، قدر جوانان با همت و غیرت را به خوبی بدانند و بسترهای لازم را برای رشد و پیشرفت آنها فراهم کنند.

سردبیر

"من از صمیم قلب از همه زنان ورزشکاری که در عرصه بین المللی با حجاب حضور دارند تشکر می‌کنم". این جمله پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به کیمیا علیزاده بانوی ورزشکار ایرانی است که در جهان درخشید و پرچم ایران اسلامی را با تلاش شبانه روزی خود به اهتزاز در آورد. درخشش زیبای بانوان ایرانی بر سکوی افتخار ورزش قهرمانی، نشان داد که زنان با حضور در عرصه‌های مهم دنیا می‌توانند گفتمان جمهوری اسلامی را عرضه کنند و نشان دهند که حجاب و نجابت زن ایرانی مانع حضور زنان در عرصه های مهم و آفریدن افتخارات بین‌المللی در حوزه های مختلف نیست.

مدال کیمیا جوان ما و مدالهای بانوان ایرانی، بی‌شک برای ما بسیار با ارزش است زیرا این مدال نه فقط مدال افتخار یک ایرانی است که مدالی برای به خود



# خاندان کرامت

دهه کرامت، دهه اول ماه ذی‌العقده است و آغازش با ولادت حضرت معصومه (علیها‌السلام) و پایانش با ولادت حضرت ابوالحسن علی بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) می‌باشد. این دهه یادآور بسیاری از مطالب عالی و مفاهیم بلند و سازنده و ارزشمند است. دهه کرامت یادآور لطیف‌ترین علائق و مهر و وفاهای کم‌نظیر یک خواهر نسبت به مقام شامخ و معنوی برادر است. مهر و وفایی که خواهر مهربان و دل‌داده را به هجرت وادار نموده و غربت و بیماری و مرگ در فصل جوانی را برای او آسان کرده است. مهربانی که جز در مورد امام حسین و حضرت زینب (علیهما‌السلام) سابقه ندارد. دهه کرامت تداعی‌کننده عزم و قاطعیت و اراده آهنین زنان بزرگ و بانوان والامقام و گرانقدر جهان می‌باشد. دهه کرامت یادآور تحول‌آفرینی بانوان آسمانی است و این که می‌توانند رهبری دل‌های صدها میلیون مسلمان را در طی اعصار عهده‌دار بشوند. تمام مفاهیم سازنده‌ای که ما در فرهنگ اسلامی داریم در این دهه تداعی می‌شوند چرا که حرم حضرت معصومه و امام رضا (علیهما‌السلام) کانون دعا و قرآن و نیایش و ... است. قرآن کریم گوهر اصلی انسان را به‌عنوان یک موجود شریف و کریم معرفی می‌کند که اگر انسان کریم بشود راه طبیعی خویش را پیموده و گوهر اصیل خود را باز یافته و چون اطاعت و صعود، مناسب با گوهر اصلی انسان است. بنابراین، عصیان و سقوط بر انسان تحمیل است، اما کرامت چنین نیست؛ زیرا گوهر آدمی کریم است. خدای بزرگ می‌فرماید: «ما انسان را گرمی داشتیم». چون در خلقت او گوهری کریم به کار رفته است. اگر انسان مانند سایر موجودات فقط از خاک خلق می‌شد، کرامت برای او ذاتی یا وصف اولی نبود. ولی انسان دارای فرع و اصلی است؛ فرع او به خاک برمی‌گردد و اصل او به الله منسوب است. خدای کریم در قرآن مجید روح را به خود نسبت داد و جسم را که به خاک و

طبیعت مرتبط است به طین منسوب کرد. نفرمود من انسان را از گل و روح مجرد خلق کردم، بلکه انسان را از گل ساختم، سپس از روح خود در او دمیدم و چون روح انسانی به خداوندی که معلم اکرم است، ارتباط دارد. پس سهمی از کرامت دارد و روح الهی به معنای روح کرامت است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: لایرجون احد منکم إلا ربه ولا یخافن إلا ذنبه. آنچه‌ی بلاغه حکمت ۸۲. هیچ یک از شما جز به پروردگار خود امید نیندد و جز از گناه خود نترسد. کرامت به چه معنا است و در سیره و سبک زندگی ائمه معصوم (ع) این مفهوم چه جایگاهی دارد و چگونه تعریف شده است؟ کرامت به معنای بزرگواری است و اصل کرامت در روایات ائمه معصوم (ع) ملاک دینداری انسان‌ها شناخته می‌شود، آنچنان که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بزرگواری مرد همان دین او است. همچنین، از پیامبر اکرم (ص) روایت است که کرامت دوری از گناهان است. بنابر روایاتی دیگر، کرم آن است که انسان دنیا را کوچک بشمارد. علاوه بر این، امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: هر که برای خود کرامت قابل باشد، دنیا در نظرش خوار و کوچک می‌شود. پس کرامت به معنای کوچک شمردن دنیا نیز هست. امیرالمومنین (ع) همچنین فرموده‌اند: کسی در حقیقت کرم و بخشنده‌گی دارد که هوای نفس خود را مهار کند و به نفسش بخل بورزد. ایشان همچنین می‌فرمایند: هوای نفس را مهار کن و بر آن بخیل باش که اگر کسی بر نفس بخل بورزد، حقیقت کرامت را یافته است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: لایرجون احد منکم إلا ربه ولا یخافن إلا ذنبه. آنچه‌ی بلاغه حکمت ۸۲. هیچ یک از شما جز به پروردگار خود امید نیندد و جز از گناه خود نترسد.



# ۵ اشتباه ایمیلی غیر حرفه‌ای‌ها

پاسخ دادن به دیگران از طریق ایمیل حواستان به اختلاف‌های فرهنگی مناطق مختلف باشد. چیزی که در یک فرهنگ، عادی و معمول تلقی می‌شود می‌تواند در فرهنگ دیگری معنای کاملاً متفاوتی داشته باشد؛ به خصوص که در دهکده‌ی جهانی امروز، احتمال اینکه با کشورهای گوناگون ارتباط ایمیلی داشته باشید زیاد است.

## ۴- اشتباهات املایی و دستور زبانی

یک مرور ساده پیش از فرستادن ایمیل شاید تنها چند ثانیه وقت شما را بگیرد. اما اشتباهات شما، هرچند کوچک، نزد دریافت‌کننده‌ی آن به چشم خواهند آمد و به عقیده‌ی پچر «ممکن است به خاطر چنین اشتباهاتی مورد قضاوت قرار بگیرید».

## ۵- ارسال ایمیل ناتمام

هیچ چیز بدتر از ارسال یک ایمیل ناتمام یا فرستادن آن برای گیرنده‌ی اشتباه نیست. بنابراین، بهترین راه حل این است که این احتمال را به طور کامل از بین ببرید. کافی است نام دریافت‌کننده‌ی ایمیل را در آخرین مرحله و درست پیش از ارسال آن وارد کنید تا خیالتان راحت باشد زمان کافی برای نوشتن ایمیلی بی‌نقص خواهید داشت.

نفع‌گزینه‌ی رسمی‌تر تغییر دهید چرا که دریافت‌کننده‌ی ایمیل، همیشه می‌تواند به سلیقه‌ی خود برداشت متفاوتی از لحن شما داشته باشد. "پچر" در این زمینه می‌گوید «در یک مکالمه‌ی کاری از طریق ایمیل باید از به کار بردن عبارات غیر رسمی اجتناب شود».

## ۲- استفاده از عبارات مستعد سوء برداشت

در ایمیل به راحتی ممکن است از یک عبارت طنز یا شوخی برداشت کاملاً متفاوتی صورت بگیرد. بسیاری از مردم، فراموش می‌کنند زبان بدن، حالت چهره، و لحن کلام بخش بسیار بزرگی از گفته‌های ما را تشکیل می‌دهند. بنابراین وقتی با استفاده از وسیله‌ای مثل ایمیل حالت چهره یا دیگر ویژگی‌های انسانی کلام را از پیام خود حذف می‌کنید، ممکن است منظورتان آنگونه که مد نظر شماست منتقل نشود و شما را به طرز نامناسبی غیرحرفه‌ای نشان دهد. توصیه‌ی پچر این است که «اگر در استفاده از چنین شوخی‌هایی دچار تردید هستید، بهتر است از خیر آن بگذرید».

## ۳- بی‌احترامی به فرهنگ‌های دیگر

همه‌ی ما ممکن است بسته به منطقه‌ای که در آن بزرگ شده‌ایم، فرهنگ و آداب متفاوتی داشته باشیم. بهتر است هنگام

مشکل نسبتاً تازه‌ای که در دنیای فناوری زده‌ی ما به وجود می‌آید، اتفاقات و برداشت‌های ناخواسته‌ای است که از طریق ایمیل به وجود می‌آیند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که یک کارمند به طور متوسط حدود ۲۵ درصد از روز کاری خود را به خواندن، مرتب کردن، جواب دادن و نوشتن ایمیل‌های تازه سپری می‌کند. اما با وجود این همه زمانی که به این کار اختصاص داده می‌شود، تعداد کمی هستند که از نحوه‌ی درست ایمیل نگاری آگاهی دارند.

برای اینکه ایمیل‌های درستی بنویسیم، نه تنها باید به دستور زبان و نحوه‌ی استفاده از علائم نگارشی تسلط داشته باشیم، بلکه باید بدانیم کجا بیش از حد رسمی نوشتن را کنار بگذاریم و مکالمات غیر رسمی‌تری روی اینترنت داشته باشیم. "باربارا پچر" در کتاب خود با عنوان «بایسته‌های آداب کسب و کار» به برخی از آداب نگارش ایمیل اشاره می‌کند که توجه به آنها می‌تواند شما را از غیر حرفه‌ای جلوه کردن نجات دهد.

## ۱- لحن بیش از حد غیر رسمی

استفاده از کلمات و عبارات بیش از حد غیررسمی می‌تواند در مکاتبات کاری دردسرساز شود. اگر در استفاده از عبارتی دچار تردید شدید، نظر خود را به



# شفق قطبی

## یکی از شگفتی‌های خلقت

آیا شفق قطبی پدیده‌ای گذراست یا این که چند روز در آسمان دیده می‌شود؟ آیا (در مناطق قطبی) هر شب دیده می‌شود یا فقط گاهی؟

شفق قطبی پدیده‌ای است که بر اثر فعالیت‌های خورشیدی به وجود می‌آید؛ از ذرات پرتانرژی و دارای بار الکتریکی که اغلب ذرات زیراتمی هستند، مثل پروتون‌ها و الکترون‌ها یا هسته‌های سنگین‌تر آن‌ها. پرتاب این‌ها که پیوسته از خورشید به صورت باد خورشیدی انجام می‌شود و این ذرات سراسر منظومه‌ی شمسی را جولان می‌دهند، آغاز مرحله‌ای است که ما در نهایت به صورت شفق قطبی می‌بینیم. این ذرات به میدان مغناطیسی زمین می‌رسند و به سبب داشتن بار الکتریکی، گرفتار خطوط میدان مغناطیسی زمین می‌شوند. در آن‌جا ذرات ثانویه‌ای شکل می‌گیرند که آن‌ها هم باردار، پرتانرژی و پرسرعت‌اند و در خطوط میدان مغناطیسی به سمت قطب‌های مغناطیسی زمین سرازیر می‌شوند. به همین علت است که شفق‌ها، قطبی هستند، یعنی پدیده‌ای هستند که در عرض‌های بسیار شمالی یا در نیم‌کره‌ی جنوبی، در عرض‌های بسیار جنوبی دیده می‌شوند و به همین خاطر به آن‌ها «نورهای شمالی» و «نورهای جنوبی» هم می‌گویند.

اما چون محور میدان مغناطیسی زمین نسبت به محور میدان جغرافیایی زمین کمی انحراف دارد (در حال حاضر حدود ۱۱ درجه) این باعث می‌شود که در عرض‌هایی که لزوماً خیلی هم قطبی نیستند گاهی شفق قطبی دیده شود. به همین علت است که در آمریکای شمالی تا عرضی جغرافیایی حدود ۳۰ تا ۴۵ درجه یعنی حتی در جنوب کالیفرنیا گاهی شفق قطبی دیده شده در حالی که ما در عرضی جغرافیایی ۳۰ درجه در ایران یعنی در شهر اصفهان شفق قطبی را هیچ وقت نمی‌بینیم، مگر اینکه پدیده‌ی خیلی خاصی در خورشید اتفاق بیفتد مثل فورانی بسیار بزرگ که به صورت موردی اتفاق افتاده است. مثلاً در اوایل قرن بیستم یکی از این شفق‌ها ثبت شده که حتی در سنگاپور آن را در

خط افق به صورت یک هاله‌ی قرمز دیده بودند. یعنی این شفق قطبی تقریباً در کل کره‌ی زمین ظاهر شده بود و هر جا که هوا صاف بوده و ناظری بوده که توجه کرده، آن را دیده بوده، چون سنگاپور در استوا قرار دارد.

به چیز اینگونه موارد، شفق‌های قطبی معمولاً در عرض‌های شمالی یا در نواحی‌ای دیده می‌شوند که عرض مغناطیسی مناسبی داشته باشند. اما این پدیده وقتی که ظاهر می‌شود معمولاً در حد چند ثانیه نیست، یعنی پدیده‌ای است که دست‌کم چند دقیقه‌ای در آسمان فعالیت می‌کند و اگر عرض جغرافیایی، شمالی باشد، ممکن است آن را چند ساعتی در طول شب ببینید، مثلاً در عرض‌هایی جغرافیایی که درون یا زیر منطقه‌ای هستند که آن را به نام «حلقه‌ی شفق» می‌شناسیم. وقتی از فضا به زمین نگاه کنیم یا عکس‌هایی که ماهواره‌ها از قطب‌های زمین و در طول موج مناسبی گرفته‌اند را مشاهده کنیم، پیوسته حلقه‌ی سبز رنگی دور قطب‌های مغناطیسی زمین می‌بینیم که همان «حلقه‌ی شفق» است با قطری بین ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلومتر که این قطر به میزان فعالیت بادهای خورشیدی بستگی دارد، اینکه طوفان خورشیدی در کار باشد تا طوفان مغناطیسی در اطراف زمین ایجاد کند، یا این که فعالیت کم باشد که در آن حالت حلقه کوچک شده و به قطب نزدیک‌تر می‌شود. این حلقه همیشه وجود دارد و این سبب می‌شود که در عرض‌های بسیار شمالی یا بسیار جنوبی، همیشه در هر شب صاف که آسمان تاریک باشد و نور ماه خیلی مزاحم نباشد، شفق قطبی ببینیم.

اما این شفق‌ها لزوماً به صورت طوفانی نیستند که به اصطلاح «تاج شفق» که درست در بالای سر به وجود می‌آید، شکل بگیرد و شفق به اوج زیبایی خود برسد، رنگارنگ شود، هر لحظه تغییر شکل دهد و انگار که این پدیده به صورت انفجار نور در آسمان در حال رخ دادن است. تاج شفق زمانی پدید می‌آید که فعالیت خورشیدی ناگهان افزایش پیدا

کند، یک لکه یا مجموعه‌ای از لکه‌های خورشیدی فعال مغناطیسی شکل بگیرند و فوران‌هایی را ایجاد کنند. این فوران‌ها در تاج خورشید منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای به نام CME یا «پرتاب ماده از تاج» می‌شوند و باد خورشیدی طوفانی را در فضا پرتاب می‌کنند. ۱۷ تا ۲۴ اگر زمین در تیررس این سیل ذرات باشد، در آن حالت است که طوفان مغناطیسی برای سیاره‌ی ما رخ می‌دهد (حدود دو روز پس از فوران خورشیدی). در شب اول و شب‌های بعد از آن ممکن است که شفق بسیار فعال باشد و به عرض‌های جغرافیایی پایین‌تر هم برسد. در این موقع است که اگر در عرض جغرافیایی شمالی باشید، مثلاً بالای ۶۰ درجه، نزدیک به مدار قطبی، اوج شگفتی‌های شفق‌های قطبی را می‌بینید و معمولاً تمام شب این اتفاق می‌افتد، اما در طول شب چند بار اوج می‌گیرد و پدیده‌ی تاج شفق در بالای سر، یعنی سرسوی آسمان، پدیدار می‌شود. در عرض‌های جغرافیایی پایین‌تر چنین شفق‌های قطبی نادرترند، مثلاً در عرض جغرافیایی بین ۵۰ تا ۶۰ درجه، در طول سال ممکن است شفق‌های قطبی یک یا دو بار این قدر دیدنی باشند. در عرض جغرافیایی بین ۴۰ تا ۵۰ درجه، چنین شفق‌های قطبی‌ای ممکن است در هر دهه، دو یا سه بار رخ دهند و جزو پدیده‌های طبیعی بسیار نادر می‌شوند و در عرض‌های پایین‌تر، همان‌طور که گفتیم، مثلاً مانند ثبت شفق از سنگاپور در اوایل قرن بیستم، ممکن است در هر سده یک یا دو بار آن را ببینیم. شفق‌ها با چرخه‌ی فعالیت‌های خورشید در طول ۱۱ سال، که در آن تعداد لکه‌ها و فعالیت‌های مغناطیسی کم و زیاد می‌شود هم رابطه‌ی مستقیمی دارند و فعالیت‌شان کم و زیاد می‌شود. اما همیشه حتی در کمترین فعالیت‌های خورشیدی، ممکن است ناگهان خورشید فوران کند و شفق‌های قطبی چشمگیری شکل بگیرند. به هر حال پاسخ کوتاه این است که در هر شب، در مناطق قطبی، شفق قطبی ممکن است دیده شود و این پدیده در این مناطق معمولاً چند ثانیه نیست و در طول شب چندین بار ظاهر می‌شود. اما شفق‌های بسیار فعال که تاج را به وجود می‌آورند، معمولاً نمایش باشکوه خود را فقط در چند دقیقه اجرا می‌کنند.



# کنکور و روزهای پس از آن

○ سیداحمد مقدم موسوی

کنکور سراسری سال تحصیلی ۹۶-۹۷ دانشگاه آزاد و موسسات آموزش عالی از جمله دانشگاه آزاد اسلامی با رقابت ۹۳۰ هزار و ۲۰۸ داوطلب در ۳۷۲ شهرستان و ۴۷۸ حوزه امتحانی برگزار شد که برخی شرکت کنندگان این آزمون معتقدند ماهیت کنکور، کمکان "استرس زا" است و وجود ظرفیت‌های خالی دانشگاه‌ها و تنوع مراکز پذیرش طی سال‌های اخیر تغییر چندانی در کاهش سطح استرس موجود در جلسه امتحان ایجاد نکرده است.

از کنکور به عنوان رخداد اصلی نظام آموزشی کشور یاد می‌شود. آزمونی که آینده تحصیلی دانش‌آموزان را تعیین می‌کند و همواره از حساسیت‌های بالایی برخوردار بوده و نام آن با استرس گره خورده است.

افسردگی و ناامیدی و یا افت تحصیلی، عمده تبعاتی است که داوطلبان بعد از ناکامی در ورود به دانشگاه و یا عدم قبولی در رشته مورد نظر با آن مواجه می‌شوند. شاید بتوان کنکور را به دو مرحله قبل از کنکور و مرحله بعد از آن تا اعلام نتایج تقسیم کرد، دو مرحله‌ای که ممکن است برای بسیاری از افراد مرحله سخت و پراسترس باشد که می‌تواند در تمام زندگی تاثیر بگذارد.

آزمون کنکور سراسری سال ۹۶ گذشته برگزار شد و گذشت اما هنوز کنکور، غول ترسناکی برای دانش‌آموزان و در دسر مزمنی خانواده‌ها است. باید پرسیده شود که اصلاً چرا کنکور در جامعه و مردم این چنین بزرگ و مهم شده است.

در جامعه ما قبولی در کنکور به معنای تامین آینده شغلی و مالی و به دست آوردن جایگاه اجتماعی است؛ همچنین به معنی تایید خانواده، دوستان و اطرافیان است و به همین خاطر قبولی در این آزمون برای اکثر خانواده‌ها و جوانان موضوع بسیار مهم و بعضاً حیاتی است.

عدم قبولی در کنکور با اعتماد به نفس افراد ارتباط

دارد. عدم قبولی در آزمون کنکور ممکن است برای بسیاری به معنی از دست دادن جایگاه اجتماعی، امنیت شغلی و مالی آینده باشد و از سوی دیگر بر جلب توجه، محبت، شروع مقایسه بین افراد تاثیر می‌گذارد. به همین خاطر عدم قبولی کنکور مستقیماً با عزت نفس و اعتماد به نفس افراد سروکار دارد.

برای موفقیت و رسیدن به هر هدفی از جمله قبولی در کنکور باید زمان و امکانات لازم برای رسیدن به آن هدف را فراهم کنیم. این امکانات و شرایط در کنکور شامل حمایت خانواده، کلاس کنکور و برنامه‌ریزی است. اگر علی‌رغم تلاش‌ها قبول نشدیم به معنی پایان زندگی نیست، بلکه باید روش رسیدن به خواسته‌هایمان را در زندگی تغییر دهیم. در برخورد با نتیجه کنکور نخستین کار پذیرش و روبرو شدن با واقعیت و عدم انکار آن است و بعد از آن برنامه‌ریزی برای گزینه‌های دیگر مانند حرفه، شغل و وارد شدن به بازار کار و یا حتی امتحان مجدد است. در این حالت زندگی فرد به دلیل نتیجه کنکور تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد.

باید بدانیم که قبولی در کنکور و مدرک دانشگاهی یکی از راه‌های موفقیت است اما کافی نیست و تنها شرط موفقیت هم نیست. آدم‌های موفق بسیاری وجود دارد که علی‌رغم کسب موفقیت‌های بسیار، اما به دانشگاه نرفته بودند.

حال این پرسش مطرح می‌شود؛ چرا کنکور باعث اضطراب در افراد و خانواده‌ها می‌شود؟ علت هر اضطرابی ابهام است. وقتی ندانیم با چه چیزی قرار است روبرو شویم و قدرت پیش‌بینی و کنترل وقایع را خارج از توان ببینیم دچار اضطراب می‌شویم. فرد ممکن است احساس کند که همه چیز برای قبولی در کنترل او نیست و به همین دلیل فکر کردن به نتیجه آن باعث افزایش اضطراب می‌شود.

هر فرد عملکرد خود در کنکور را می‌داند و اگر

عملکردش به هر دلیلی مطابق انتظارش پیش نرفته باشد صحبت درباره نتیجه وی را دچار نگرانی و استرس می‌کند. صحبت‌های مانند "من مطمئن هستم قبول می‌شوی" هر چند امیدبخش و با هدف روحیه دادن باشد اما موجب اضطراب و نگرانی در داوطلب می‌شود. بنابراین در خانواده‌ها نباید در مورد نتیجه امتحان زیاد صحبت شود. همچنین برای پیشگیری از تبعات روحی منفی باید به داوطلب اطمینان داد و گفته شود که "نتیجه هر چه باشد ما به تو افتخار می‌کنیم و دوست داریم".

فرد مدت زیادی از اوقاتش را با برنامه‌ریزی‌های فشرده، برای آماده شدن در کنکور پر کرده و حال پس از کنکور باید وقتش را با برنامه‌های مفیدی پر کند. خانواده‌ها در این مقطع می‌توانند بهترین شرایط را برای داوطلب فراهم و به او کمک کنند.

افرادی که نتیجه کنکور را متناسب با تلاش‌شان ببینند و واقع‌بینانه فکر کنند و بپذیرند که همانقدر که تلاش کرده‌اند، نتیجه گرفته‌اند در این صورت دچار احساس یاس و ناامیدی نمی‌شوند.

در مورد بروز افسردگی بعد از نتیجه کنکور باید گفت افرادی که مهارت‌های درونی آنها ضعیف است یعنی به‌طور کلی به چالش‌های مختلف زندگی فکر می‌کنند، کنترل وقایع و به‌دست آوردن موفقیت را وابسته به تلاش خود نمی‌دانند بلکه آن را بیشتر وابسته به عوامل خارجی مثل شانس می‌دانند، طبیعتاً در صورت عدم قبولی و یا عدم پذیرش در رشته مورد نظر دچار سرخوردگی و حتی افسردگی می‌شوند.

در صورت شدت ناامیدی داوطلبان بعد از نتیجه کنکور، لازم است داوطلب به مشاور مراجعه کند تا حل این مساله و دیگر مهارت‌های زندگی را آموزش ببیند.

کنکور پله‌ای است در نردبان موفقیت. با این پله راحت و زود می‌شود از این نردبان بالا رفت ولی باید بدانیم که بدون این پله و بدون این نردبان هم می‌شود به موفقیت رسید. تنها کافی است کمی دید و نگاه خود را به کنکور تغییر دهیم تا به جای آن که مثل همیشه سختی آن را ببینیم کمی هم راحتی آن را ببینیم.



مریم میرزاخانی نابغه ریاضی جهان

## ملکه ی ایرانی ریاضیات

Clay Mathematics Institute Research Fellow ۲۰۰۴  
Harvard Junior Fellowship Harvard University, ۲۰۰۳  
Merit fellowship Harvard University, ۲۰۰۳

IPM Fellowship The Institute for theoretical Physics and Mathematics, Tehran, Iran, ۱۹۹۹-۱۹۹۵

مدال طلا با نمره کامل و نفر اول جهان. المپیاد جهانی ریاضی کانادا ۱۹۹۵

مدال طلا المپیاد جهانی ریاضی هنگ کنگ ۱۹۹۴

یک کار طاقت‌فرسای ذهنی دارد، در پاسخ گفت: «قطعا رضایت‌بخش‌ترین اتفاق، همان لحظه‌ای است که می‌گویی آها! لحظه‌ای که شور و شوق کشف و لذت و شغف درک چیزی جدید را احساس می‌کنی و احساس اینکه بالای تپه‌ای ایستاده‌ای و و چشم‌اندازی کامل را در مقابل داری. اگرچه در اغلب اوقات انجام کار ریاضیاتی برای من مانند این است که در حال کوهنوردی طولانی هستم بدون آنکه مسیر پاخورده‌ای وجود داشته باشد و یا حتی چشم

انداز پایان مسیری در تیررس دیدگان باشد.»

او به همراه ۹ محقق برجسته دیگر در چهارمین نشست ۱۰ استعداد درخشان نشریه پایپولار ساینس در آمریکا مورد تقدیر قرار گرفت. به نوشته یواس‌ای تودی این فهرست ۱۰ نفره شامل محققان و نخبگان جوانی است که در حوزه‌های ابتکاری مشغول به فعالیت هستند و با این حال معمولاً از چشم عموم پنهان مانده‌اند.

میرزاخانی در سال ۲۰۱۴ برنده مدال فیلدز شد که بالاترین نشان علمی رشته ریاضیات است و هر چهار سال یکبار به دانشمندان برگزیده زیر ۴۰ سال اهدا می‌شود و از آن به نوبل ریاضیات نیز تعبیر می‌شود. وی نخستین زن و نخستین ایرانی بود که موفق به دریافت این جایزه گشت.

جوایز و افتخارات

مدال فیلدز ۲۰۱۴ سئول (List of Fields Medalists)  
جایزه بنیاد ریاضیات کلی در سال ۲۰۱۴

جایزه ستر از طرف انجمن ریاضی آمریکا در سال ۲۰۱۳  
جایزه ای‌ام‌اس بلومنتال در سال ۲۰۰۹

مریم میرزاخانی ریاضی‌دان ایرانی و آمریکایی و استاد دانشگاه استنفورد بود. فیروز نادری دانشمند ایرانی ناسا از درگذشت «مریم میرزاخانی» خبر داد. او نوشت امروز چراغی خاموش شد. این موضوع قلب من را می‌شکند... خیلی زود رفت.»

او متولد ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۶ در تهران است. میرزاخانی در سال ۲۰۱۴ به خاطر کار بر «دینامیک و هندسه سطوح ریمانی و فضاهای پیمانه‌ای آنها» برنده مدال فیلدز شد، که بالاترین جایزه در ریاضیات است. وی نخستین زن و نخستین ایرانی برنده مدال فیلدز است. زمینه تحقیقاتی او مشتمل بر نظریه تائیشمولر، هندسه هذلولوی، نظریه ارگودیک و هندسه هم‌تافته است.

در تیر ماه سال ۱۳۹۶ اعلام شد میرزاخانی به دلیل ابتلا به سرطان در بیمارستانی در آمریکا بستری است. یکی از نزدیکان او گفته بود که حال وی وخیم است. میرزاخانی از چهار سال پیش به سرطان سینه مبتلا بوده و این سرطان اکنون به مغز استخوان وی سرایت کرده است. پدر و مادر وی برای مراقبت از او به آمریکا رفته بودند.

مریم میرزاخانی در دوران تحصیل در دبیرستان فرزاتگان تهران، برنده مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی در سال‌های ۱۹۹۴ (هنگ‌کنگ) و ۱۹۹۵ (کانادا) شد و در این سال به عنوان نخستین دانش‌آموز ایرانی جایزه نمره کامل شد. وی نخستین دختری بود که به تیم المپیاد ریاضی ایران راه یافت؛ نخستین دختری بود که در المپیاد ریاضی ایران طلا گرفت؛ نخستین کسی بود که دو سال مدال طلا گرفت و نخستین فردی بود که در آزمون المپیاد ریاضی جهانی نمره کامل گرفت. سپس در سال ۱۹۹۹ کارشناسی خود را در رشته ریاضی از دانشگاه شریف و دکترای خود را در سال ۲۰۰۴ از دانشگاه هاروارد به سرپرستی کورتیس مک‌مولن از برندگان مدال فیلدز گرفت.

از مریم میرزاخانی به عنوان یکی از ده ذهن جوان برگزیده سال ۲۰۰۵ از سوی نشریه پایپولار ساینس در آمریکا و ذهن برتر در رشته ریاضیات تجلیل شد. میرزاخانی برنده جوایزی چون جایزه ستر از انجمن ریاضی آمریکا در سال ۲۰۱۳، جایزه کلی و مدال فیلدز در سال ۲۰۱۴ است. وی از یازدهم شهریور ماه ۱۳۸۷ (اول سپتامبر ۲۰۰۸) در دانشگاه استنفورد استاد دانشگاه و پژوهشگر رشته ریاضیات است. پیش از این، او استاد دانشگاه پرینستون بود.

وقتی از او پرسیده شد که چه چیزی برایش بیش از هر چیز دیگری حکم جایزه و پاداشی در پشت



## لذت خواندن و یادگیری

○ مسیحا

در نظر بگیریم، از جمله مکان مطالعه، زمان مطالعه و روش یا تکنیک مطالعه که به شرح هر یک به اختصار می پردازیم:

### مکان مطالعه

بهتر است برای مطالعه ثمربخش جای ثابتی را انتخاب کنیم مثلاً پشت میز بنشینیم و مطالعه کنیم. در مورد نور مکان مطالعه بهتر است از دو ترکیب نوری هم طیف زرد و هم طیف سفید استفاده کنیم تا چشم ها خسته نشوند. دمای اتاق مطالعه باید در حدود ۲۵ درجه سانتیگراد باشد چون احساس گرمای زیاد باعث حواس پرتی و خواب آلودگی می شود. هر چقدر فضای اطرفتان هنگام مطالعه محدودتر باشد میزان حواس پرتی تان نیز کمتر خواهد بود. بهترین جا برای درس خواندن منزل است ولی اگر به هر دلیل نمی توانید در خانه مطالعه کنید، از فرهنگسراها یا کتابخانه ها استفاده کنید.

### زمان مطالعه

هیچ قانونی برای زمان مطالعه نداریم هر وقت که راحت بودید چه صبح زود و چه شب تا دیروقت می توانید مطالعه کنید و درس بخوانید. ولی سه زمان در یادگیری مهم است که بهتر است در این زمان ها مطالعه کنید: الف) اول صبح: چون تازه از خواب بیدار شدید و ذهنتان آماده است که مطالب را به راحتی در خود نگه می دارد پس برنامه های روزانه خود را طوری تنظیم نمایید که حتماً اول صبح نیم ساعت یا یک ساعت درس بخوانید. ب) آخر شب: به دلیل این که بعد از درس می خوابید و منع بعدی ندارید پس مطالب فرصت پیدا می کنند تا از نیمکره راست که جایگاه حافظه کوتاه مدت است، وارد نیمکره چپ که جایگاه حافظه بلند مدت است، شوند برای همین یادگیری افزایش پیدا می کند. ج) دو ساعت قبل از غروب آفتاب: به دلیل این که کاهش اشعه کیهانی و نوع رابطه خورشید با زمین اختلال حواس در این زمان می شود، پس سعی کنید از این زمان استفاده کنید. البته این سه زمان برای درس خواندن مناسب هستند ولی نباید زمان های دیگر را از دست بدهید.

است معلمانی که با تغییر پی در پی روش های تربیتی خود سعی در ایجاد تقویت و پیشبرد انگیزش تحصیلی هستند توصیه می شود که این عمل را بتدریج انجام دهند زیرا ایجاد تغییرات پی در پی حالتی از شوک در افراد ایجاد می کند. انگیزش از جمله مباحثی است که قرن ها توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است و دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که ارزیابی انگیزش انسان بسیار پیچیده است، برخی از دانش آموزان علاقه زیادی به درس، مدرسه و تحصیل دارند و برخی علاقمند به این امور نیستند، بررسی چگونگی و چرایی این انگیزه مورد سؤال و بحث بسیاری از اولیاء، معلمان و مربیان است. یادگیری یک لذت است. اما نه یادگیری شعار زده و تشریفاتی. یادگیری یک لذت است، اما چه بر سر آن آمده است؟ چرا از یادگیری لذت نمی بریم و لذت های دیگر را به آن ترجیح می دهیم؟ در اینجا سعی بر آن داریم تا با ارائه تکنیک هایی کاربردی و عملی بتوانیم کیفیت یادگیری دانش آموزان را بالا ببریم.

### چگونه توانایی مطالعه را تقویت کنیم؟

مطالعه یک فرایند شرطی و اکتسابی جهت افزایش معلومات است. یعنی مرحله به مرحله پیش می رود و دارای بخش های مختلفی مانند: مهارت های قبل از مطالعه، ایجاد آمادگی، پیش مطالعه و... است. برای این که ما در مطالعه شرطی بشویم باید شرایطی را

مطالعه روش های ایجاد انگیزه و ترغیب دانش آموزان یک موضوع بسیار پیچیده است. نخستین نکته ای که معلمان باید بدانند این است که انگیزش انسانی یک موضوع بسیار پیچیده است صدها روان شناس زندگی خود را صرف کرده اند تا علت نحوه رفتار انسان را کشف کنند، کوشش های آنان به موفقیت های زیادی منجر شده است. امروزه ما نسبت به چند دهه ی قبل اطلاعات زیادی درباره ی این موضوع داریم اما این موفقیت ها بدین معنا نیست که درک و فهم ما کامل شده است. اگر موضوع انگیزش انسان اینقدر ساده بود معلمان به حل بسیاری از مشکلاتی که با اندک انگیزش دانش آموزان قابل رفع بود فایق می آمدند بنا براین معلمانی که برای افزایش انگیزش تحصیلی دانش آموزان فعالیت می کنند باید بینش و اهدافی متعادل داشته باشند معلمان باید علاوه برداشتن اهدافی متعادل برای افزایش انگیزش تحصیلی دانش آموزان باید آگاه باشند که مجموعه ی یکسانی از شیوه های علمی که در تمام موفقیت موثر باشند وجود ندارد. از آنجایی که تدارک محیط های مناسب برای دانش آموزان باعث افزایش انگیزش یادگیری آنان می شود از این رو معلمان باید زمان زیادی را جهت آموختن شیوه های آماده سازی محیط مناسب برای دانش آموزان صرف کنند، زیرا این عمل بسیار پیچیده





در مرحله اول نه تنها اتفاق مثبت خاص نمی‌افتد بلکه اتفاقات منفی نیز پیش می‌آید یعنی راندمان کم می‌شود مثل اینکه فرد مریض می‌شود. یعنی اگر فرد می‌خواهد عادت‌های خود را در خود ایجاد کند باید ریاضت بکشد و خوشبختانه از آن جایی که نام انسان از دو ریشه انس و نسیان گرفته شده است، سریع یک وضعیت را «نسیان» (فراموشی) می‌کند و به وضعیت جدید «انس» می‌گیرد منتظر نقطه آغاز برای شروع تحول جدید نباشید. نگویید از اول هفته شروع می‌کنم یا از اول ماه درس می‌خوانم. هر وقت خواستید تغییری در خود ایجاد کنید، آن زمان مناسب است و می‌تواند آغاز حرکت باشد. سعی خواهد شد در شماره‌های بعدی مجله نکاتی کاربردی و مهم از سلسله مباحث لذت خواندن و یادگیری به شما علاقه‌مندان ارائه شود. به امید موفقیت شما در تمامی مراحل زندگی

منابع:

- ۱- کتاب لذت یادگیری، حاجی حسین نژاد غلامرضا، نشر تهران
- ۲- سلسله مباحث دکتر نامی (متخصص در مشاوره و برنامه‌ریزی تحصیلی)

که از طریق ربط دادن مطالب جدید با اطلاعات قبلی به متن مزبور معنا بخشید.

**مرحله پنجم - بازخوانی:** بازخوانی موجب صرفه جویی در وقت شما می‌شود، زیرا ضروری نیست که تمام مطالبی را که قبلاً مطالعه کرده‌اید دوباره بخوانید. با این پنج مرحله نه تنها می‌توانید مطالعه خویش را تقویت کنید بلکه می‌توانید آن را به دیگران نیز آموزش دهید. مطلب آخر در انتها نکات مهم و کلیدی که می‌توانند کمک کنند تا یک مطلب خوب را به مدت طولانی حفظ کنید و خود را بدان سازگار سازید را بیان می‌کنم.

#### نکته طلایی

برای گرفتن تصمیم جدید نباید تصمیم بزرگی را در ابتدا اتخاذ کرد. بلکه باید از تصمیم‌های کوچک شروع کرد. یعنی دانش آموزی که عادت ندارد درس بخواند نباید با یک برنامه ۱۰ ساعته شروع کند بلکه باید با یک برنامه دو ساعته شروع کند. برای آنکه بتواند این روند را ادامه دهد. در موقع ایجاد عادت جدید، راندمان بین ۲۱ تا ۴۰ روز کاهش پیدا می‌کند. یعنی فردی که می‌خواهد رفتار جدیدی را آغاز کند باید بداند که

#### روش مطالعه

رعایت مراحل زیر شما را به صورت فعال در جریان یادگیری درگیر می‌سازد و زمینه‌هایی را برای تمرین اطلاعات تازه ای که شما فرا گرفته اید، فراهم می‌آورند.

**مرحله اول - مرور کردن:** برای یافتن اطلاعات جدید اولین گام مرور کلی است این کار به شما کمک می‌کند که اطلاعات هر فصل را با تجارب قبلی خود پیوند زنید و دانش مربوط را در ذهن خویش فعال سازید.

**مرحله دوم - سوال کردن:** سوال به شما کمک می‌کند که به صورت فعال با مواد خواندنی درگیر شوید و همین طور در پیش بینی کردن سوالات امتحانی نیز به شما کمک می‌کند.

**مرحله سوم - خواندن:** مطالب را بخوانید و در ضمن مطالعه سعی کنید سوالاتی که در مرحله دوم طراحی کرده‌اید پاسخ دهید و آنچه را می‌خوانید، با دانسته‌های قبلی خود ربط دهید.

**مرحله چهارم - از بر خوانی:** به محض آنکه مطالعه یک قسمت را تمام کردید، تلاش کنید سوالاتی که درباره آن قسمت طراحی کرده‌اید پاسخ دهید. این تمرین به شما کمک می‌کند



○ مهدی بابایی

# نگاهی به دغدغه ۱۰۰ ساله پسران ایرانی

## از سر باز کردن سربازی

آمارهای غیر رسمی حاکی از این است که جمعیت افرادی که در کشورمان بیش از ۱۰۰ سال عمر کرده‌اند، حدود ۱۰۰۰ نفر است و اغلب آنان را هم زنان شامل می‌شود، این یعنی دیگر کسی در خاطرش نمانده که اولین قانون سربازی اجباری در کشور چگونه و تحت چه شرایطی به تصویب رسید، قانونی که حدود دو سال پیش ۱۰۰ سالگی اجرائیش را در کشور جشن گرفت و در طول یک قرن همواره انتقادات زیادی نسبت به آن وجود داشت. این قانون که در ابتدا تحت عنوان «سربازگیری» در کشور اجرا شد شش سال در سال ۱۳۰۰ مورد بازنگری قرار گرفت و پس در سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۱۰، ۱۳۱۷، ۱۳۲۲، ۱۳۲۴، ۱۳۳۴، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۷ و ۱۳۵۰ تغییراتی در آن اعمال شد اما همچنان اصلی‌ترین بند آن یعنی اجباری بودن در آن باقی ماند. با پیروزی انقلاب اسلامی و وقایعی که در دهه ابتدایی انقلاب رخ داد، کمتر کسی به فکر تغییر و تحول در سربازی افتاد و مطالبه اجتماعی چندانی هم در این باره مطرح نشد، در نتیجه نخستین قانون مربوط به خدمت وظیفه عمومی پس از انقلاب با حفظ ماده اجباری بودن سربازی برای جوانان ذکور در ۲۹ مهر ماه سال ۶۳ به تصویب مجلس وقت رسید، قانونی که ۲۷ سال بدون هیچ بازنگری در کشور اجرا شد و سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان میان مجلس و ستادکل نیروهای مسلح با تغییراتی جزئی و حذف چند ماده و تبصره در آبان سال ۹۰ به تصویب مجلس رسید و از دی ماه همان سال لازم الاجرا شد. در قانون جدید گرچه تسهیلاتی برای سربازان در نظر گرفته شده بود اما در عمل بسیاری از آنها محقق نشد و

از آن نشان می‌دهد چرا که تنها حدود یک پنجم جمعیت مشمولان دارای بیش از هشت سال غیبت برای بهره‌مندی از آن ثبت نام کردند و حتی پرداخت وام بانکی برای جریمه ریالی هم محرک خوبی برای این افراد نشد.

این طرح اما امید برخی به احتمال اعمال تغییرات در نحوه سربازی و به ویژه قید اجباری بودن آن را افزایش داد، امیدی که گرچه ناامید نشده اما به نظر می‌رسد تا اجرائی شدن آن راه زیادی در پیش باشد، به ویژه آنکه تا کنون هیچ پالس مثبتی از سوی مسئولان نظامی کشور در این خصوص ارائه نشده است.

## الگوهای جایگزین مرکز پژوهش‌های مجلس برای سربازی

در همین راستا مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مرداد ماه سال ۹۲ طرحی تحت عنوان «الگوهای سربازی آینده در جمهوری اسلامی ایران» را منتشر کرد، طرحی که هنگام انتشار سر و صدای زیادی به پا کرد و با توجه به همزمانی‌اش با آغاز به کار دولت روحانی برخی امیدوار بودند که به زودی یکی از الگوهای ارائه شده در این طرح در کشور اجرائی شود اما سرانجام با مخالفت ستاد کل نیروهای مسلح این اقدام در حد همان طرح باقی ماند، انتقاد اصلی ستادکل به این طرح عمقی نبودن آن و عدم تناسبات با موقعیت کشور بود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در

تنها ماده یک قانون وظیفه عمومی یعنی اجباری بودن سربازی برای افراد ذکور قدرتمندی می‌کرد، ماده‌ای که بیش از ۱۰۰ سال است که به یکی از دغدغه‌های پسران ایرانی و خانواده‌هایشان بدل و قصد تغییر هم ندارد!

## آغاز جریمه ریالی و امید به تغییر در سربازی

«خرید خدمت سربازی» طرحی است که دیگر در کشور ما اجرائی نخواهند شد، آب پاکی این موضوع را سردار کمالی، رییس اداره سرمایه انسانی سرباز ستادکل نیروهای مسلح روی دست مشمولان ریخته و بارها تاکید کرده که به دلیل تبعیض آمیز بودن چنین طرحی امکان اجرائی آن وجود نداشته و ستاد کل نیروهای مسلح زبربار آن نخواهد رفت. اما چندسالی است که طرحی به نام جریمه ریالی سربازان دارای بیش از هشت سال غیبت در کشور اجرائی شده است، طرحی که به موجب آن مشمولان غایبی که حداقل تا پایان همان سال هشت سال یا بیشتر از تاریخ غیبت یا ترک یگان خدمتی شان گذشته باشد می‌توانند با پرداخت مبالغی که بر حسب میزان تحصیلات، سنوات غیبت، وضعیت تاهل و تعداد فرزندان آن را کم و زیاد می‌کند از انجام خدمت سربازی معاف شوند.

این قانون که عمده مردم آن را همان فروش خدمت سربازی می‌دانند اما چندان به مذاق سرباز فراری‌ها خوش نیامد، این را آمار استقبال





کنونی پذیرا باشند و به خدمت اعزام شوند و یا اینکه با پرداخت هزینه های دوران خدمت متناسب با

ارزش پولی ملی در آن زمان و با سپری کردن دوره آموزش از انجام خدمت معاف شوند. ستاد کل نیروهای مسلح از مخالفان سرسخت این طرح است.

«الگوی خدمت سربازی یک ساله در دوران صلح» را شاید بتوان الگوی بهتر دانست که احتمال موافقت ستاد کل نیروهای مسلح نیز با آن بیشتر است، در این مدل سربازی در دوران صلح اجباری و مدت آن یک سال است. محدود شدن زمان سربازی به یک سال باعث افزایش انگیزه برای خدمت در میان خانواده ها جوانان و همچنین رضایتمندی بیشتر آنها می شود و در کنار آن منطقی تر شدن روش های به کارگیری کاهش اتلاف زمان موثر و افزایش کارآمدی و بهره وری می شود. آخرین الگو، «تلفیقی چند جانبه هدفمند» نام دارد و ترکیبی است از تمام الگوهای گفته شده که البته چندان نمی توان اجرای همزمان چند مدل را موفقیت آمیز دانست.

### بررسی الگوهای جدید برای سربازی

هفت الگوی پیشنهادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در حالی طی سه سال گذشته اجرایی نشده که مهدی احمدی معین، کارشناس دفتر سیاسی این مرکز از بررسی الگوهای دیگر سربازی در مرکز پژوهش ها خبر داده و به خبرنگار ما می گوید: بررسی سربازی در مرکز پژوهش ها همچنان ادامه دارد و چند الگو دیگر هم برای سربازی پیشنهاد شده اما به دلیل محرمانه بودن جزئیات آن منتشر نشده است. او با تاکید بر اینکه در حوزه سربازی مرکز پژوهش های مجلس تنها پیشنهادات خود را منتقل می کند و تصمیم گیری در این زمینه بر عهده مجلس، دولت و ستاد کل نیروهای مسلح است، ادامه می دهد: «آنچه که به عنوان الگوهای سربازی معرفی شد هم در حقیقت تنها پیشنهاداتی بود که به منظور بهبود خدمت سربازی ارائه شد.» احمدی معین همچنین از تشکیل کارگروهی مشخص برای بررسی خدمت سربازی در مرکز پژوهش های مجلس شورا اسلامی خبر داد و می گوید: «ما قدرت تعیین کنندگی نداریم و همانطور که گفتم پیشنهاد دهنده هستیم و این کارگروه هم با همین هدف فعالیت می کند. او همچنین درباره اینکه آیا نشانه های مثبتی از رییس جدید ستاد کل درباره سربازی دریافت کرده اند، یا خیر نیز

این طرح هفت مدل را برای سربازی پیشنهاد کرده بود که یکی از آنها شیوه فعلی خدمت سربازی و شش مورد آن طرح هایی بود که در صورت تصویب مجلس و ابلاغ دولت می توانست جایگزین الگوی صد و یک ساله فعلی شود. این طرح ها که در کنار آن برخی از مشکلات فعلی سربازی نیز مطرح شده بود علاوه بر «الگو و مدل حاکم کنونی» عبارتند از «الگوی سربازی حرفه ای» که این مدل شایع ترین مدل های خدمت سربازی در جهان است و دارای مزایا و همچنین معایبی است. از مهم ترین مزایای این سیستم افزایش کارآمدی نیروهای مسلح به دلیل تخصصی شدن خدمت، انگیزه بالای سربازان به دلیل اختیاری شدن خدمت، استفاده از فناوری های نوین، کاهش ریسک امنیتی، دفاعی، کاهش هزینه های اقتصادی دولتی، کاهش تلفات انسانی و کاهش تخلفاتی مانند فرار از خدمت و غیبت و ... است. معایب این الگو نیز عبارتند از محروم ماندن از نیروهای مردمی و داوطلب، ضعف فرهنگ سازی امنیت و دفاع در میان جامع و جوانان، افزایش بودجه نظامی در برخی موارد و ضعف در تربیت جوانان و جامعه پذیری. «الگوی سربازی داوطلبی - بسیجی چابک» پیشنهاد دیگر مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی به ستاد کل نیروهای مسلح است، بر اساس این طرح با توجه به اینکه داوطلبان بودن و الگوهای رفتار و فعالیت های داوطلبانه بالاترین نتایج را در عرصه های مختلف به دنبال دارد و این الگو می تواند اثربخش ترین و کارآمد ترین مدل های سربازی باشد چه اینکه متغیر داوطلبانه بودن و انگیزه مثبت بیشترین نقش را در انجام صحیح و موثر وظیفه و خدمت ایفا کند. «الگوی سربازی علمی تخصصی» به منظور استفاده بیشتر از توانایی های تخصصی سربازان پیشنهاد شده و در آن شاخص و معیار خدمت سربازی تخصص ها و توانمندی های علمی مشمولان است و سربازان پس از گذراندن دوره مناسب آموزش نظامی - دفاعی در محیط های خدمتی تخصصی و علمی متناسب با رشته تخصصی خود به کار گرفته می شوند. «الگوی خرید خدمت هدفمند» که در حال حاضر نیز مشابه آن در قانون بودجه و تحت عنوان جریمه ریالی مشمولان غایب اجرا می شود، پیشنهاد دیگر مرکز پژوهش های مجلس است، در این الگو متغیر خرید خدمت که امروزه به اشکال گوناگونی در سیستم وظیفه عمومی وجود دارد مورد نظر قرار گرفته و از سوی دیگر متغیر اقتصادی برای برخی از واجدین شرایط مد نظر قرار می گیرد. در این مدل خدمتی افراد مجاز خواهند بود یا گزینه خدمت رایج را با مزایای پیش بینی شده

می گوید: «ما همواره با ستاد کل رابطه مستمری داریم و موضوعات را به آنسان منتقل می کنیم. خوشبختانه در موارد متعددی هم نتایج خوبی به دست آورده ایم که تسهیلات در نظر گرفته شده برای سربازان متاهل، تغییر در خوراک و پوشاک سربازان و ... از جمله آنهاست.»

### بخشودگی های جدید با موافقت فرمانده کل قوا

اوایل تابستان امسال، اما خبر رسید که اضافه خدمت سنواتی و انضباطی تمامی مشمولان غایب و مشغول خدمت بخشیده شده است. این اقدام به مناسبت عید فطر و پس از موافقت مقام معظم رهبری با پیشنهاد ستاد کل نیروهای مسلح انجام شد و بر اساس آن تمامی مشمولان غایبی که تا بیست و دوم بهمن ماه سال ۹۶ وضعیت خدمتی خود را مشخص کنند اضافه خدمتی به دلیل غیبت از سربازی نخواهند گرفت. علاوه بر آن اگر سربازی مشغول خدمت هم باشد و با این بخشودگی دوران خدمتش به پایان برسد، نیروهای مسلح موظفند که مراحل تسویه وی را انجام داده و او را ترخیص کنند.

این بخشودگی فرصت خوبی برای مشولان غایب است تا بدون رسیدگی قضایی به غیبت و اضافه خدمت دوران سربازی خود را سپری کنند، به ویژه آنکه با اجرای طرح آزمایش سرزمینی در نیروهای مسلح قطعا در نزدیکترین یگان محل سکونتشان به خدمت خواهند رفت و اگر متاهل و دارای فرزند هم باشند تسهیلات بیشتری دریافت خواهند کرد.

### تسهیلات جدید برای ایثارگران

خبر جدید اما برای مشمولان متولد سال ۷۲ و قبل از آن است، این افراد اگر فاقد غیبت سربازی باشند می توانند از کسر خدمت ایثارگری والدین خود منوط به داشتن حداقل ۶ ماه جبهه و یا حداقل پنج درصد جانبازی استفاده کنند.

سربازی و دوران آن دغدغه ای است که برای تمام پسران ایرانی و خانواده هایشان وجود دارد، بسیاری از خانواده ها از همان بدو تولد پسرشان نگران دوران سربازی او می شوند اما این دوره نیز مانند بسیاری دیگر از دوره های زندگی سپری خواهد شد. با محرومیت های اجتماعی که پیش روی مشمولان غایب قرار دارد به نظر نمی رسد که غیبت از سربازی چندان اقدام منطقی به نظر برسد با این وجود آنها باید تصمیم بگیرند که چه راهی را انتخاب کنند.

# کاظم اخوان عکاس جاوید الاثر

«حزب‌الکتاب» معروف به «فالانزسیت‌ها» به فرماندهی «ایلی جیق» و توسط «سمیر جعجع» به اسارت گرفته شد. از آن تاریخ تاکنون هیچ خبر موثقی از این رزمندگان به دست نیامده است.

چهره جوان، آرام و مصمم کاظم اخوان، روحیه پرشور و کنجکاو، نگاه جست‌وجوگر و هنرمندانه، شجاعت، سلحشوری و خستگی‌ناپذیری او در تک‌تک عکس‌هایش دیده می‌شود. در هر تصویر، بخشی از واقعه دفاع و حماسه ثبت و ماندگار شده است. گرچه در عکاسی خبری و مستند اهمیت سوژه به مراتب بیشتر از نگاه هنرمندانه و توجه به ترکیب‌بندی و زیبایی‌شناسی است اما در عکس‌های اخوان زاویه نگاه به سوژه در جهت تأثیرگذاری بیشتر و کادربندی‌های راحت نشان می‌دهد که او به جنبه‌های هنری نیز کاملاً توجه داشته است.

او سلاح بر دوش و دوربین در دست، سنگر به سنگر پیش می‌رفت و زمان را در قاب عکس‌هایش متوقف می‌ساخت. عکس‌های او به گونه‌ای است که حضورش را جلوتر از رزمندگان در خاکریزها و جبهه‌ها نشان می‌دهد. در آن زمان او فیلم‌هایش را از مناطق جنگی به تهران می‌فرستاد تا در اختیار رسانه‌ها قرار گیرد و هر بار پس از چاپ عکس‌ها، تعجب و تحسین همگان برانگیخته می‌شد.

کاظم اخوان همیشه جاودان است. این سخن همه کسانی است که عکس‌های او را به نظاره می‌نشینند.



نام و نام خانوادگی کاظم اخوان عکاس  
شماره شناسنامه ۷۸۰۴۸  
تاریخ تولد ۱۳۳۸

خادمی بارگاه ملکوتی حضرت امام‌رضا (ع) را داشت و کاظم نیز با عشق به اهل بیت پرورش یافت. کاظم که در دوران انقلاب، همگام با مردم در پیروزی انقلاب اسلامی نقش خود را ایفا کرده بود با شروع جنگ تحمیلی به مناطق جنگی رفت و با هنر خود به دفاع از حریم انقلاب پرداخت. در جبهه‌های جنوب کشور هم‌رزم مبارز فداکار شهید دکتر مصطفی چمران شد و از همان زمان بود که همکاری خود را با خبرگزاری ایرنا شروع کرد. خاطرات تصویری فراوانی از ایثار و مقاومت و رشادت آن دوران از کاظم و دریچه دوربین او به جا مانده است.

پس از شهادت دکتر چمران، اخوان با روحیه انقلابی و پرتلاش خود و تأثیرپذیری از رفتارهای سردار شهیدش، عازم لبنان شد تا تصاویری از تجاوز و جنایات غاصبان مسجدا لاقصی را به ثبت رساند. این آغاز ماجرای بود که کاظم را مانند عکس‌هایش جاودانه ساخت. کاظم اخوان در چهاردهم تیرماه ۱۳۶۱، به همراه سردار احمد متوسلیمان، سیدمحسن موسوی و تقی رستگارمقدم، در پست بازرسی «حاجزبربار» متعلق به نیروهای مسیحی

در تاریخ هنر انقلاب اسلامی، دوران هشت ساله دفاع مقدس، از نقاط عطف و تأثیرگذار در هنرهای تجسمی ایران به شمار می‌رود. تاریخ‌نگاری، وقایع‌نگاری و مستندسازی آن دوران غرورانگیز، مرهون هنر عکاسی و عکاسانی است که پایه‌های رزمندگان، جبهه‌ها را درنوردیدند. بسیاری از شاهکارهای عکاسی خبری، واقع‌نگاری و تصویری در دوران دفاع مقدس خلق شده است. مجموعه آلبوم شش جلدی جنگ تحمیلی سرشار از چنین تصاویری است. عکس روی جلد اولین آلبوم جنگ، تصویری است از شهیدی که بر خاک جبهه‌های جنوب آرمیده و خون از زیر او بر خاک روان شده است. هنرمند خالق این تصویر در کنار شهید زانو زده و با احترام نقش عشق را در عکس خود جاودانه ساخته است. این عکس اثر کاظم اخوان است. هنرمندی که با عکس‌های ماندگارش سهم به‌سزایی در ثبت تصویر حماسه دفاع مقدس دارد. وقتی از حماسه و حضور و مقاومت و ایثار سخن به میان می‌آید در میان عکاسان و تصویرگران آن دوران، نام کاظم اخوان خودنمایی می‌کند. او در سال ۱۳۳۸ در شهر مقدس مشهد متولد شد و تحصیلات خود را در خراسان به پایان رساند. پدر بزرگوارش حاج‌رضا اخوان توفیق



# تصاویر تهیه شده توسط شهید اخوان



غاده جابر همسر چمران به همراه دختر شهید نواب صفوی  
بالای پیکر شهید چمران



تصویر کلاه‌خودهای افتاده بر زمین خرمشهر



عکسی از شهید مصطفی چمران که توسط شهید کاظم اخوان  
به ثبت رسیده است - کردستان - درگیری با ضد انقلاب



# کار آفرینی با ۱۰۰ هزار تومان!

دانش آموز سال سوم دبیرستان و دوست داشتم ادامه تحصیل دهم و مهندس شوم. در همین حال و هوا بودم که گلخانه متروکه همسایه نظرم را جلب کرد. با توجه به علاقه ام به کار کشاورزی تصمیم گرفتم گلخانه متروکه همسایه را احیا کنم. برای خرید گلخانه که اصلاً پول کافی نداشتم اما تصمیم گرفتم گلخانه را از صاحبش اجاره کنم. پول توجیبی هایم را که مدتی جمع کرده بودم با پول عیدی هایم یکی کردم تا بتوانم گلخانه را اجاره کنم. صاحب گلخانه راضی به اجاره دادن گلخانه اش نمی شد. او اعتقاد داشت که یک نوجوان ۱۶ ساله توان راه اندازی گلخانه را ندارد. هر چند او در این اواخر به صورت مشارکتی شریک من در گلخانه شده است. دو برادر دوقلو دارم که از من کوچکتر و دانش آموز هستند و در امور گلخانه به من کمک می کنند. برادر هایم با کمک کردن به من خرج تحصیلشان را خودشان در می آورند».

وی با اشاره به نقش تلاش در زندگی جوانان، افزود: در شروع کار برای اینکه متوجه شوم که چه محصولاتی در شهرستان ایوان بهتر کشت می شود چند نوع از محصولات را تستی کشت کردم و نتیجه خوبی گرفتم. گلخانه ما ۲۰ هزار مترمربع مساحت دارد و برای ۴ نفر در این گلخانه اشتغالزایی شده است.

برای گلخانه سیستم آبیاری قطره ای را راه اندازی کرده ام زیرا با این سیستم آب کمتری مورد نیاز خواهد بود و خیلی به صرفه است.

وی بیان کرد: برای گرم کردن گلخانه از بشکه استفاده کرده ام. این بشکه ها را به شکل بخاری درست کرده ام. گرمای این بشکه ها را به محل های خاص گلخانه که مورد نیاز بود با لوله بخاری هدایت می کنم. افقی روشن در انتظار من و در انتظار هر جوان تلاشگری است که برای خانواده و کشور خودش زحمت می کشد. من گلخانه را در اصل با ۱۰۰ هزار تومان راه اندازی کردم؛ ۱۰۰ هزار تومانی که برای خرید بذر و تجهیزات مصرف شد ولی در عرض ۳ ماه به سود دهی رسیدم

## از درآمد گلخانه چرخ اقتصاد خانواده می چرخد

گلخانه دار ۱۹ ساله ایوانی با اشاره به رضایتش از درآمد گلخانه، گفت: هر سه روز یک بار محصولات مختلف از جمله گوجه، خیار، بادمجان، فلفل و سبزیجات را چیده

هستند کار آفرینی ۱۹ ساله ایوانی موفق شده است با پول تو جیبی و عیدی گلخانه ای احداث کند و درآمد نسبتاً خوبی داشته باشد.

محمد کریم آشفته، جوان ۱۹ ساله ایوانی است. چند سالی است که در یک گلخانه در روستای نرگسی که در ۵ کیلومتری شهرستان ایوان در استان ایلام واقع است به تولید صیفی جات می پردازد و از درآمد این شغل راضی است. دانشجوی سال دوم مهندسی عمران است اما از کشاورزی کسب درآمد می کند.

## احداث گلخانه با پول توجیبی هایم بود

جوان کار آفرین ایوانی درباره نحوه ورودش به این عرصه گفت: «از نظر مالی در سطح خوبی نبودیم. با اینکه ۱۶ ساله بودم اما احساس تکلیف می کردم که باید به اقتصاد خانواده ام کمک کنم. مادرم در اثر انفجار یک قبضه مین به جا مانده از دوران جنگ تحمیلی در سومار در سال ۷۶ به شهادت رسیده بود و من بسیار احساس تنهایی می کردم. بسیار فکر کردم که چه شغلی را آغاز کنم اما چیزی به ذهنم نمی رسید. این کار آفرین ادامه داد: ۱۶ ساله بودم و

چند سالی است که احداث واحدهای گلخانه ای در سراسر کشور رواج یافته است. گلخانه مانند یک تکنولوژی جدید به شدت مورد پذیرش کشاورزان قرار گرفته است. روش کشت گلخانه ای مزایای بسیاری دارد. تولید در خارج از فصل، امکان کنترل عوامل محیطی، امکان کشت هر محصول در هر منطقه آب و هوایی، کنترل آفات و بیماری ها، مصرف کمتر آب، راندمان بالای تولید، دوام محصول پس از برداشت، قیمت بالاتر محصول برای فروش در خارج از فصل و مواردی از این دست مزایای این روش کشت هستند.

در ایران خیار گلخانه ای بازار خوبی دارد، صیفی جاتی نظیر گوجه فرنگی، طالبی، توت فرنگی، فلفل دلمه ای، لوبیا سبز و... تولید می شود. علاوه بر میوه گلهای زینتی از دیرباز در گلخانه ها رایج بوده است. گلخانه ها با استفاده مناسب از منابع آبی و کاهش روز افزون منابع آب زیرزمینی، بی شک توسعه گلخانه ها نقش قابل توجهی در کاهش مصرف آب دارند.

اما با توجه به اینکه کشاورزی از آن دسته شغل هایی است که شاید به خاطر سختی های آن جوان ها کمتر به سمت آن می روند. در شرایطی که اکثر جوان ها بیکار





و از هر محصولی ۳۰ کیلو بسته بندی می کنیم و برای فروش به بازار می بریم. چون محصولات گلخانه ما با کیفیت است به قیمت بالاتری می فروشیم.

این کارآفرین ادامه داد: محصولاتمان را به بازارچه اصلی میوه و ترهبار ایوان می بریم. در حال حاضر از درآمد گلخانه راضی هستیم. چرخ اقتصاد خانواده به راحتی از این گلخانه می چرخد. قصد توسعه و گسترش گلخانه را داریم. با این کار هم اشتغالزایی بیشتری انجام خواهد شد و هم درآمد گلخانه بهتر خواهد شد. از بسیج سازندگی وامی دریافت نکردیم و فعلا روی پای خودمان ایستاده ایم و متکی به اراده و تلاش خودمان هستیم. میانگین درآمد گلخانه سالانه ۳۰ میلیون تومان است.

محمد کریم آشفته، بیان کرد: هر جوانی اگر فقط کمی اراده داشته باشد در محلی که هست می تواند درآمد کسب کند. این یک شعار نیست، یک واقعیت است. این واقعیت است که خاک کشور ما طلاست. فقط یک هکتار زمین با کمی اراده می تواند نان آور یک خانواده در یک روستا باشد. نوجوانان از فرصت خوبشان استفاده کنند و وقت خود را هدر ندهند. در کنار درس یک حرفه و یک فن اگر می توانند آموزش

سر بزنیید و در مواقع بحرانی مثل باران و تگرگ به داد آن برسید! یک لحظه غفلت در این کار می تواند زحمات یک ساله شما را بر باد دهد.

رنگ و لعاب محصولات گلخانه ای هم معمولاً بهتر از محصولات زمینی است؛ اما از نظر طعم معمولاً محصولاتی که در زمین زراعی کشت می شوند، کیفیت بهتری دارند. علاوه بر این، کشاورزی گلخانه ای این امکان را به کشاورز می دهد که بذر را دستکاری کند و محصولات جدیدی تولید کند.

ببینند و پایه های زندگی خود را مستحکم کنند تا نگران شغل نباشند و مانند من یک کارآفرین شوند.

وی ادامه داد: کشاورزی گلخانه ای به اندازه کشاورزی روی زمین جذاب نیست. در این نوع از کشاورزی همه چیز مصنوعی است و اثری از نور خورشید نیست؛ اما سود گلخانه گاهی دهها برابر از کشاورزی معمولی است. البته اگر می خواهید در این کار موفق باشید باید حتی الامکان فاصله محل زندگیتان با گلخانه کم باشد تا بتوانید ۲۴ ساعته به آن



جانباز ۲۵ درصد کار آفرین نمونه:

محمد آوخ

## باید از تولید کننده پشتیبانی شود



بهرام تربیتیان جانباز ۲۵ درصد دفاع مقدس مدیرعامل شرکت "خرم شط" است که در زمان قبل از انقلاب به دلیل تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی ساواک نتوانست به ادامه تحصیل بپردازد و در سال ۱۳۵۶ از خرمشهر به اصفهان مهاجرت کرد. او پس از حمله رژیم بعث عراق به کشورمان، برای دفاع از کشور به جبهه رفت و در عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر به درجه جانبازی نائل آمد.

تربیتیان در سال ۱۳۷۳ شرکت «خرم شط» را تأسیس کرد. شرکتی که عمده فعالیت خود را در عرصه فرآوری و بسته بندی میگو متمرکز کرده است.

در زمانی که یکی از معضلات اساسی کشور ما بیکاری است، پای صحبت های این کارآفرین با تجربه نشستیم

**یک «پنارگر» وجه غالب شخصیتش اینار و از خودگذشتگی است. ورود به عرصه کار آفرینی هم یک نوع جهاد اقتصادی تعریف می شود. تعریف شما چیست؟**

بستگی به نوع نگاه کارآفرین دارد که نگاه مذهبی، اجتماعی و یا مالی باشد. در کشور ما بیکاری از سطح مشکل، معضل و بحران گذشته است و به تهدید تبدیل شده است و درمان این تهدید فقط کارآفرینی است. وقتی این نگاه را داشته باشیم که این کار، یک کار حسنه و خیر است و کاری است که رضای خدا و مردم را دارد، این نوع نگاه، یک نگاه عبادی است. وقتی این طور به مساله نگاه کنیم به یک کار حسنه تبدیل می شود. حتی ممکن است به یک سری منافع مالی هم منتج شود.

این مساله به نگاه خود انسان بستگی دارد. چون ما

یک باورهای دینی هم داریم، دوست داریم وقتی که عمر و هزینه ما صرف می شود، صرف حرکتی شود که جامع باشد و همه جوانب را در بر بگیرد. ما می توانیم با سیگار فروشی هم کارآفرینی کنیم. سیگار را وارد کنیم و به صدها فروشنده سیگار هم بفروشیم بگوییم کارآفرینی کردیم، اما این روش علاوه بر لعن و نفرینی که پشت آن هست هزار و یک مساله دیگر هم به همراه دارد.

**چه شد که به سمت این کار رفتید در حالی که می توانستید سرمایه خود را در کارهای سودده تری به جریان بیندازید؟**

این کار با روحیه شخصی و اعتقادات ما هم خوانی داشت. ضمن اینکه الان کارآفرینی یک نیاز و ضرورت برای کشور است. با توجه به چندین میلیون جوان بیکاری که در کشور وجود دارد این تکلیفی است که به گردن همه ماست. در جاهایی مسئولین حمایت می کنند و گاهی اوقات هم غافل می شوند. اگر خودشان یا بچه هایشان را جای یک فرد بیکار بگذارند خواهند دید که بیکاران چه می کشند و حساسیت آنها در این مورد بیشتر خواهد شد. دلسوزتر می شوند و از خودگذشتگی بیشتری پیدا می کنند. تا وقتی افراد از خودشان و منافع شخصی و حزبی و گروهی خود نگذرند این مهم تحقق پیدا نمی کند و همچنان با بحران بیکاری دست به گریبان خواهیم بود.

**اصالتا اهل کجا هستید و چرا در خرمشهر کار می کنید؟**

من در خرمشهر متولد شدم اما پدر و مادرم اصالتا اصفهانی هستند. به خاطر اینکه در خرمشهر متولد شدم و جایگاه جنگی که خرمشهر دارد و اینکه خودم در جنگ بودم، این شهر را دوست دارم.

**در این راه چه مشکلاتی دارید؟**

مهمترین مشکل ما این است که از نگاه مدیران ما، در منطقه، تولید و صنعت، در جایگاه اول قرار ندارد و تا زمانی که نگاه آنها عوض نشود، حمایت آنها جدی تر نمی شود و اهتمام جدی تری نخواهند داشت. شاید از نگاه آنها، تجارت و خدمات و غیره در جایگاه اول قرار دارد. برای خیلی ها این نوع نگاه راحت تر است. باور ندارند که امروز بیکاری یک بحران است. اگر باورداشتند دولت باید برای کارآفرینی پارانه می داد. یعنی باید بعد از راستی آزمایی کسانی که واقعا در عرصه تولید کار می کنند، بانک ها باید وام های ارزان با سود کمتر به آنها بدهند. چون بعضی تولیدی ها وام را می گیرند در جای دیگری خرج می کنند. دولت باید یک کمیته راستی آزمایی تشکیل بدهد تا بداند که آنهایی که واقعا کار انجام داده اند چه کسانی بودند؟

**از نظر شما راه حل این مشکلات چیست؟**

باید در سیاست های حمایتی از تولید کننده پشتیبانی کنند. دوسال پیش بیمه کارگری من ۱۲۰ تومن بوده سال گذشته ۲۳۰ تومن و امسال ۳۳۰ تومن بوده است. یعنی من برای ۵۰ کارگر باید حدود ۱۷ میلیون پول بیمه پرداخت کنم. از طرفی کمیته امداد و بهزیستی تا حدی حمایت کردند و گفتند اگر از ما کارگر بگیرید ما پول بیمه را پرداخت می کنیم. موانع تولید باید برداشته شود. **هیچ نهادی در این زمینه از شما حمایت کرده است؟**

جدیدا بچه های سپاه ما را خبر کردند که از مرکز به ما اعلام شده تولیدی هایی که غیرفعال هستند و یا دچار رکود هستند و یا با ضرر کار می کنند حمایت هایی شوند. وام هایی با سود کم می خواهند به آنها پرداخت کنند. از من و بچه های مناطق آزاد خواستند لیستی در این مورد تهیه کنیم.

**مشکلاتی که در زمینه کار خودتان به آن برخوردید چه بوده است؟**

چون کار ما فصلی است و ماهی و میگو فصلی هستند و قیمت ها متغیر هستند، آن چیزی که تاثیر منفی می گذارد، فاکتورهای هزینه است. هزینه هایی مثل بیمه، هزینه آب و برق و مسائل دیگر. هزینه دکتر دامپزشک سال گذشته ۳ میلیون بوده است و امثال ۴ میلیون شده است. وقتی هزینه ها بالا می رود و ما می خواهیم قیمت را افزایش دهیم متولیان مانع می شوند. از طرفی هم رکود است و پول ما را نقد پرداخت نمی کنند. قیمت ارز هم متغیر است و در کسب و کار ما تاثیر زیادی دارد. وقتی یک شبه قیمت ارز از ۹۰۰ تومن به ۳۵۰۰ تومن می رسد، درآمد ما که سه برابر نمی شود. ما کمپرسور تونل انجام را ۱۱ میلیون می خریدیم الان آن را ۳۳ میلیون می خریم. یک تونل کامل برای ما حدود ۲۰۰ میلیون تمام می شود. ولی درآمدهای ما که سه برابر نشده است.

نگاه جدی وجود ندارد. این بچه هایی که می خواهند کارآفرینی کنند بچه های ارزشی، مذهبی و بچه های

# طرز تهیه دمپختک شیرازی



## مواد لازم:

- برنج: ۴-۵ پیمانه
- گوشت گوسفند یا گوساله: حدود ۳۰۰-۴۰۰ گرم
- پیاز درشت: ۱ عدد
- سیر: ۲-۴ حبه
- کلم برگ: ۱ عدد کوچک اگر خواستید کلم قمری بذارید: ۲ عدد متوسط
- هویج متوسط: ۳ عدد
- عدس: حدود ۱ پیمانه
- سبزی به میزان دلخواه: شوید، ریحون، ترخون، جعفری
- لوبیا چشم بلبلی (به دلخواه): نصف پیمانه
- نمک، فلفل، زردچوبه، ادویه: به میزان لازم



طرز تهیه :

ابتدا پیاز ها رو به صورت خلال خرد کرده و سزخ کنید. وقتی کمی نرم شدن گوشت رو که قیمة قیمة خرد کردی اضافه کرده و با زردچوبه تفت بدید. سیر ها رو خرد شده رو بعد از اون اضافه کنید. هویج رو هم اضافه کرده و کمی تفت بدید  
عدس و لوبیا (استفاده از لوبیا به دلخواه خودتونه. میتونید توی این غذا مصرف نکنید) که از قبل خیسوندید به مواد اضافه کرده، نمک و فلفل و ادویه بزتید و حدود دو لیوان آب روی اون بریزید و اجازه بدید تا گوشت و عدس و لوبیا پخته بشه  
اگر از کلم قمری استفاده میکنید بین پخت کلمها رو هم اضافه کنید، ولی اگر کلم برگ استفاده میکنید اونو با سبزی به مواد اضافه کنید.  
سبزی رو اضافه کرده و حدود ۲۰ دقیقه اجازه بدید بجوشه.  
اگر سبزیتون خشک بود سبزی رو با برنج اضافه کنید  
در پایان برنج رو بشوید و اضافه کنید. دقت کنید آب برنج به اندازه آب توی شکل باشه... اگه کمتر بود میتونید کمی آب اضافه کنید. در صورت نیاز نمک اضافه کنید  
من توی این مرحله گوشتها رو از مواد جدا کردم. چون ممکنه گوشتها به ته دیگ بره و بسوزه...  
وقتی آب برنج کاملا به خورد برنج رفت، دم کن رو روی برنج بذارید و زمان بدید تا برنج دم بکشه. البته گوشتها رو که جدا کردید روی برنج بذارید و بعد برنج رو دم بدید  
کمی روغن داغ روی برنج بریزید و اونو توی ظرف بکشید و این غذای لذیذ رو نوش جان کنید خوشمزه اینم مدل بدون لوبیا و گوشت و البته با سبزی کمتر

جنگ هستند. ما نمی توانیم زیر بار برخی از مسائل برویم تا بتوانیم وام بگیریم. از طرفی هم مقیدات دینی ما، برای ما یک سری معذوریت هایی بوجود می آورد.

وقتی به مسجد می رویم، عده زیادی ما را احاطه می کنند که نیاز به کار دارند. آن هم در شهری مثل خرمشهر که آمار بیکاری آن بالای ۳۲ درصد است. ما مثل مشهد یا اصفهان نیستیم که بیکاری ما بین ۶ تا ۹ درصد باشد. دل ما هم از سنگ نیست که مصیبت اطرافیان را ببینیم و راحت از آنها بگذریم. بعضی از مسولین رعایت می کنند ولی بعضی از آنها ربات هستند فکر می کنند باید سطر به سطر قانون را پیاده کنند.

## کارگران شما بیشتر از چه قشری هستند؟

کسانی که با ما کار می کنند از همه قشری هستند. از کمیته امداد، بهزیستی، خانواده جانبازان، خانواده شهدا و حتی از همه این ها فقیرتر، خانواده کسانی است که سرپرست خانوار در زندان است. این بانوان چون شوهرشان در زندان است، نه عضو کمیته امداد هستند و نه عضو بهزیستی. این افراد باید مورد حمایت قرار بگیرند. از کجا باید بیاورند که شکم بچه هایشان را سیر کنند؟ در سیستم ما سواد، آنچنان نقشی ندارد. از همه اقشار با ما کار می کنند. چند روز پیش آزاده ای که ۱۰ سال در اسارت رژیم بعث بوده است و جانباز هم هست را در جایی دیدم. به من گفت پسر من را به هر نوعی که می توانید سر کار ببرید. چرا باید آزاده ۱۰ ساله ما دغدغه شغل پسرش را داشته باشد و کسی توجه نکند؟  
**بنیاد چگونه می تواند در این راه شما را یاری کند؟**

خود بنیاد هم خیلی کارها می تواند در بحث اشتغال انجام دهد. یک بار هم معاونت کل بنیاد به خرمشهر آمد. ما او را به سایت صنعتی بردیم و بازدید از سایت صنعتی ما شد و مشکلات بچه ها را گفتیم. اگر در هر شهری از جایی شروع کنند و عده ای را حمایت کنند در اشتغال زایی موثر است. ما ده طرح برای اشتغال زایی داریم. ما می توانیم خط تولید نخ بخیه قلب و نخ بخیه چشم را در داخل کشور ایجاد کنیم. این نخ بخیه از چیزی که داخل شکم یک ماهی به نام نیش ماهی است تولید می شود که ما برای اولین بار روی آن کار کردیم. اگر این خط تولید راه اندازی شود، هم جلوی واردات گرفته می شود و هم ارزآوری دارد و هم باعث اشتغال عده ای از جوانان ما خواهد شد. خب ما که به این افرادی که در خرمشهر هستند تعهد بیشتری داریم.

امیدواریم حداقل بنیاد نه تنها از ما، بلکه از همه کسانی که در این شرایط بحرانی می توانند کاری انجام دهند حمایت کند. می شود برای همه کار کرد مشروط بر اینکه یک فکر مثبت، یک دل سوخته و یک اراده قوی دنبال این کار باشد. کار دشواری نیست.

## پنچری

راننده آمبولانس بودم در خط حلبچه، یک روز با ماشین بدون زاپاس رفته بودم جلو شهید و مجروح بیابوم. دست بر قضا یکی از لاستیکها پنچر شد. رفتم واحد بهداری و به یکی از برادران واحد گفتم: پنچرگیری این نزدیکی ها نیست؟ مکتی کرد و گفت: چرا چرا. پرسیدم: کجا؟ جواب داد: لاستیک را باز کن ببر آن طرف خاکریز (منظورش محل استقرار نیروهای عراقی بود) به یک دو راهی می رسی، بعد دست چپ صد متر جلوتر سنگر پنچرگیری پسرخاله! برو آنجا بگو منو فلانی فرستاده، اگر احیانا قبول نکرد با همان لاستیک بکوب به مغز سرش ملاحظه منو هم نکن.

## تو که مهدی رو کشتی...

آقا مهدی فرمانده گروهان مان درست و حسابی ما را روحیه داد و به عملیاتی که می رفتیم تو جیه مان کرد. همان شب زدیم به قلب دشمن و تخته گاز جلو رفتیم. صبح کله سحر بود و من نزدیک سنگر آقا مهدی بودم که ناگافل خمپاره ای سوت کشان و بدون اجازه آمد و زرتی خورد رو خاکریز. زمین و زمان بهم ریخت و موج انفجار مرا بلند کرد و مثل هندوانه کوبید زمین. نعره زد: یا مهدی! یک هو دیدم صدای خفه ای از زیر میگوید: «خونه خراب، بلند شو، تو که مهدی را کشتی!»

از جا جستم. خاک ها را زدم کنار. آقا مهدی زیر آوار داشت می خندید.

## مردن که گریه ندارد!

بعد از ظهر بود. گردان آماده می شد که شب عملیات کند. فرمانده گردان با معاونش شوخی داشت، می گفت: خوب دیشب نگذاشتی ما بخوابیم، پسر مردن که دیگر این همه گریه و زاری ندارد. به خودم گفته بودی تا حالا صد دفعه کارت را درست کرده بودم. چیزی که اینجا فراوان است شهادت. بعد دستش را زد پشتش و گفت: بیا بیا برویم ببینم چه کار می توانم برایت بکنم

## ترکش ریزی، آمبولانس تیزی...

وقتی عملیات نمی شد و جایجایی صورت نمی گرفت نیروها از بیکاری حوصله شان کم می شد، نه تیر و ترکشی نه شهید و مجروحی و نه سرو صدایی، منطقه یکنواخت و آرام بود آن موقع بود که صدای همه درمی آمد و بعضی ها برای روحیه دادن به رزمنده ها، دست به سوی آسمان بلند کرده و می گفتند: «اللهم ارزقنا ترکش ریزی، آمبولانس تیزی، بیمارستان تمیزی، و غذاها و کمپوتهای لذیذی... و همینطور قافیه سر هم می کرد و بقیه آمین می گفتند.

## درس خمپاره!

کلاس آموزش رزمی داشتیم. درس خمپاره و انواع آن. مربی یکی از آنها را بالا گرفته بود و توضیح می داد: اینکه می بینید، اینقدر شازده است و مؤدب و سر به زیر، جناب خمپاره ۱۲۰ است. خیلی آقااست. وقتی می آید پیشاپیش خبر می کند، پیک می فرستد، سوت می زند که برادر سرت را ببر داخل سنگر من آمدم، خورد و مرد پای من نیست، نگویید نگفتید! سپس آن را گذاشت زمین و خمپاره دیگری را برداشت و گفت: این هم که فکر می کنم معرف حضور آقایان هست. نیازی به توضیح ندارد، کسی که او را نمی شناسد خواجه شیراز است. همه جا جلوتر از شما و پشت سر شما در خدمتگزاری حاضر است. شرفیاب که می شوند محضرتان به عرض ملوکانه می رسانند منتها دیگر فرصت نمی دهند که شما به زحمت بیفتید و این طرف و آن طرف دنبال سوراخ موش بگردید! با اسکورتشان همزمان می رسند. نوبت به خمپاره ۶۰ رسید، خمپاره ای نقلی و تو دل برو، خجالتی، با حجب حیا، آرام و بی سر و صدا. دلت می خواست آن را درسته قورت بدهی. اینقدر شیرین و ملیح بود: بله، این هم حضرت والا «شیخ اجل»، «اگر منو گرفتی»، «سر بزنگاه»، «خمپاره جیبی» خودمان ۶۰ عزیز است. عادت عجیبی دارد، اهل هیچ تشریفاتی نیست. اصلا نمی فهمی کی می آید کی می رود. یک وقت دست می کنی در جیبت تخمه آفتابگردان برداری می بینی، ا آنجاست! مرد عمل است. بر عکس سایرین اهل شعاع نیست. کاری را که نکرده نمی گوید که کرده ام. می گوید ما وظیفه مان را انجام می دهیم، بعدا خود به خود خبرش منتشر می شود. هیاهو نمی کند که من می خواهم ببایم. یا در راه هستم و تا چند لحظه دیگر می رسم. می گوید کار است دیگر آمد و نشد ببایم، چرا حرف پیش بزنیم برای همین شما هیچ وقت نمی توانید از وجود و حضور او با خبر بشوید. اول می گوید بمبا! بعد معلوم می شود خمپاره ۶۰ بوده است.



# رابطه شخصیت افراد و رانندگی آنها

شخصی راننده‌ها انداخت تا از خصوصیت شخصیتی آنها مطلع شد.

رانندگی در ایران نمونه‌های فراوانی از این مثال‌ها دارد تا بشود به رفتارهای شخصی راکبان‌ش پی‌برد حتی مواردی شخصی‌تر، به‌عنوان مثال آدم‌های محافظه‌کار جرات کمتری در امتحان کردن مسیریهای تازه برای رسیدن به مقصد دارند، نمونه‌اش دوستی است که تا سال‌ها از مسیری دورتر برای رسیدن به محل کارش استفاده می‌کرد و اصرار دیگران در امتحان کردن مسیر جدید راه به جایی نمی‌برد.

رانندگی یک فرهنگ است، همین است که می‌شود از چگونگی آن در جوامع، برداشت‌های مختلفی از رفتارهای جمعی آن جامعه را استدلال کرد، شاید برداشتی که بشود از نوع رانندگی ایرانی‌ها داشت این باشد که در رانندگی ایرانی‌ها بخشش کمتری دیده می‌شود، در این نوع رانندگی همه راننده‌ها تنها خودشان را محق می‌دانند و تصور بر این است که دیگران سعی در این دارند که آنها دیرتر به مقصد برسند! بنابراین باید از هیچ تلاشی در این مبارزه دریغ نکنند! این خصوصیات فردی در رانندگی بسیار نمود دارد یا به قولی «بیرون می‌زند» در حالی که این ویژگی‌های رفتاری در جای جای رفتارهای جمعی همراه با ماست و تنها در رانندگی این رفتارها عیان می‌شود.

روانشناسان هم معتقدند رفتار افراد حین رانندگی می‌تواند ویژگی‌های شخصیتی و تاریخچه مشکلات روانی آنها را فاش کند. پس اگر اخیراً با فرد جدیدی آشنا شده‌اید و می‌خواهید شخصیت او را محک بزنید، برای یک‌بار سوار بر خودرو او شده و در خیابان‌های شلوغ تهران دور بزنید.

منبع: جام جم



لاین عوض می‌کند و جای دیگران را می‌گیرد. آدم‌هایی که بخشنده نیستند درست مثل آنها که باوجود اطلاع از وضعیت راننده کناری، جایشان را به آن نمی‌دهند.

شاید جالب باشد که رانندگی درست مثل شابلونی است که می‌شود روی رفتار

شما در حال رانندگی در ترافیک بزرگراهی هستید که خودروها آرام کنار هم در حرکت‌اند. بسیار پیش آمده در این حالت خودروی کناری با توهم زرنگی سعی در پیچیدن جلوی خودرو شما را دارد، رفتار طبیعی این طور است که شما پدال گاز را فشار می‌دهید تا از جای خود (حق خود) جا نمانید.

سوی دیگر این ماجرا خود شما هستید چرا که اگر خودروی کناری به جای این که به یکباره و با زرنگی پیچد جلوی خودروی شما، راهنما بزند با این مفهوم که به نوعی به شما اطلاع می‌دهد که قصد پیچیدن دارد، اغلب باز هم پدال گاز را فشار می‌دهید تا همچنان جای خود را از دست ندهید.

از همین مثال کوتاه می‌شود به برخی از خصوصیات شخصی آدم‌ها پی‌برد. آدم‌هایی که حقوق دیگران برایشان اهمیت ندارد مثل راننده‌ای که با زرنگی



# چگونگی مواجهه با حوادث تروریستی از سنين كودكى تا بزرگسالى

تروریستی و مطرح کردن آنها باعث می‌شود مردم در مقابل این حوادث مقاوم شوند و در زمان وقوع حادثه راحت‌تر با مسئله کنار بیایند اما این در حالیست که وقتی ما دائماً وقوع چنین حوادثی را کتمان می‌کنیم، با وقوع یک اتفاق هر چند جزئی مردم دچار بحران‌های حاد می‌شوند به ویژه آنکه در چند وقت اخیر تمامی مشکلات مردم از جمله مشکلات اقتصادی و ... با داشتن امنیت توجیه شده است و امروز مردم گمان می‌کنند که این امنیت فرو ریخته و دچار بحران شدند. وی در پایان گفت: باید موقعیت منطقه خاورمیانه را به مردم خاطرنشان کنیم و به آنها آمادگی وقوع حوادث را با اطلاع رسانی‌های دقیق بدهیم تا پس از وقوع حوادث شاهد ایجاد بحران‌های روحی روانی کمتری در بین مردم باشیم.

منبع: جی پلاس

آنکه هیچ گاه احتمال وقوع چنین حوادثی از سوی مسئولان در کشور مطرح نشده، در صورت وقوع چنین حوادثی مردم دچار شوک می‌شوند. اگر امکان وقوع این حوادث توسط مسئولان در کشور طرح موضوع شود، مردم پس از این حوادث بهتر می‌توانند با مسئله کنار بیایند و کمتر دچار ترس می‌شوند.

این روانشناس تاکید کرد: مردم باید بدانند با وجود آنکه امنیت در کشور وجود دارد، اما وقوع چنین حوادثی امکان دارد، تا پس از وقوع این حوادث دچار شوک نشوند. هم اکنون شاهد آن هستیم که به علت آنکه همواره در کشور از امنیتی بسیار بالا صحبت می‌شد، پس از وقوع این حادثه در مردم شوک خطرناکی ایجاد شده و همواره احساس می‌کنند که این امنیت دچار مخاطره شده است.

این روانشناس ادامه داد: مردم باید بدانند در کشورهای بسیار توسعه یافته با سیستم‌های امنیتی قوی نیز چنین مسائلی رخ داده است اما به علت آنکه مسئولان این کشورها هیچ گاه ادعای امنیت ۱۰۰ درصدی نداشته‌اند مردم آگاهانه‌تر با این مسائل برخورد کردند زیرا اطلاع رسانی‌های دقیقی در این حوزه برایشان صورت گرفته بوده است.

بیاتی ادامه داد: پذیرفتن گروه‌های

یک روانشناس نحوه بیان کردن حوادث تروریستی از جمله حادثه تروریستی تهران را برای کودکان قبل از سن دبستان و بعد از سن دبستان و همچنین بزرگسالان مطرح کرد.

مهدی بیاتی در خصوص نحوه بیان حادثه تروریستی تهران برای کودکان پیش از سن دبستان گفت: کودکان قبل از سن دبستان به لحاظ سنی و شناختی قادر به درک این حادثه نیستند و به همین دلیل نباید آنها را با این مسئله مواجه کرد زیرا باعث ایجاد فضای منفی در ذهن کودک می‌شود. برای کودکان قبل از سن دبستان باید حوادث تروریستی یا هر حادثه‌ای از این دست را به عنوان یک بازی مطرح کرد.

این روانشناس در ادامه در خصوص نحوه توضیح حادثه تروریستی تهران برای کودکان بعد از سن دبستان نیز گفت: پس از وقوع چنین حوادثی کودکان بعد از سن دبستان را باید به صورت حقیقی با واقعیت مواجه کرد. باید به این کودکان گفته شود که امکان وقوع چنین حوادثی در تمام دنیا وجود دارد و باید از طرح مسائل دور از واقع، دروغگویی و داستان جلوه دادن این حوادث برای کودکان بعد از سن دبستان جلوگیری شود.

وی ادامه داد: در حال حاضر به علت آنکه کودکان حضور گسترده‌ای در فضای مجازی دارند از بسیاری واقعیت‌ها آگاه می‌شوند. به همین دلیل طرح مسائل دور از واقع در چنین شرایطی برای آنها موجب بی‌اعتمادی در آنان می‌شود. به همین دلیل باید حوادثی از این دست را به عنوان یک واقعیت قابل رویداد برای کودکان بعد از سن دبستان مطرح کنیم.

این روانشناس در ادامه در خصوص بحران‌هایی که بزرگسالان بعد از وقوع چنین حوادثی به آن دچار می‌شوند، گفت: ایران در منطقه‌ای قرار دارد که مردم همواره پیش بینی وقوع چنین مسائلی را می‌کنند و به دلیل آتش افروزی‌های منطقه خاورمیانه وقوع این حوادث دور از انتظار نیست، اما به علت



○ مهدی بابایی

روایت خانواده و دو نماینده مجلس از جواد تیموری

## دهه هفتادی ها اینطور از کشور دفاع می کنند



او درباره شهادت شهادت جواد می گوید: «یک هفته ای بود که دلم یک جوری بود و شور می زد اما نمی دانستم چه بگویم و به چه کسی بگویم. وقتی خبر شهادتش را شنیدم داغ شدم. شهادت جواد دلم را زخم کرد اما برای رضای خدا و شادی دل رهبر و پیروزی اسلام باید تحمل کنیم و تحمل می کنیم.»

### همسر جواد: آرزوی شهادت بود

عاطفه دلآوری، همسر جواد تیموری است، ۲۴ ساله است و سه سال از ازدواجشان می گذرد، زنی جوان که با آرامش صحبت می کند و وقتی که شهادت همسرش را تبریک می گوید کاملاً ثابت می کند که چقدر به راهش ایمان دارد. می گوید: سه سال بود با هم ازدواج کردیم و روزی که به شهادت رسید تاریخ قمری عقد ما بود. همیشه آرزو داشت که شهید شود. شهادت همسر را به او تبریک می گویم، چون می دانم یکی از

مردم فیروز آباد که برای کار به بیرون از مجلس رفته بود در این باره می گوید: «به دلیل داشتن مهمانی از صحن مجلس خارج شدم و به سمت در شماره دو رفتم تا بتوانم این مهمان را به داخل مجلس بیاورم. زمانی که به آخرین ورودی محل کنترل مراجعه کنندگان رسیدم با پاسدار در آن مکان احوالپرسی کردم که یک مرتبه صدای شلیک گلوله‌ای آمد و بلافاصله بعد از آن یک پاسدار نقش زمین شد. یک نفر با کلت و فریاد الله اکبر به سمت مردم تیراندازی می کرد و پشت سرش فردی دیگر با کلاشینکوف تیراندازی ممتد کرده که چند نفر شهید شدند. بنده چون در آن زمان هیچ سلاحی نداشتم خود را زمین انداختم تا تروریست‌ها فکر کنند که من هم گلوله خوردم. در این هنگام آن‌ها با به رگبار بستن زنان و مردان وارد سالن شده و تعدادی را شهید و مجروح کردند. تروریست‌ها برای ورود به ساختمان مجلس عجله داشتند؛ به همین دلیل مدام تیراندازی می کردند تا فقط وارد مجلس شوند. تروریست‌ها می خواستند هر چه سریعتر خود را به صحن مجلس برسانند. من که دیدم آن‌ها از محل حادثه در حال دور شدن هستند کلت پاسدار شهید را برداشتم و پشت سر تروریست‌ها رفته و با آن‌ها درگیر شدم. تمامی تمرکز به این بود تا با تروریست‌ها درگیر شوم که نیروهای کمکی برسند و همین معطل کردن تروریست‌ها باعث شد تا نیروهای کمکی برسند.»

### مادر جواد: کفش هایش را می دیدم و دلم آرام می گرفت

برای شناخت جواد تیموری قطعاً خانواده اش حرف های بسیاری دارند و در میان اعضای خانواده چه کسی بهتر از مادر. جواد پس از ازدواج در خانه پدری اش زندگی می کرد، حدود سه سال از ازدواجش گذشته بود و دقیقاً در سالگرد قمری عقدش به شهادت رسید. مادر جواد که ۲۹ سال قبل خبر شهادت پسر بزرگش را شنیده بود، درباره ته تغاری اش می گوید: «هر وقت جواد شیفت و شب کار بود دلم شور می زد، صبح می رفتم پشت در خانه اش را نکه می کردم و همین که می دیدم کفش هایش آنجاست می گفتم خدا را شکر، دلم آرام می گرفت.»

برادرش محمدرضا هم مدافع وطن بود، ۲۹ سال قبل سینه اش را سپر کرد و مقابل داعشی های آن زمان یعنی منافقین ایستاد تا در عملیات مرصاد به شهادت رسید، عملیاتی که قرار بود فروغ جاویدان باشد با دلآوری های امثال برادر جواد تیموری خیلی زود به غروب ابدی منافقین ختم شد. کمی بیشتر از دو سال بعد در ماه های آغازین دهه هفتاد جواد متولد شد. نه برادرش را دیده بود و نه جنگ را، یکی از همان دهه هفتادی هایی بود که شاید بارها با گوش خودش این جمله را شنیده بود که «اگر جنگ بشود، این دهه هفتادی ها چطور قرار است از کشور دفاع کنند؟»، جواد اما خوب نسلش را نمایندگی کرد. الفبای دفاع از وطن تا مرز شهادت را خوب حفظ کرده بود و آخر هم به آرزوی رسید آرزویی که در صبح روز چهاردهم خرداد ماه سال ۱۳۹۶ برآورده شد و درست مانند برادرش سینه اش را سپر کرد برای دفاع از ملت و خانه ملت.

شهید جواد تیموری، ۲۶ ساله و نخستین شهید حادثه تروریستی حمله داعش به مجلس شورای اسلامی است، او از نیروهای حفاظت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مجلس شورای اسلامی بود و مسئولیتش درست در همان جایی بود که تروریست‌ها وارد مجلس شدند؛ گیت ورودی مراجعه کنندگان مردمی به مجلس شورای اسلامی و معلوم نیست اگر او نبود چه فاجعه ای در خانه ملت رخ می داد، این جمله واکنشی احساسی به شهادت جواد تیموری نیست، استنادی است به سخنان محمدرضا تابش، نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی که درباره جواد گفته بود: «در بیمارستان با مجروحان فاجعه تروریستی چهارشنبه ۱۷ خرداد صحبت می کردیم و از رشادت شهید تیموری با افتخار یاد می کردند، همکاران مجروحش در بیمارستان به ما گفتند که ترویست‌ها در برابر ایستادگی و مقاومت این پاسدار شهید، ده‌ها تیر بر پیکرش شلیک کردند تا به شهادت رسید. مقاومت او مانع از ورود تروریست‌ها به سالن منتهی به صحن مجلس شورای اسلامی شد.»

پس از شهادت جواد، اما اسلحه اش دوباره به کار افتاد، کوروش کرم پور، نماینده



آرزوهای بزرگش این بود که شهید شود و قبل از شهادتش هم من خواب شهادت او را دیده بودم. این صحنه‌های امروز را در خواب دیده بودم و می‌دانم که الآن خوشحال است. او به حق و در راه حق شهید شد.»

دلاوری ادامه می‌دهد: «تمام همکاران و دوستانی که آنجا بودند، وقتی از نحوه شهادت همسرم تعریف می‌کنند، می‌گویند که شرایط به‌گونه‌ای بوده که جواد می‌توانسته فرار کند و یا حداقل گوشه‌ای بنشیند تا گلوله نخورد اما او این کار را نکرد. او به وظیفه‌اش عمل می‌کرد و در این راستا تمام بدنش گلوله‌باران شد، صورتش از بین رفت و با زبان روزه و لب تشنه شهید شد.»

همسر جواد که با افتخار نام او را بر پسوند شهید بر زبان می‌آورد درباره اطلاع شهادت او نیز اینطور می‌گوید: «صبح خبر را شنیدیم و از دوستان و همکارانش پیگیر شدیم، چند ساعت بعد خبر شهادتش به ما رسید و فکر کنم حدود ساعت چهار و پنج عصر بود که در سردخانه بیمارستان پیکرش را دیدم.»

### پدر جواد: میگفت قبر کنار برادر شهیدم جای من است

گردپیری روی چهره اش نشسته، از جوادش

او بغض کرد و فهمیدم که جوادم شهید شد. رفت پیش برادرش، هم در آسمان و هم در زمین، چرا که قبر کناربرادر شهیدش ۲۹ سال بود که خالی بود و هر بار جواد می‌گفت که این جا، جای من است.»

برادر جواد هم گفتنی زیاد دارد، او بر خلاف جواد، برادر شهیدش را هم دیده و با حسرت می‌گوید که از شهادت جا ماندیم و نوبت به برادر کوچکمان جواد رسید. می‌گوید: «از ۲۹ سال پیش کنار قبر برادر ما خالی بود و ما نمیدانستیم حکمت آن چیست تا اینکه جواد را در کنار برادرمان در قطعه شهدا دفن کردند. فهمیدیم که حکمت چی بوده و برادر بزرگتر، برادر کوچکترش را کشیده کنار خودش.»

که صحبت می‌کند، غرور خاصی در بیانش وجود دارد، با افتخار از پسرش می‌گوید: «جواد می‌گفت می‌خواهم به سوریه بروم. با او مخالفت می‌کردیم و می‌گفتیم همینجا بمان، اما بالاخره شهادت به سراغش آمد و به چیزی که آرزویش را داشت، رسید.»

او درباره روز شهادت پسرش هم می‌گوید: «آمدیم خانه و پسرم گفت که در مجلس درگیری شده، انگار آب سرد روی سر ما ریخته باشند، جواد دم در مجلس می‌ایستاد و در خبرها هم می‌گفتند که تروریست‌ها از در مراجعان مردمی وارد شده اند، یعنی درست همانجایی که پسر من مامور بود. پیگیر وضعیت جواد شدم و اول چیزی به من نگفتند، با سرپرستش صحبت کردم که



# سرعین شهر چشمه‌های بهشتی

## هزاران سال زدودن خستگی از مسافران

محسوب می‌شود.

پنج چشمه موجود در محدوده این مجتمع آبگرم به طور میانگین ۱۳ لیتر آب در ثانیه و به صورت دائمی، نشستی و جوشان در جریان است. دمای آب در داخل استخر در حدود ۳۵ درجه با ظاهری کدر، کمی ترش‌مزه و کمی بودار است. از آنیون‌های موجود در آن می‌توان به بی‌کربنات، کلرور، سولفات و از کاتیون‌های آن به کلسیم، منیزیم، سدیم و پتاسیم اشاره کرد. ترکیب آب از نوع کلر و بی‌کربنات سدیم و گرم است. از این آبگرم برای درمان بیماری‌های عمومی و تسکین دردهای عصبی و مفصلی استفاده می‌شود.

### تورش سویی (آب‌ترش)

این آب‌ترش و بسیار گازدار است. نوشیدن این آب برای بیماری‌های معده مناسب بوده همچنین برای بیماری‌های پوستی و خارش دست توصیه می‌شود.

### آبگرم پهنلو

در شمالی‌ترین نقطه شهر سرعین واقع شده و ارتفاع چشمه از سطح دریا به هزار و ۹۵۰ متر می‌رسد. آبدهی چشمه در حدود ۱۸ لیتر در ثانیه و به صورت دائمی و جوشان در جریان است. دمای آن در حوض ۳۷ درجه سانتی‌گراد و حالت نیمه اسیدی دارد به تازگی این آبگرم به شکل مناسب با امکانات رفاهی ساماندهی شده است. رنگ آن مایل به سبز بوده و آنیون‌ها و



آب‌درمانی خاورمیانه با سه استخر سرپوشیده، ۱۹ واحد حوضچه آبگرم تحت فشار (جکوزی)، چهار واحد سونای خشک و دو واحد سونای بخار، ۱۲۲ واحد وان انفرادی، خدمات پزشکی و درمانی مجزا برای مردان و زنان، پارکینگ اختصاصی و سایر امکانات مورد نیاز منطبق بر آخرین استانداردها در سرعین احداث شد.

### مجتمع آب‌درمانی بش باجی لار (پنج خواهران)

این مجتمع نیز با استخر سرپوشیده، سونای خشک و بخار، آبگرم تحت فشار، خدمات پزشکی و درمانی و پارکینگ به عنوان دومین مجتمع در داخل شهر سرعین واقع شده و به لحاظ گنجایش دومین آبگرم شهر سرعین

سرعین که در فرهنگ لغت فارسی به معنای «سرچشمه» عنوان شده، نزدیک‌ترین شهرستان اردبیل به کوه سیلان بوده و آثار طبیعی و تاریخی و باستانی این منطقه تفریحی را به یکی از قطب‌های گردشگری کشور و منطقه خاورمیانه و حتی دنیا تبدیل کرده است. مجاورت این شهرستان با کوه آتشفشانی سیلان باعث پدید آمدن ۱۲ آبگرم معدنی در این شهر شده که موقعیتی ممتاز به آن بخشیده و هر ساله هدف مسافرت بالغ بر ۱۰ میلیون گردشگر از سراسر کشور و کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

چشمه‌های آبگرم سرعین که با دما، خاصیت و ویژگی درمانی منحصر به فرد از دل زمین می‌جوشند، همه ساله در تمامی فصول سال مسافران و گردشگران بسیاری را از گوشه و کنار کشور و خارج از ایران به سوی خود جلب می‌کنند.

در سال‌های نه چندان دور این چشمه‌ها به صورت سنتی پذیرای گردشگران و علاقه‌مندان بود، اما با سرمایه‌گذاری مطلوب بخش خصوصی و نیز نهادهای دولتی هم‌اکنون چشمه‌های طبیعی و معدنی این شهرستان به صورت مجتمع‌های آب‌درمانی با تجهیزات مدرن تبدیل شده است.

### مجتمع آب‌درمانی سیلان

سیلان اولین مجتمع درمانی سرعین بود که با زیربنای ۲۰۰ مترمربع به عنوان بزرگ‌ترین



### آبگرم قهوه سویی

در سال ۱۳۸۷، چشمه آب گرم قهوه سویی توسط شرکت سرمایه‌گذاری قهوه سویی سرعین بصورت اجاره بلندمدت از ارگانه‌های مربوطه تحویل گرفته شد و با تخریب ساختمان‌های قدیمی آبگرم‌های قهوه سویی (برای مردان) و آب چشم برای زنان شروع و فاز اول آن شامل دو مجموعه استخر جدا از هم برای استفاده هم‌زمان خانم‌ها و آقایان در سال ۱۳۸۹ افتتاح شد.

این آب‌ها بصورت خارجی (مانند استحمام) و داخلی (مانند آشامیدن) استفاده می‌شود که در فعالیت دستگاه گوارشی، کند شدن جریان نبض، اتساع عروق و ازدیاد ترشحات معدوی قبل از غذا و تخلیه آن بعد از غذا می‌شود. همچنین این آب‌ها موجب ازدیاد صفرا و خروج آن و بهبود فعالیت کبد می‌گردد. سهولت در متابولیسم مواد مختلف مانند کلوسیدها، پروتئیدها، کلسترول و مسائل گوارشی از دیگر مزایای این آب‌های معدنی است. با توجه به وجود مقادیر بالای آهن در آب‌های سرعین این آب‌ها در ازدیاد گلبول‌های قرمز و میزان هموگلوبین و در نتیجه در درمان کم‌خونی بسیار مؤثر است.

از دیگر آب‌های گرم سرعین می‌توان به «ساری سو» برای درمان رماتیسم و «قره سو» یا «اعصاب سویی» برای درمان بیماری‌های اعصاب و روان اشاره کرد.

رشته کوه سبلان سایر شهرستان‌های دیگر این استان را بی‌نصیب نگذاشته بطوریکه از دیگر آبگرم‌های معروف اردبیل می‌توان به آبگرم «سردابه» در دامنه سبلان، «قینرجه» و «برجلو» در شهرستان نیر، «مسه سویی» در منطقه جنگلی نمین، آبگرم «گیوی» در شهرستان کوثر و آبگرم «شابلیل»، «ایلاندو» و «قینرجه» در شهرستان مشگین شهر اشاره کرد.

سرعین قرار دارد. در کنار این آبگرم در مرکز روستا و در حومه آن چند چشمه آب معدنی سرد و گازدار وجود دارد که از شگفتی‌های طبیعت منطقه محسوب می‌شود.

از این آب معدنی طبیعی به دو صورت آب بسته بندی شده در قالب بطری‌های ۱.۵ لیتری توسط کارخانه آب معدنی «مس کو» و همچنین به صورت چشمه‌ای دائمی که بر روی مظهر آب حوضچه‌ای سیمانی سرپوشیده ساخته شده مورد استفاده اهالی و گردشگران قرار می‌گیرد.

آب معدنی ارجستان دارای آب سرد بی‌بو با مزه گس گازدار است که به صورت نوشیدنی طبیعی و مفید از آن استفاده می‌کنند. دمای آب در حدود ۱۰ الی ۱۵ درجه سانتی‌گراد و آنیون‌های آن کلرور و بی‌کربنات و کاتیون‌های مهم آن کلسیم، منیزیم و پتاسیم است. این چشمه آبگرم دارای گاز کربنیک بوده و منشأ آب آن نیز نیمه عمیق است.

### مجتمع آبگرم ایرانیان

مجتمع آب‌درمانی سرعین ایرانیان در زمینی به مساحت ۲۲ هکتار در سال ۱۳۸۹ به بهره برداری رسید.

این مجموعه دارای امکانات متعدد از قبیل استخر آبگرم معدنی با ظرفیت ۵۰۰ مترمکعب، استخر جوانان با ظرفیت ۲۵۰ مترمکعب و استخر کودکان با ظرفیت ۱۰۰ مترمکعب، سونای خشک، بخار، جکوزی‌های چندنفره و بخش‌های ورزشی و درمانی در مساحتی بالغ بر چهار هزار و ۶۰۰ مترمربع یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های آب‌درمانی در سطح کشور و منطقه است.

کاتیون‌های مهم آن کلرور، سولفات، سدیم و پتاسیم بوده و آب آن در ردیف آب‌های کلرو بی‌کربنات سدیم است. از آب این چشمه برای درمان بیماری‌های عمومی و تسکین اعصاب و دردهای مفصلی استفاده می‌شود.

### آبگرم ژنرال

این آبگرم در شمال شهر سرعین واقع شده و مانند سایر چشمه‌های سرعین این چشمه نیز در کف دره قرار گرفته است. دبی آب شش لیتر در ثانیه و دمای آن در حوض ۴۳ درجه سانتی‌گراد و مزه آب کمی ترش و بی‌رنگ است.

آنیون‌های آن بی‌کربنات، کلرور، سولفات و کاتیون‌های آن سدیم، کلسیم، پتاسیم، منیزیم است. pH آن از نوع اسیدی و ۲.۶ است. تیپ آب آن از نوع کلروبی‌کربنات سدیم است و به علت داشتن عناصر فوق بیشتر برای تسکین دردهای عضلانی و رفع رماتیسم استفاده می‌شود.

### آبگرم معدنی گاو میش گلی (پر آب‌ترین و بزرگ‌ترین چشمه آب معدنی ایران)

در مرکز شهر سرعین و در ارتفاع هزار و ۹۴۰ متری از سطح دریا بر روی کف دره واقع ۱۴۰ لیتر در ثانیه و شده است. آبدهی آن پر آب‌ترین چشمه این ناحیه است. آب آن به صورت دائمی و جوشان در جریان بوده و دهانه آن پراکنده و دمای آب در حوض ۴۶ درجه سانتی‌گراد است.

آب این چشمه ترش‌مزه، بی‌رنگ و کمی بودار است و بوی هیدروژن سولفور به مشام می‌رسد. در اطراف مظهر چشمه و حوضچه‌ها کمی رسوبات زردرنگ اکسید آهن دیده می‌شود. آنیون‌های آن کربنات، بی‌کربنات، کلرور، سولفات و کاتیون‌های آن کلسیم منیزیم، سدیم و پتاسیم است.

آب گاو میش گلی به عنوان مشهورترین آبگرم ایران در ردیف آب‌های کلرور، بی‌کربنات سدیک و کلسیک گرم است. آب آن به علت داشتن ترکیب کلرو بی‌کربنات سدیک و کلسیک برای درمان بیماری‌های عمومی، سیستم حرکتی (دردهای مزمن رماتیسمی)، بیماری‌های زنان، خنایزیر و بیماری‌های قلبی و نیز تقویت عمومی بدن استفاده می‌شود.

### آب معدنی ارجستان

این چشمه آبگرم در روستای ارجستان در ۲۱ کیلومتری غرب اردبیل و در محدوده شهر



## شنا ورزش محبوب فصل تابستان

### مراقب سلامتی خود باش!

از آن جا که هوا بسیار گرم است، شاید به سرتان بزند که در یک حوضچه ی آب، استخر شنا، دریاچه و یا دریا آب تنی کنید. اما همه ی مناطق برای شنا مناسب نیستند. برخی از آن ها نه تنها به کارتان نمی آیند، بلکه می توانند تهدیدکننده سلامتی تان نیز باشند. بنابراین قبل از اینکه بار سفرتان را ببندید، به این لیست از شرایط نامناسب برای آب تنی نگاهی بیاندازید.

استخرهای شنا نیاز به توجه و نظارت زیاد دارند. نظارت بر مواد شیمیایی موجود در آب یکی از مهم ترین وظایف مسئولان یک استخر شناست. سطح مواد شیمیایی آب باید هر دو روز یک بار آزمایش شود. اگر بی توجهی مسئولان استخر را دیدید، بهتر است از فکر شنا در آن محل بیرون بیایید.

یک نوجوان بی تجربه و یا یک مسئول معتاد به تلفن همراه نمی تواند مراقب خوبی باشد. ممکن است در اثر بی کفایتی و بی توجهی مسئولان، میکروب های خطرناکی مانند نوروویروس در آب استخر پدیدار شده و به جان شناگران بی گناه بیفتد. این ویروس، استفراغ و گرفتگی عضلات را به دنبال دارد.

### آب کدر استخر

اگر آب استخر درخشان و صاف نیست، فکرش را هم نکنید که داخل آن شوید. نه تنها این حالت ناشی از نگهداری ضعیف استخر است، بلکه می تواند برای شما تهدید کننده باشد. چند سال قبل یک زن در یک استخر عمومی یکی از شهرهای امریکا درگذشت و بدن او بعد از دو روز پیدا شد. در حالیکه اگر آب استخر شفاف و تمیز بود، شناگران و غریق نجات ها متوجه مرگ او شده و حتی می توانستند او را نجات دهند.

### وجود جلبک

دریاچه ها می توانند زیبا باشند و به شما خنکی ببخشند، اما طبیعت پناهگاه خطرناکی نیز هست. اغلب جلبک ها در دریاچه ها شکوفا می شوند و بعضی از آن ها سیانوباکتر سمی تولید می کنند. جلبک ها اغلب لزج و بدبو بوده و خود را به رنگ سبز نشان می دهند، بنابراین بهتر است قبل از شنا و غواصی به دقت از حضور و یا عدم حضورشان مطمئن شوید.

از آن جا که ممکن است شما نتوانید کل دریاچه را

در دایره دیدتان داشته باشید، یک نفس عمیق می‌تواند یکی دیگر از راه‌های مراقبت باشد. اگر بویی خاص حس کردید، ممکن است نشانه‌ی وجود جلبک غیر قابل دیدن باشد. حتی در این مواقع به حیوانات خانگی هم اجازه غوطه‌ور شدن در آب را ندهید، اغلب آن‌ها در این شرایط می‌میرند.

### شنا کردن کودکان کم سن

مطمئناً بچه‌ها دوست داشتنی هستند، اما آموزش بچه‌های کم سن از آنها شناگر خوبی نمی‌سازد. مقدار کمی از مدفوع بچه‌ها، می‌تواند محل رشد انگل ژیرادیا لامبلیا باشد. نشت مدفوع از پوشک که به سختی می‌توان جلوی آن را گرفت، می‌تواند کل آب استخر را آلوده کند. به طور تصادفی برخی از این میکروب‌ها بلعیده شده و فرد را دچار اسهال و حالت تهوع می‌کند. پس بهتر است نوزادان را همراه خود به شنا نبرید و یا از ورود به منطقه بزرگسالان جلوگیری کنید.

### جریان نامنظم آب

معمولاً بقایای زباله‌ها بر روی ساحل دیده می‌شوند. بنابراین اگر شما یک خط از جلبک دریایی، فوم و یا زباله‌های دیگر در جهت خلاف جریان دریا را مشاهده کردید، نشان دهنده‌ی یک جریان آب نامنظم است. حتی برای شناگران قوی هم چنین جریانی خطرناک خواهد بود. از دیگر نشانه‌های ثبت شده از یک جریان آب نامنظم شامل بخش‌هایی از آب دارای سایه‌های مختلف از رنگ آبی و یا یک کانال قابل مشاهده از آب اندکی متلاطم است. فقط به یاد داشته باشید که فقدان این علائم به معنی عدم وجود جریان نامنظم آب نیست. پس همیشه باید مراقب باشید و در مناطقی که در دید غریق نجات است شنا کنید.

### استخر شلوغ

شاید جمعیت زیاد در یک مکان حس امنیت

بیشتری به فرد بدهد، اما درباره استخر اینطور نیست. ورود هر فرد جدید به استخر برابر با ورود هزاران باکتری و ویروس و سایر میکروب‌ها به داخل آب است. همچنین هر چقدر جمعیت یک استخر شنا بیشتر شود، تمرکز غریق نجات بر روی افراد کمتر خواهد بود و این به معنی ایمنی کمتر استخر است. اگر دیدید استخر پر از جمعیت است، بهتر است به جای خنک شدن از طریق شنا، به خوردن یک بستنی فکر کنید.

### مراقب کودکان باشید

بچه‌ها همیشه شنا کردن را دوست دارند و از آن لذت می‌برند و این کار تفریحی مناسب برای آنهاست، زیرا شنا و آب‌تنی اگر درست انجام شود، ورزش و عامل موثر حفظ سلامت نیز خواهد بود. اما آیا همیشه در آب بودن و آب‌تنی کردن ایده مناسبی برای پر کردن اوقات فراغت بچه‌هاست؟ همه می‌دانیم اما تذکر این نکته باز هم لازم است که این تفریح و ورزش خطرناکی هم در پی دارد. اما این را هم بدانیم که اکثر بیماری‌ها و حوادثی که در این روزها اتفاق می‌افتد با آگاهی و دانش والدین قابل پیشگیری است.

### عفونت گوش

عفونت گوش یکی از مشکلات شایع پس از شنا کردن است. اما رعایت نکاتی ساده می‌تواند این مشکل را حل کند. برای محافظت از گوش شناگران کوچک آنها را تشویق کنید تا هنگام شنا از گوش‌گیرهای مناسب استفاده کنند. همچنین پس از شنا کردن، گوش بچه‌ها را با یک حوله تمیز یا سشوار کاملاً خشک کنید. در ضمن هیچ وقت به کودک اجازه ندهید در آب‌های آلوده شنا کند.

### قرمزی چشم‌ها

چشم‌های قرمز و متورم پس از ساعات طولانی شنا کردن در استخر می‌تواند نشان‌دهنده حساسیت به کلر موجود در آب باشد. حوضچه‌ها

و دریاچه‌ها نیز ممکن است باکتری‌هایی داشته باشند که می‌تواند قرنیسه را ملتهب کند. پس بهتر است برای پیشگیری از قرمز شدن یا پف کردن چشم‌ها، از کودکان بخواهیم که از عینک مخصوص شنا استفاده کنند.

### بلعیدن آب استخر

فرزند شما ناخودآگاه هنگام شنا، یک یا چند جرعه از آب استخر را خواهد نوشید، به طور خاص وقتی که بتازگی در حال یادگیری شناست. بلعیدن مقدار کمی از آب استخر جای نگرانی ندارد اما اگر بیش از حد از آب استخر بخورد، می‌تواند کودک را بیمار کند.

بدون تردید داشتن وسایل کامل اختصاصی برای شنا و عدم استفاده از وسایل دیگران، رعایت نکات کامل بهداشتی و شست و شوی سر و بدن با شامپو و صابون باعث می‌گردد تا پس از هر بار تنی به آب زدن احتمال چسبیدن برخی قارچ‌ها به بدن به حداقل کاهش یافته و بیماری‌های احتمالی با خود به همراه نداشته باشد. از طرفی با توجه به تعریق فراوان باید در استفاده از مایعات نهایت دقت را نیز داشت.

جدای از رعایت نکات بهداشتی در استخرها باید در مصارف مایعات نیز توجه داشت چرا که آب در کلیه اعمال فیزیکی و شیمیایی سلول‌های بدن تاثیر به‌سزایی داشته و بدن در فصل گرما به دلیل تعریق بسیار جدای از شست و شو نیاز به مایعات سرد، سالم و پاکیزه دارد. بدن انسان بالغ در حالت طبیعی بسیار کمتر نیاز به آب دارد ولی در فصل تابستان این امر بیشتر احساس می‌شود. از طرفی نوشیدن آب در ضمن غذا خوردن به مقدار زیاد باعث رقیق شدن عصیرهای هاضمه و کم نمودن تاثیر آنها می‌شود.

با شروع تابستان و بالطبع پر کردن اوقات فراغت جوانان و نوجوانان در میادین ورزشی باید نسبت به گذشته مایعات بیشتری مصرف کرد حتی آنهایی هم که به استخر و سونا می‌روند باید برای آب از دست داده شده بدن خود، از مایعات خنک استفاده کنند.





## تبریز و این همه جاذبه فرهنگی

تبریز در سال ۲۰۱۸ پایتخت گردشگری جهان اسلام است و اینک آراسته‌تر و مشتاق‌تر از همیشه، دروازه‌های تاریخی‌اش را به روی مسافرانی گشوده که حضورشان مایه شادی و رضایتشان موجب دلگرمی است.

### مقبره الشعراء، نماد شعر و ادب

خیابان ثقه الاسلام تبریز همواره محل رفت و آمد شعردوستان و اهالی فرهنگ و ادب این شهر و مهمانان و گردشگران و مسافران با فرهنگ است. مقبره الشعراء تبریز نه تنها نماد فرهنگ و ادب تبریز، بلکه نماد فرهنگ و شعر و غزل آذربایجان است.

استاد شهریار که مایه فخر تبریز و ایران است در خاک پاک مقبره الشعراء آرمیده است و دلدادگان شعر و غزل همواره در پی کسب فیض از این شاعر نامی هستند. برای همین است که این مکان سراسر شعر و عرفان و غزل دیگر نیاز به معرفی ندارد چراکه فرهنگ‌دوستان این خاک پاک می‌دانند که این مکان مدفن و آرامگاه بیش از ۴۰۰ ادیب و شاعر ایرانی است.

از جمله این شاعران ثقه الاسلام (شهید شهدای والامقام مشروطه)، اسدی طوسی، قطران تبریزی، مجیرالدین بیلقانی، خاقانی شروانی، ظهیرالدین فارابی، شاهپور نیشابوری، شمس‌الدین سجاسی، صائب تبریزی ذوالفقار شروانی، همام تبریزی، مغربی تبریزی، مانی شیرازی، لسانی شیرازی، شکیبی تبریزی، سیدمحمدحسین شهریار.

### باغ نقش و نگار و شعر

تبریز هنرپرور میزبان دو کمالی است که یکی شعر و دیگری نقش و نگار و مینیاتور را به حد اعلای کمال رسانده و ایران را شهره آفاق کرده‌اند. کمال‌الدین بهزاد و کمال‌الدین مسعود خجندی.

کمال‌الدین بهزاد نقاش، مینیاتوربست و نگارگر چیره‌دست ایرانی قرن دهم هجری، نگارگر مکتب هرات است.

کمال‌الدین مسعود خجندی نیز از شعراء معروف قرن هشتم و نهم هجری است که بعد از تشرف به حج در تبریز سکنی گزید و تحت حمایت سلطان جلالیه قرار گرفت.

مقبره دو کمال در سال ۱۳۳۸ توسط فرهنگ‌دوستان کنجکاو شهر تبریز کشف و بعدها به همت انجمن آثار ملی مرمت و لوحه یادبود در آن نصب گردید.

### ربع رشیدی، اولین دانشگاه آکادمیک

یکی از یادگاری‌های تبریز که از حوادث طبیعی و انسانی نیز در امان نمانده، مجموعه تاریخی ربع رشیدی است که به نخستین دانشگاه آکادمیک جهان شهره است.

مجموعه تاریخی ربع رشیدی توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر بافرهنگ و علم و ادب‌دوست سلطان محمد غازان خان احداث شده است.





این بنا در زمان آبادانی شامل ۲۴ کاروانسرای وسیع، ۱۵۰۰ دکان و ۳۰ هزار خانه و تعدادی حمام و باغ و کارخانه‌های پارچه‌بافی و کاغذسازی و دارالضرب و تولید رنگ، کتابخانه‌هایی حاوی هزاران جلد کتاب، آزمایشگاه‌های تولید و کشت انواع گیاهان دارویی و نظایر آن بوده است. خواجه رشیدالدین این بنای با عظمت را در بخش‌های مختلفی همچون دارالشفاء، اماکن مسکونی و خیریه، بخش علمی و دانشگاهی احداث کرده بود که در بخش دانشگاهی دروس مختلف از جمله پزشکی از سراسر دنیا و طبق آخرین متدهای علمی آن تدریس می‌شد و ۵۰ پزشک و طبیب حاذق از کشورهای مختلف در آن مشغول معالجه بیماران بودند.

### فیروزه جهان اسلام

شاید آوازه مسجد کبود «فیروزه جهان اسلام» را در تبریز شنیده‌اید. برای تماشای این سازه با عظمت دست‌ساز انسانی و کسب آرامش خاطر روح و روان باید حداقل میدان ساعت تا چهارراه منصور را خوب تماشا کنی اینجاست که گنبدی‌های فیروزه‌ای و لاجوردی فیروزه جهان اسلام چشمانت را به سوی خود می‌خواند. نزدیک‌تر شده و از ورودی بوستان خاقانی وارد می‌شوی انگار این سازه با عظمت برایت آشناست، چراکه خودنمایی رنگ‌ها و الوان‌های زیبای آن آرامشی عجیب را مهمان لحظه لحظه خستگی‌هایت می‌کند.

پلک‌هایت را دوباره و چندباره به هم می‌زنی تا شاید زیبایی کاشی‌های معرق، لاجوردی و آبی را که در نماسازی آن به‌درستی به کار رفته را چند باره ببینی.

نام دیگر این مسجد، جهانشاه است و آرامگاه خانوادگی جهانشاه نیز در داخل و بخش جنوبی مسجد به چشم می‌خورد. دیواره آرامگاه با تخته سنگ‌های عظیم مرمرین به ارتفاع ۱۶۰ سانتی‌متر با کتیبه‌هایی که آیاتی از سوره‌های النبأ، البینه و الفجر با خط ثلث در زمینه‌های اسلیمی ظریف و هنرمندانه حجاری شده، تزئین یافته است.

این عمارت تماماً با کاشی‌های لاجوردی و فیروزه‌فام پوشیده شده و در لابه‌لای این فیروزه‌ها، کاشی‌هایی به رنگ سیاه و سفید نیز خودنمایی می‌کنند که به سبک و سیاق معرق در کنار هم با نظمی چشم‌نواز چیده شده‌اند.

گنبد آجری مسجد کبود با ۱۷ متر دهنه و ۲۰ متر ارتفاع است و سردر اصلی مسجد با کاشیکاری معرق و کتیبه‌هایی به خط ثلث و تابلوهایی با خط کوفی شامل سوره‌های قرآن از کامل‌ترین نمونه‌های معرق دوران اسلامی به شمار می‌روند.

### ارگ تبریز همزاد تاریخ

جنب مصلائی تبریز، ارگ ۳۲ متری تاریخی این شهر خودنمایی می‌کند، مقابل ارگ که ایستادی به‌خاطر بسپار این بنا یادگاری است از مجموعه عظیم مدرسه، مسجد و خانقاه که توسط خواجه تاج‌الدین علی‌شاه در دوره ایلخانی و در قرن هشتم هجری ساخته شده است.

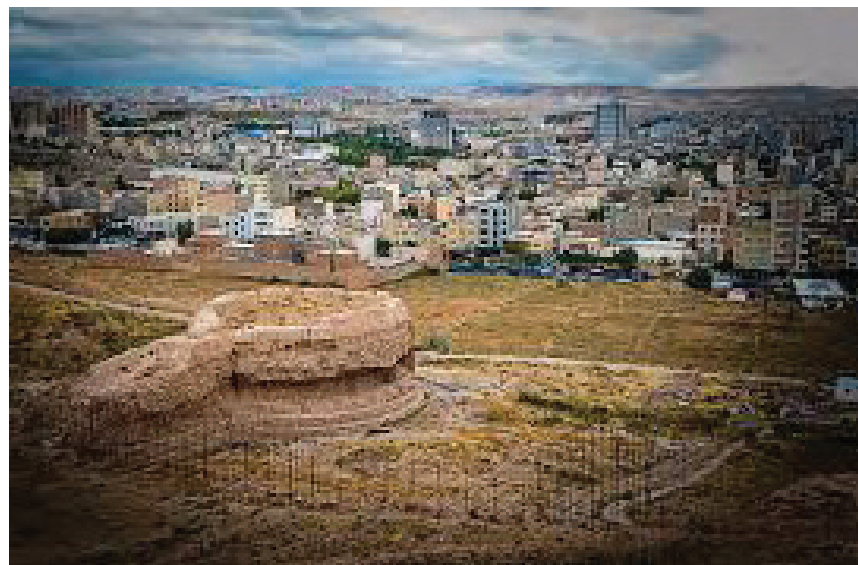
ارگ تبریز شاهد مقاومت مردمی است که از فراسوی تاریخ، با عظمت گذر کردند و اکنون این بنا با قامت افراشته خود صدای ماندگاری این مردم را سر می‌دهد.

بنای ارگ تبریز، یادگار زلزله‌های مهیبی است که تبریز را با خاک یکسان کرد، اما این بنای تاریخی فرونریخت و فقط بخش‌هایی از آن آسیب دید و به عنوان نماد مقاومت مردم تبریز استوار ماند.

جام جم آنلاین

۳۱

شماره ۳۱

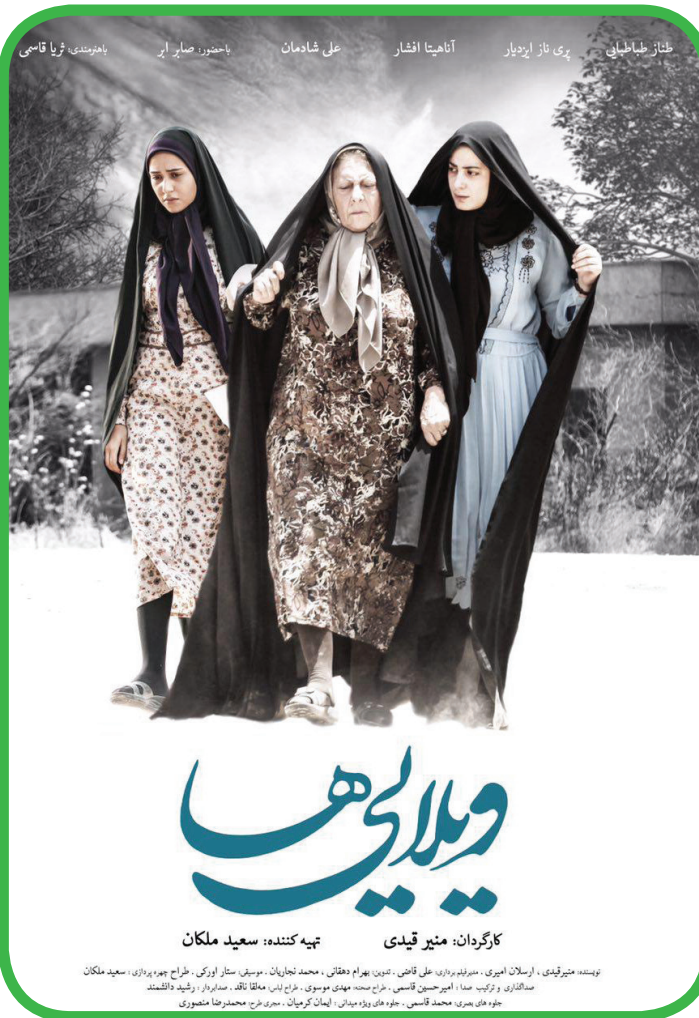


○ نیره رضایی مطلق

درباره «ویلاهی‌ها» که تلاش کرده جنگ را از نگاه زنان به تصویر بکشد

# سهیم شدن در تجربه مرگ و زندگی

«تهران، شهر چنان» جوایزی نیز از جشنواره های مختلف دریافت کرده است. این فیلمساز جوان اکنون تلاش کرده که ذهنیت تازه و مستقلش را از سینمای جنگ به عینیت تبدیل کند. نویسندگی و کارگردانی «ویلاهی‌ها» نخستین تجربه قیدی در حیطه فیلمسازی است که جسارتی ستودنی در آن دیده می شود. «ویلاهی‌ها» درباره زنان در متن جنگ است و از این رهگذر تلاش شده ناگفته‌های جنگ که بسیار زیاد است بازگو شود. فیلم درباره زنانی است که همسرانشان که فرمانده جنگ هستند، در جبهه مشغول دفاع از میهن به سر می برند و آنها نیز در اطراف جبهه در یک شهرک، چشم انتظارشان هستند و حوادث گوناگونی را تجربه می کنند. قیدی می گوید ایده این فیلم را از زندگی همسران فرمانده شهید نوری، شهید همت و... متوجه شده که در روزهای سخت جنگ آنها هم آنجا بودند و راننده ماشینی بوده که خبر شهادت همسران رزمندگان را برای خانواده‌شان می آورد، زنانی که با تصمیم خودشان به جایی آمده بودند و می دانستند در خطر هستند و فقط به دلیل اینکه به همسرانشان نزدیک باشند آنجا حضور داشتند. با همین ذهنیت است که کارگردان زاویه‌ای ناپیدا از دفاع مقدس را با محوریت زنان به تصویر می کشد و تلاش می کند تاثیرگذار باشد. انتخاب تم زنانه از جنگی خشن و مردانه که می خواهد زاویه‌ای ناپیدا از دفاع مقدس و قهرمانان پنهان آن که مادران، خواهران و همسران هستند را به تصویر بکشد در نوع خود تازه و قابل تحسین است و خود این موضوع یک برتری بالقوه به اثر داده است و حکایت از دغدغه فیلمساز برای حضور در سینمای دفاع مقدس و حرکت در مسیری جدید دارد. برای مخاطبی که پس از سه دهه می خواهد دفاع مقدس را مرور کند و یا مخاطبی که تصویری شفاف از هشت سال دفاع مقدس ندارد داستان حضور زنان، مادران و فرزندان که در یک شهرک نزدیک به خطمقدم هستند به خودی خود جذاب است. در میان محاسن و ضعف های فیلم ابتدا به سراغ محاسن آن می رویم که بی شک کارگردانی آن است. قیدی بر جزئی ترین عناصر فیلم تسلط بسیار زیادی دارد و تصویری از یک درام زنانه را به خوبی درآورده است و از بازی ها گرفته تا میزانشن، نور، طراحی صحنه و ... ایده و طرح اولیه ی داستان، در مسیر نوآورانه گام برداشته است. او در کنار نگاه متفاوتش به زنان و جنگ و حفظ اصول ژانر جنگی، بر مضمون انتظار تاکید کرده و تکرار آمدن پیامرسانی که هر بار نامه ی شهادت یکی از همسران را می آورد نقطه عطف درگیری مخاطب با فیلم قرار داده



گذاشت که اکنون این روند با فیلم «ویلاهی‌ها» و پرداختن به زنان در دوران دفاع مقدس به نقطه امیدوارکننده خود رسیده است. منیر قیدی کارگردان زن سینمای ایران پیش از این به عنوان منشی صحنه و دستیار کارگردان با فیلمسازان متعددی همکاری داشته و با ساخت فیلم های کوتاهی همچون «دختر، پسر، پیرمرد»، «در راه ویلا» و مستند

سینمای ایران در چند سال گذشته به نگاه فیلمسازان زن، توجه بیشتری کرده است و از ورود زنان فیلمسازی که پیش از این سینما را با نوشتن فیلمنامه و یا همراهی در پشت صحنه تجربه می کردند استقبال کرده است. حضور نرگس آبیاری با «شیار ۱۴۳» و نگاه متفاوت وی به مقوله جنگ که با استقبال مخاطبین هم روبرو شد رویکرد جدیدی را پیش روی سینما



که در عین تکرارشونده بودن تکراری نبوده و عنصر تعلیق به آن ارزشی چند برابر داده است. بدیهی است که این زنان تنها با عنصر انتظار روز و شب شان را سپری می کنند و این نکته ای است که قیدی به قدرت و توانایی این عنصر پی برده و با ترسیم موقعیت های همدلی برانگیز و پر تعلیق نوع خاصی از انتظار را رقم زده است. زنان و فرزندانی که که هر بار باید خودشان را مهیای شنیدن خبر خوش و ناخوش کنند و انگار به نوبت خبر بد باید به آنها داده شود و فقط ترتیب آنها فرق می کند. اما اشکال اصلی فیلم در طرح و بسط شخصیت ها و منطق داستانی دیده می شود به طوری که گره های داستانی که برای غافلگیری مخاطب و ایجاد پیچ های دراماتیک در فیلم نامه طراحی شده نه تنها کارکرد اصلی اش یعنی غافلگیری را در پی ندارند بلکه مخاطب در مواجهه با این درام در هر گره داستانی گاهی چند قدم از فیلم جلومی افتد و همین موضوع روند فیلم را دچار سکون و رخوت کرده و باعث دیده شده حفره های داستانی می شود و همین موضوع ویلایی ها را در مرز تبدیل شدن به یک فیلم عالی متوقف می کند. کارگردان جوان در لحظاتی مبہوت ایده هایش می شود و به همین دلیل گرفتار تیپ می شود. به طور مثال در ترسیم شخصیت خانم خیری فرمانده زنان با بازی پریناز ایزدیار یا برخی زنان دیگر از حد و اندازه یک تیپ فراتر نمی رود و شخصیت های اصلی داستان در نیمه دوم فیلم به حاشیه رانده می شوند و فقط چند کاراکتر معدود مثل عزیز و عرومش و یک زن شهید کمی بسط پیدا می کنند. کارگردان تا جایی که امکانش بوده تلاش کرده شخصیت های پرجانی را به تصویر بکشد تا مخاطب با واکاوی آنها به مرور و در طول فیلم بر واقعه گرا بودن فیلم و رویایی

نبودن کاراکترهای آنمطمئن شود. به طور مثال کاراکتر خانم خیری که ابتدا شکل اغراق آمیزی از خوبی و مثبت بودن به خود گرفته است تا حدی شکل افراطی در ذهن مخاطب دارد اما به مرور وقتی با تصویر دقیق تری از این زنان برخورد می کنیم دلیل واکنش های متضاد آنها را متوجه می شویم. با اینحال گاهی به نظر می رسد از دست خرده داستان های فراوانی که اغلب با تنش و جدل گذشته به تصویر کشیده می شوند کاری بر نمی آید. یا تکرار استفاده از نماهای هوایی برای مخاطب اثرش را از دست می دهد و حتی وقتی جنگنده های عراقی محیط ویلا را مورد هدف قرار می دهند باز انتظار مخاطب از دیدن یک صحنه ناب جنگی برآورده نمی شود و مخاطب می خواهد صحنه های واقعی جنگ را ببیند و مجروح شدن آدم ها بر اثر ترکش های خمپاره یا بمب را مشاهده کند اما در کمال ناباوری هیچ کس صدمه های نمی بیند و گویی با پرتاب یک بمب هیچ اتفاقی نیافتاده است. با این حال ویلایی ها با انتخاب درست بازیگرانش توانسته از تجربیات آنها به نفع خود

استفاده کند. بی شک بهترین نقش آفرینی فیلم از آن ثریا قاسمی است که در این سن و سال کماکان ثابت می کند از بهترین های سینمای ایران است. بازیگران جوان فیلم هم تلاش کرده اند بازی ای ارائه دهند که برای مخاطب قابل پذیرش باشند. هر چند طنز طباطبایی و پریناز ایزدیار شکل و شمایل تقریباً همیشگی شان در سینمای ایران را در «ویلایی ها» تکرار کردند اما این بازی ها در ادامه روند مثبت کارنامه شان ثبت خواهد شد. بی شک پشت سر این فیلمساز تهیه کننده ای بوده که با اعتماد کامل با فیلمنامه و کارگردان همراهی می کرده است. سعید ملکان به عنوان یک تهیه کننده کاربلد و خلاق موقعیت و جایگاه خود را با فیلم «ویلایی ها» تثبیت کرده است. وی بعد از موفقیت «فیلم ابد و یک روز» که نتیجه اعتمادش به سعید روستایی بود و همراهی اش با نگاه متفاوت احسان بیگلری در «برادرم خسرو» این بار به فیلمساز جوان دیگری اعتماد کرده مهارتش را در شناخت استعدادها و کمک به جهت گیری آنها به خوبی نشان می دهد و برخلاف برخی تهیه کنندگان ابایی ندارد که تلاش و زحمت اش پشت کارگردانی دیده شود که او بستر لازم را برای ابراز خلاقیت اش مهیا کرده است. همچنین بهتر است از برخی نماهای درخشان فیلم هم بگوییم که مدیون فیلمبرداری هوشمندانه آن چه به لحاظ انتخاب قاب ها و چه به لحاظ اجرایی است. به طور مثال یکی از سکانس های جذاب فیلم نمای هلی شات از فرار زنان با چادرهای سفید هنگام بمباران هوایی است که وقتی روی زمین دراز می کشند، گویی چادرهای شان به کفن شان تبدیل شده است که درحقیقت تمام مفهوم فیلم در آن گنجانده می شود و سهیم شدن زنان در تجربه مرگ و زندگی با مردانشان را به بهترین شکل ترسیم می کند. ایده ای مستند و واقعی که به فیلمساز امکان می دهد تا یک فیلم زنانه درباره دفاع مقدس بسازد.



# عملیات مرصاد در یک نگاه

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، همان گونه که عراق را در بن بست سیاسی و نظامی شدیدی قرار داد و توطئه های وسیعی را که از جانب استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی تدارک دیده شده بود، نقش بر آب کرد، بر گروه ها و عناصر به اصطلاح "پوزیسیون" نیز شوک شدیدی وارد کرد. در این میان، منافقین به عنوان تنها گروهی که همه حیثیت (!) و هستی سازمان خود را در گرو جنگ نهاده بودند، بیشترین صدمه و لطمه را از پذیرش قطعنامه توسط ایران متحمل شدند. بنابراین، برای خارج شدن از این بن بست، توطئه مزبور که ماموریت انجام آن به عهده سازمان محول شده بود، توسط این گروه به مرحله اجرا درآمد. منافقین سابقا در تحلیل های درون گروهی خویش، امکان قبول آتش بس از سوی ایران را غیر ممکن دانسته و به صراحت ادعا کرده بودند جمهوری اسلامی تنها در صورتی که به لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی به بن بست کامل برسد، به صلح رضایت خواهد داد و در آن شرایط، ضمن تحقق کامل و قطعی سقوط، قدرت به سازمان منتقل خواهد شد (!) به این ترتیب، با توجه به شرایط جدید پیش آمده در جنگ، این زمان را بهترین فرصت برای دستیابی به اهداف پلید خود دانسته و به رغم آن که طرح حمله به ایران، برای سالگرد جنگ تدارک دیده شده بود، به

دنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی، زمان آن ۲ ماه جلو انداخته شد. پیش از این، اطلاعاتی به ست آمده بود حاکی از آن که رژیم عراق در صدد است در فاز جدید جنگ، با استفاده از ضد انقلابیون، اقداماتی شبیه آنچه که قرارگاه رمضان در داخل عراق انجام می داد، صورت دهد. در این میان، منافقین طی دو عملیات تحت عناوین "آفتاب" در فکه و چلچراغ در مهران، تا حدودی آمادگی خود را برای محوریت کار در داخل کشور، نزد حاکمان بعثی به اثبات رسانده بودند. از آن جا که عراق به دلیل پذیرش قطعنامه بهانه ای برای تجاوز جدی به ایران نداشت، با حمایت و پشتیبانی تسلیحاتی، و هوایی از منافقین، نیروهای خود را از انجام دخالت مستقیم در ورود به عمق خاک ایران بر حذر داشت و به همین منظور، ابتدا برای کاستن از حجم نیروهای خودی در غرب، اقدام به تک وسیعی در خرمشهر کرد و سپس با هجوم و اجرای آتش سنگین در منطقه سر پل ذهاب و صالح آباد، این مناطق را به تصرف درآورد. با این اقدام خود، راه ورود منافقین را به داخل، هموار نمود و برای پشتیبانی، در چندین نوبت، اقدام به بمباران هوایی خطوط و نیروهای ایران کرد و هلی کوپترهای نیروبر دشمن نیز طی این مدت، به طور مرتب به

پشتیبانی منافقین مشغول بودند. هدف عملیاتی منافقین از حرکت سریعی که در عمق خاک ایران و با تانک های برزیلی دجله (دارای چرخ های لاستیکی) و سرعتی معادل ۱۲۰ کیلومتر در ساعت) انجام می شد، تسخیر چندین شهر و در نهایت، رسیدن به تهران بود. آنان در نظر داشتند با وارد کردن ۱۳ تیپ نیروی رزمی به تهران، ضمن تسخیر و اشغال مراکز مهم، به خیال خود قدرت را به دست گیرند. طبق زمانبندی این طرح، نیروهای مناطق باید ساعت ۶ بعد از ظهر روز دوشنبه ۳ مردادماه به "کزند" و ساعت ۸ شب به "اسلام آباد" و ۱۰ شب به "باختران" رسیده و در این شهر، دولت خویش را اعلام می کردند و اگرچه در ساعت های مقرر به کزند و اسلام آباد رسیدند، اما در مسیر اسلام آباد- باختران در گردنه حسن آباد، از پیشروی آنها جلوگیری شد. در این عملیات که نام آن "فروغ جاویدان" بود، به اصطلاح ۲۵ تیپ از منافقین که هر تیپ به طور متوسط شامل ۲۰۰ نفر بود، شرکت داشتند و به این ترتیب، مجموعا بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نیروی عملیاتی وارد خاک ایران شدند.

## نحوه هجوم منافقین

مقارن ساعت ۱۴:۳۰ در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ منافقین و ارتش عراق، عملیات مشترک خود را با هجوم زمینی از طریق سر پل ذهاب و هلی برن از جنوب گردنه "پاطاق" (نزدیک سر پل ذهاب) آغاز و به طرف شهر "کزند غرب" پیشروی کردند و حدود ساعت ۱۸:۳۰ اولین تانک عراقی با آرم منافقین وارد شهر کزند غرب شده و تا ۵ کیلومتری جاده کزند- اسلام آباد، اتومبیل های شخصی در حال فرار را تعقیب کرده و مجدداً به شهر باز گرداندند. در همین هنگام، حدود ۸ دستگاه تانک و نفربر به همراه نیروهای پیاده بعثی، مناطق شهر کزند غرب را تصرف و سپس به طرف اسلام آباد غرب پیشروی کردند. به محض رسیدن به مدخل شهر، تعدادی از منافقین با ورود به آن، اقدام به قطع برق و ارتباط مخابراتی و همچنین تیراندازی و آشفته نمودن اوضاع شهر کردند. در همین حین، تعدادی از نیروهای سپاه و مردم، با دشمن درگیر شدند که به دلیل عدم انسجام نیروها و آمیختگی منافقین با مردم، اوضاع از کنترل نیروهای نظامی خارج شد و شهر





به تصرف دشمن درآمد. پس از تصرف اسلام آباد، دشمن با استفاده از تعداد زیادی تانک "دجله" و خودرو، به همراه تعدادی از نیروهای پیاده، در جاده اسلام آباد به طرف باختران حرکت کردند؛ اما در منطقه حسن آباد (۲۰ کیلومتری اسلام آباد) به دلیل سازماندهی نیروهای جدید و نیز با توجه به رسیدن یگان های منظم خودی، زمین گیر شدند. نیروهای خودی نیز در فاصله ۲۰۰ متری آنان، در ارتفاعات "چهارزبر" ضمن تشکیل خط پدافندی، با نیروهای دشمن درگیر شدند

و بعد از ظهر روز ۱۳۶۷/۵/۴ با محاصره شهر اسلام آباد، ضمن پاکسازی و آزاد کردن شهر، به منظور انسداد عقبه و راه فرار دشمن، سه راه اسلام آباد-کرنند را قطع کرده و منافقین را از دو سمت به محاصره درآوردند.

در اوایل صبح روز ۵ مرداد ماه، ۳ دستگاه از خودروهای منافقین که آرایش نظامی خاصی داشتند، موفق شدند به داخل خط نیروهای خودی نفوذ کنند که خودرو اولی توسط نیروهای اسلام منهدم و به خودروهای دیگر خساراتی وارد آمد و تمام سرنشینان (۱۳ نفر) آنها معدوم شدند و از داخل خودروها نیز مقادیر زیادی مواد منفجره قوی (شبیبه به باتری اتموبیل) و همچنین یک دستگاه شنود بی سیم و اسناد و وسایل دیگر به دست آمد. همچنین در همان تاریخ، منافقین قصد داشتند با تعدادی نفربر، در منطقه چهار زبر، به خط دفاعی نیروهای خودی حمله کنند که با مقاومت و مقابله رزمندگان ایران، تعدادی از آنها منهدم شدند و بقیه با مقاومت آنان، عقب نشینی کردند. این حرکت منافقین به علت انهدام حدود ۲۰ دستگاه نفربر آنان، فاقد آتش مستقیم بود و فقط با سلاح های ۱۰۶ و خمپاره انداز تقویت می شد.

### عملیات نیروهای خودی

پس از مقاومت نیروهای اندک سپاه و بسیج (در حد یک گردان) در دشت حسن آباد و زمین گیر شدن نیروهای دشمن در پشت ارتفاعات چهار زبر، به تدریج فرماندهی و نیروهای خودی برای آزادسازی مناطق

تصرف شده و انهدام نیروهای منافقین، در منطقه متمرکز شدند. روز پنجشنبه، ۱۳۶۷/۵/۵ عملیات مرصاد با رمز یا علی بن ابیطالب(ع) آغاز شد. در این عملیات، ۳ گردان از تیپ نبی اکرم(ص)، تیپ مسلم و ۱ گردان از ایلام از پشت به اسلام آباد حمله کردند. منافقین تصور می کردند همانند روزهای قبل، نیروهای عراقی همچنان در این مناطق حضور دارند؛ حال آن که عراقی ها عقب نشینی کرده و منطقه در دست نیروهای ایرانی بود. به همین دلیل، نیروهای خودی توانستند به راحتی از این محور وارد اسلام آباد شوند. پیش از این، نیروهای یکی از گردان ها که اهالی اسلام آباد بوده و به تمام راه های شهر آشنایی داشتند، با نفوذ به داخل شهر، با دشمن درگیر شدند و سازماندهی منافقین را در داخل شهر بر هم زدند. منافقین برای ترمیم ضربات وارده، ۲ تیپ از نیروهای خود را از محور حسن آباد فرا خواندند تا با پیشروی نیروهای خودی مقابله کنند. همچنین، در این عملیات نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) از سه راهی غرب اسلام آباد و از پشت پمپ بنزین، دشمن را دور زده و تلفات زیادی بر آنها وارد ساختند. در اثر پیشروی نیروهای خودی، در ساعت ۲ بعدازظهر، اسلام آباد از اختیار نیروهای منافقین خارج شد. در این حال، خلبانان نیروی هوایی با ۱۲۳ سورتی پرواز، مواضع منافقین را در هم کوبیدند. خلبانان هوانیروز نیز با اجرای آتش پر حجم بر روی دشمن، زمینه فروپاشی مواضع منافقین را فراهم ساختند. بلافاصله پس از آزاد سازی شهر اسلام آباد،

یگان های سپاه پیشروی را به سمت کرنند آغاز کردند. قبل از رسیدن نیروهای خودی به این شهر، در ساعت ۳ نیمه شب، ۳ فروند هلی کوپتر ترابری در کرنند به زمین نشستند و تعدادی از کادر منافقین و رهبری سازمان را از شهر خارج کردند. این واقعه، نشانه آشکاری از آغاز شکست منافقین بود؛ چنان که پس از مدتی با پیشروی نیروهای خودی به سمت کرنند و انهدام تانک های زره پوش برزیلی منافقین، دشمن هر آنچه داشت پس از ۴۸ ساعت بر زمین نهاده و متواری شد.

در این عملیات ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تن از نیروهای منافقین به هلاکت رسیدند و حدود ۱۰۰۰ تن زخمی شدند و میان کشته شدگان و اسرا، تعدادی از کادرهای سازمان و فرماندهان تیپ ها دیده می شدند. یکی از نیروهای منافقین که در این عملیات به اسارت در آمده بود، در اعترافات خود، حرکت منافقین را در منطقه اسلام آباد، متناسب با ذهنیت های غلط قبلی و باعث از دست رفتن توان نظامی و به قول خودشان، اعتبار سیاسی آنها دانست. این حرکت منافقین، آن چنان آنها را آسیب پذیر کرد که باعث اوج گیری اختلافات شدید درونی میان رهبری و باقی مانده اعضای سازمان شد. به این ترتیب، منافقین پس از تحمل یک شکست استراتژیک در پشت تنگه "پاطاق" رسماً اعلام کردند که از شهرهای اسلام آباد و کرنند عقب نشینی کرده اند!

منبع: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

علی رحیمی

## بازخوانی شخصیت های اصلی نمایش هفت روز از تیر شصت

نمایش هایی که تلاش دارند یک واقعه یا حادثه تاریخی را به نمایش گذارند سوازی جذابیت های متنی و تصویری و نیز اطلاعاتی که به مخاطب در خصوص آن موضوع ارائه می دهند، همواره علامت سوال هایی نیز در ذهن مخاطب ایجاد می کنند. یکی از مهمترین سوالات در خصوص شخصیت هایی است که حادثه یا واقعه بر محور حضور آنها شکل می گیرد اما یا ناشناخته مانده اند و در این مستند پرده از نام و یاد آنها برداشته می شود و یا نام و یادشان بسنان غباری بر شیشه در اذهان به یادگار مانده است.

مستند سیاسی «هفت روز از تیر شصت» نیز از این دست نمایش هاست. نام شخصیت هایی در این نمایش بر سر زبان ها افتاد که اگرچه فعالیت های سیاسی و اجتماعی آنها لایمنفی یا مثبت- در عصر خود زبان زد عام و خاص بود اما به دلیل عدم انتقال مناسب، نه تنها برای نسل جوان شناخته شده نیستند بلکه نام خیلی از آنها از ذهن نسل های گذشته نیز با گذر زمان پاک شده اند. در این مجال بنا داریم تا با بازخوانی شخصیت های اصلی نمایش هفت روز از تیر شصت، به یکی از اصلی ترین سوالهای ذهنی مخاطبان پس از تماشای این نمایش پاسخ دهیم.

پیش از بازخوانی شخصیت ها لازم می دانم این توضیح را بدهم که حادثه هفت تیرماه ۱۳۶۰، شش روز پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری صورت گرفت. روز سه شنبه ۱۳۶۰/۳/۳۰ طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس شورای اسلامی بررسی

مدرک دیپلم ادبی و ورود به دانشکده الهیات شد. با پایان دوره لیسانس، شهید بهشتی مدتی را در دبیرستان حکیم نظامی مشغول تدریس زبان انگلیسی شد و از سال ۱۳۳۳، دبیرستان دین و دانش قم را تأسیس کرد.

شهید بهشتی در سال ۱۳۳۵ جهت تحصیل در مقطع دکترای فلسفه الهیات در دانشگاه تهران به پایتخت آمد اما به دلیل فعالیت های سیاسی از آموزش و پرورش منتظر خدمت شد و در همان سال به درخواست آیت الله حائری و آیت الله میلانی به هامبورگ عزیمت کرد و ضمن سرپرستی مسجد آن شهر و در شکل گیری مرکز اسلامی هامبورگ و اتحادیه انجمن اسلامی دانش آموزان مسلمان - گروه فارسی زبانان - ایفای نقش نمود. در این مدت سفرهایی به ترکیه، سوریه، لبنان و عراق برای آشنایی با تلاش های اسلامی سایر کشورها و نیز دیدار با موسی صدر و روح الله خمینی انجام داد.

در سال ۱۳۴۹ شهید بهشتی مجدداً به ایران بازگشت اما در آن سفر از سوی ساواک ممنوع الخروج شد و اقامت ۵ ساله اش در آلمان به پایان رسید.

وی پس از آن فعالیت های سیاسی خود در ایران را ادامه داد و چندین بار توسط ساواک دستگیر شد اما دست از تلاش بر نداشت تا اینکه در آذرماه ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی شورای انقلاب را تشکیل داد و دبیر این شورا شد.

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دکتر بهشتی حزب جمهوری اسلامی را با همکاری سیدعلی خامنه ای، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد جواد باهنر بنیان کرد و همزمان در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت کرد و برای تدوین قانون اساسی انتخاب شد. در ۴ اسفند ۱۳۵۸ به دستور آیت الله خمینی ریاست دیوان عالی کشور شد و تا زمان شهادت در این سمت ماند.

دکتر سید محمد حسین بهشتی سرانجام در شامگاه ۷ تیر سال ۱۳۶۰ در حین سخنرانی در تالار حزب جمهوری اسلامی بر اثر انفجار ساختمان حزب توسط منافقین به همراه کاروان ۷۲ نفره خود به شهادت رسید.

### شهید جواد سرافراز بابازی فرهاد نفرشی

شهید سرافراز یکی دیگر از شخصیت هایی است که در نمایش هفت روز از تیر شصت، توجه زیادی به زندگی ایشان و فعالیت های سیاسی اش می شود. وی در سال ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمد و پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه جهت ادامه تحصیلات به انگلستان راهی شد اما پس از مدتی نتوانست حضور در این کشور را تحمل کند، لذا نامه ای با این مضمون به پدرش نوشت: «پدر، پس این اروپای مهد تمدن کجاست؟ من در اینجا جز زندگی حیوانی و فساد و ارضاء تمایلات شیطانی

و با ۱۷۷ رای موافق، ۱۲ رای ممتنع و یک رای مخالف تصویب شد و روز اول تیرماه، حضرت امام خمینی (ره) حکم عزل بنی صدر را از مقام ریاست جمهوری صادر کردند.

سازمان مجاهدین خلق پس از این وقایع، در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، اعلام کرد که فعالیت های این سازمان وارد فاز نظامی شده است. موج این فعالیت ها به قدری گسترده بود که از مردم عادی در کوچه و خیابان تا مسوولین شاخص نظام را در بر گرفت. سه روز قبل از وقوع این حادثه، محمد جواد قدیری، عضو کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق و طراح اصلی انفجار مسجد ابودر که در آن آیت الله خامنه ای، امام جمعه وقت تهران مورد سوء قصد قرار گرفته بود، به دوستان خود با اطمینان خبر داد که «روز هفتم تیر» کار یکسره خواهد شد. حادثه ای که منجر به شهادت ۷۳ نفر از جمله رئیس دیوان عالی کشور، ۲۷ نماینده مجلس، ۴ وزیر و ۱۲ معاون وزیر شد.

در ادامه مروری داریم بر ۵ شخصیت واقعی که در نمایش "هفت روز از تیر شصت" بر روی آنها تاکید شده است

### شهید دکتر سید محمد حسین بهشتی

دکتر سید محمد حسین بهشتی به سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در اصفهان چشم به جهان گشود. ایشان پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علمیه قم شد و به تحصیل در علوم دینی پرداخت و همزمان موفق به دریافت

## هفت روز از تیر شصت

تیرماه ۱۳۹۶ ساعت ۲۰:۲۰

تئاتر شهر، سالن سایه

فروش اینترنتی بلیت:

www.tiwall.com

تئاتر شهر

تیوال

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

تئاتر شهر

نویسنده: کامران شهلائی

کارگردان: کامران شهلائی، محمد لاری

بازیگران: رامین سیار دشتی، فرزین محدث، مژگان خالقی

فرهاد نفرشی، هدیه رضایی، احمد جعفری

طراح صحنه: سعید حسنلو

تئاتر

موسیقی: علی سینا رضائیا

مستند



### علیرضا نادعلی بابازی فرزین محدث

علیرضا نادعلی از همکاران نزدیک محمدرضا کلاهی صمدی در حزب جمهوری اسلامی محسوب می شد.

وی متولد ۱۳۴۰ از تهران است و از تابستان ۵۹ در ناحیه ۵ حزب جمهوری مشغول به فعالیت گردید. حضور در کلاسهای آموزشی دکتر بهشتی و تلاش و جدیت وی باعث شد که پس از مدتی شهید دکتر بهشتی از شهید مالکی مسئول دفتر استان تهران بخواهد که او را به دفتر اصلی حزب منتقل کنند. نادعلی می پذیرد و به عنوان مسئول تبلیغات و تدارکات فعالیت خود را آغاز می کند و در همانجا با کلاهی آشنا می شود.

در روز حادثه نادعلی به دلیل آنکه چند شب قبل از حادثه در جلسه ای قوری جای از دستش به زمین می افتد و جلسه به هم می ریزد به عنوان جریمه امر شهید بهشتی سه شب از حضور در جلسات محروم می شود. شب حادثه انفجار دفتر ریاست جمهوری نیز آخرین شب جریمه او بود.

وی در خصوص این حادثه در مصاحبه ای گفت: «حوالی غروب که به منزل رسیدم داشتم لباس هایم را عوض می کردم که یکباره صدای انفجاری شنیدم. از منزل بیرون آمدم پرسیدم چه شده است؟ گفتند فلان جا ظاهرا آسیب دیده است. پرسان پرسان رفتم و سوار بر موتور شدم تا اینکه به حزب رسیدم و دیدم دفتر حزب منفجر شده است و تا ساعت ها با دوستان تلاش کردیم تا آواربرداری کنیم و...»

نادعلی پس از این حادثه به جبهه های حق علیه باطل می شتابد و تا پایان جنگ در جبهه ها می ماند. وی هم اکنون در قید حیات است

### محمدرضا کلاهی بابازی رامین سیار دشتی

مرموزترین و سوال برانگیزترین شخصیت نمایش هفت روز از شصت و حتی تاریخ معاصر ایران را باید محمد رضا کلاهی بنامیم. فردی که به وی لقب بزرگترین تروریست تاریخ ایران را نیز داده اند.

و عاری از عاطفه و فضیلت، چیزی نمی بینم» و سپس به درخواست جمعی از دانشجویان ایرانی مقیم هند به آن کشور عزیمت کرد و در بنگلور مشغول ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی شد. پس از مدتی حضور در کشور هند، وی به همراه همزمانش انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم هند در بنگلور را بنا نهاد و در همانجا نیز با رودابه حسنی (بابازی مزگان خالقی) ازدواج کرد.

شهید سرافراز پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت خود را در حزب جمهوری اسلامی شروع کرد. ایشان عضو شورای مرکزی، رئیس دفتر و مدیر آموزش و سرپرست منطقه یازده حزب جمهوری اسلامی بود و ارتباطش با دکتر بهشتی به حدی بود که ایشان از شهید سرافراز به عنوان بازوی خود یاد می کرد. با این وجود این جایگاه وی هرگز هزینه ای از حزب دریافت نکرد و برای امرار معاش در سمت مدیر روابط عمومی ایزایران وابسته به وزارت دفاع و مدیرمسئول رایانه مشغول فعالیت شد.

ایشان در شامگاه ۷ تیر سال ۱۳۶۰ بر اثر انفجار ساختمان حزب توسط منافقین به شهادت رسید.

### شهید جواد مالکی

جواد مالکی در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد. وی پس از طی دوران ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۵۰ در رشته فیزیک دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شد و با ورود به دانشگاه فعالیت های سیاسی خود را با تشکیل انجمن اسلامی و نیز همکاری با مسجد جاوید در کنار شهید دکتر مفتاح آغاز کرد که پس از مدتی به دستور ساواک این مسجد بسته شد.

با تأسیس مسجد قبا، جواد مالکی که شیفته راه ولایت فقیه و حضرت امام خمینی (ره) بود، به همراه برادرش شهید حبیب الله به صف مبارزان این مسجد پیوست و در بیشتر برنامه های آن مانند تشکیل کلاس های عقیدتی و ایدئولوژی، ایجاد کتابخانه و تأسیس صندوق قرض الحسنه نقش چشم گیری داشت. او هم چنین در برنامه ریزی نخستین نماز عیدسعید فطر در سال ۵۶ به امامت شهید دکتر مفتاح در تپه های قیطریه نقش مهمی ایفا کرد.

با ورود امام خمینی (ره) به مکه، جواد مالکی به همراه شهیدان محمدصادق اسلامی و حسن اجاره دار در کمیته استقبال و سازمان دهی امور مربوط به محافظت از ایشان نقش اساسی ایفا کرد و در تشکیل هسته اولیه کمیته انقلاب اسلامی را تلاش کرد.

ایشان با اعلام موجودیت حزب جمهوری اسلامی دعوت دکتر بهشتی را پذیرفت و مسئول تشکیلات استان تهران گردید و تا آخرین لحظه حیاتش در این سنگر به مبارزه پرداخت.

شهید مالکی سرانجام در هفتم تیر سال ۱۳۶۰ همزمان با انفجار ساختمان حزب، به دیار حق شتافت.

کلاهی در سال ۱۳۳۸ در تهران متولد شد و پس از طی دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه، در دانشگاه علم و صنعت ایران در رشته برق قبول شد.

براساس خاطرات حجت الاسلام محمد ری شهری اولین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، محمدرضا کلاهی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۷ به سازمان منافقین پیوست. وی بعد از مدتی با خط دهی سازمان، ضمن اعلام انزجار از این سازمان، در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و پس از مدتی به عنوان پاسدار کمیته انقلاب اسلامی ولی عصر (تهران) واقع در خیابان پاستور، شروع به فعالیت کرد.

او که مستقیماً زیر نظر یکی از افراد کادر مرکزی منافقین به نام هادی روشن روانی با نام مستعار مقدم قرار داشت، به تدریج با هدایت منافقین، وارد حزب جمهوری اسلامی شد و در تشکیلات دفتر مرکزی حزب در جایگاهی قرار گرفت که هم از کلیه جریانات مهم حزبی و مملکتی (دولت، مجلس، نهادها و ...) مطلع بود و هم مسئول دعوت از مدعوین برای شرکت در کنفرانس ها، میز گرد ها و جلسات شد، ضمن آنکه حفاظت سالن جلسات نیز به عهده او بود.

وی در هفت تیرماه ۱۳۶۰ مسئول مستقیم عملیات انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی بود و پس از کارگذاری بمب ها به بهانه گرفتن بستنی با موتور نگهبان جلوی درب از حادثه گریخت.

کلاهی پس از انفجار حزب جمهوری اسلامی، متواری و از طریق مرز غرب کشور توسط عوامل منافقین به عراق منتقل شد.

وی در آنجا با یکی از هم کیشان خود به نام خورشید فرجی زنوز ازدواج و در بخش عارفی (روابط با عراق) با نام مستعار کریم ادامه فعالیت داد.

گفته می شود کلاهی در سال ۱۳۷۰ نسبت به سازمان منافقین مسئله دار شد و در سال ۱۳۷۲ پس از جدایی از سازمان به آلمان گریخت. اطلاعات دیگری از او در دست نیست.



## استفاده از اثر انگشت به جای کارت پرواز

از این به بعد به جای به همراه بردن کارت شناسایی و کارت پرواز به فرودگاه برای سوار شدن به هواپیما تنها می توانید از اثر انگشت خود استفاده کنید.

به گزارش جی پلاس، این ابتکار عمل توسط خطوط هواپیمایی دلتا ایرز در آمریکا اجرایی می شود و مسافران با قراردادن دو انگشت میانی خود بر روی یک دستگاه اسکنر می توانند احراز هویت کرده و سوار هواپیما شوند.

با استفاده از این فناوری ابتکاری فرایند طولانی و وقت گیر تهیه چک لیست مسافران حذف شده و به سرعت می توان آنها را برای پرواز آماده کرد.

سیستم ابتکاری مورد استفاده دلتا ایرز، مبتنی بر فناوری بیومتریک خاصی است که توسط شرکت کلیر در نیویورک ابداع شده است. برای استفاده از این فناوری دلتا ایرز کیوسک های اسکن متعددی را در ۲۲ فرودگاه آمریکا نصب کرده است.

اگر چه استفاده از سیستم اسکنر مذکور به تسریع فرایند

پرواز و احراز هویت مسافران منجر می شود، اما برخی نگرانی های امنیتی در مورد حفظ حریم شخصی مسافران و امنیت آنها نیز وجود دارد. زیرا علاقمندان به استفاده از سیستم یادشده باید گواهینامه خود را اسکن کرده و در اختیار سیستم مذکور قرار دهند و علاوه بر این باید شماره تامین اجتماعی خود را نیز در آن وارد کنند. لذا هک شدن احتمالی سیستم مذکور موجب افشای اطلاعات خصوصی مسافرانی می شود که از پروازهای دلتا ایرز استفاده می کنند.

از همین رو نصب و استفاده عملیاتی از این سیستم منوط به صدور تاییدیه اداره امنیت حمل و نقل ایالات متحده آمریکا است.

محققان ناسا در جدیدترین تحقیقات خود با شبیه سازی مدل های نجومی و بررسی وضعیت منظومه شمسی در میلیون ها سال پیش دریافتند احتمال دارد ماه در اثر برخورد و تصادف کره زمین با یک سیاره به ابعاد سیاره مریخ ایجاد شده باشد.

وجود میدان های بسیار قوی مغناطیسی، بادهای کیهانی و اتمسفر دارای میزان بالایی از انواع فلزات و یک اقیانوس از مواد مذاب در چگونگی شکل گیری کره ماه پس از تصادف بسیار موثر بوده است. کارشناسان معتقدند شکل گیری ماه جوان حدود چهار و نیم میلیارد سال پیش و در اثر یک برخورد در کوهکشان رخ داده و تحت تاثیر اشعه های ستاره خورشید در آن زمان به شکل کنونی خود درآمده است.

محققان امیدوار هستند با تحقیق بر روی این پدیده بتوانند اطلاعات بیشتری از وضعیت جو کره زمین در میلیاردها سال پیش به دست آورند.

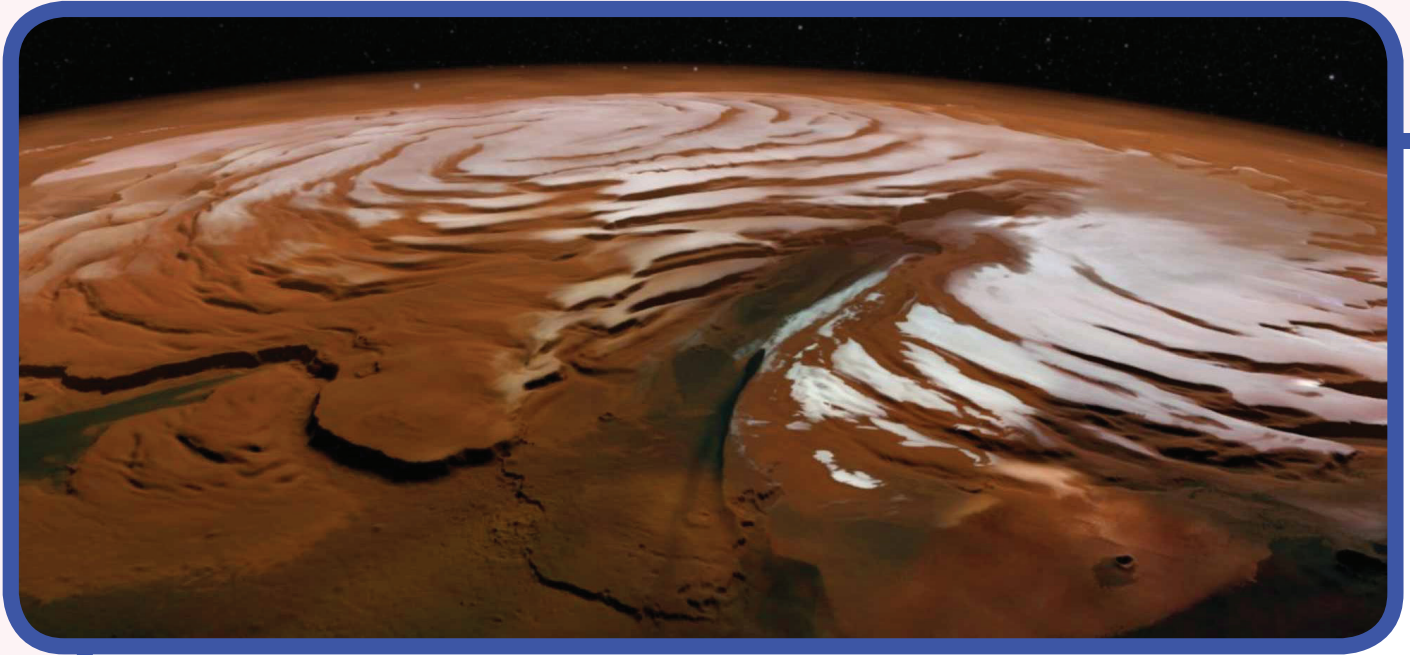
براساس پژوهش ها در آن زمان در اتمسفر کره ماه سدیم به میزان زیاد وجود داشته است که سبب فرسایش سطح ماه و ایجاد اندازه کنونی آن شده است.

به تدریج با سرد شدن جو کره ماه اقیانوس مذاب به سطوح سنگی تبدیل شده و پوسته این کره را تشکیل داده است که اثرات آن امروز بر روی ۲ طرف کره ماه مشهود است.

این فرضیه به نام تاثیر عظیم یا **giant impact hypothesis** نامیده می شود که نتایج این پژوهش در نشریه arXiv به چاپ رسیده است.

## تصادفی عجیب در منظومه شمسی که ماه را به وجود آورد





## رازهای ۴۰ ساله کلاهک یخی مریخ

دانشمندان نحوه تشکیل کلاهک یخی شمال مریخ را مجدداً بررسی نمودند. این بررسی یک شکاف عظیم، بزرگتر از 'گردکانیون' و یکسری مسیرهای مارپیچی را شامل می‌شود. جک هالت و ایساک اسمیت از دانشگاه تگزاس با استفاده از داده‌های راداری به دست آمده از مدارپیمای MRO ناسا، ژئولوژی کلاهک یخی شمال این سیاره سرخ را مورد کاوش قرار دادند.

صفحات بزرگ یخی بر روی زمین اساساً به وسیله جریان یخ شکل می‌گیرد. اما در مریخ نیروهای دیگری دخیل بوده و در نهایت منجر به تشکیل کلاهک‌های یخی قطبی شده. کلاهک یخی شمال کوهی از لایه‌های یخ و خاک به عمق بیش از ۳ کیلومتر است و مساحت آن اندکی بزرگتر از تگزاس می‌باشد. دانشمندان با استفاده از آنالیز داده‌های راداری قادرند لایه‌ها را کنار زده و چگونگی تشکیل این کلاهک یخی در طول زمان را آشکار سازند.

یکی از بارزترین جلوه‌های کلاهک یخی شمال، تنگه عمیق یا Chasma Boreale است؛ شکاف عمیقی بزرگتر از تنگه بزرگ Grand Canyon. برخی دانشمندان پیشنهاد نموده‌اند که Chasma Boreale زمانی تشکیل شده که حرارت آتشفشانی قسمت‌های زیرین صفحه یخی را ذوب کرده و باعث بالا آمدن این قسمت شده. برخی دیگر بادهای قوی قطبی به نام بادهای کاتاباتیک (katabatic) را مسئول می‌دانند.

تصویر: این تصویر نمایی از نواحی قطب شمال مریخ را نشان می‌دهد. کلاهک یخی قطب (نواحی سفیدرنگ دایره‌مانند در مرکز) حدود ۱۰۰۰ کیلومتر قطر دارد و توسط یک شکاف بزرگ به نام Chasma Boreale، در سمت راست به دو قسمت تقسیم شده. نوارهای مارپیچ شکل، دره‌ها هستند. (اعتبار تصویر: NASA/ Caltech/JPL/E. DeJong/J. Craig/M. Stetson)

جلوه معمایی و مبهم دیگر، مسیرهای مارپیچی است که از مرکز به سمت بیرون کلاهک یخی امتداد یافته‌اند. از آنجایی که این نماها در ۱۹۷۲ کشف شدند، دانشمندان نظریه‌های متعددی درباره چگونگی شکل‌گیری آنها ارائه داده‌اند. یکی از این نظریه‌ها، این مسیرها را به عنوان رشته‌های سیاره‌ای معرفی می‌کند. یخ‌های نزدیک‌تر به قطب نسبت به یخ‌های دورتر آهسته‌تر حرکت می‌کنند که باعث شکسته شدن یخ نیمه جامد می‌شود.

در یک نظریه دیگر از یک مدل ریاضی بسیار دقیق استفاده شده و بیان می‌دارد افزایش حرارت خورشیدی در جاهای مشخص باعث هدایت جانبی به محیط‌های کناری شده و نهایتاً منجر به تولید این مسیرها می‌گردد.

ثابت شده که هم Chasma Boreale و هم مسیرهای مارپیچی اساساً توسط باد خلق شده‌اند. این پدیده‌ها در طی میلیون‌ها سال و هم‌زمان با رشد صفحات یخی به وجود آمده.

توپوگرافی اساسی توسط یخ‌های قدیمی‌تر تعیین می‌شود. در واقع بر اثر الگوهای

بادی، یخ‌های قدیمی‌تر محل و چگونگی تشکیل جلوه‌های سطحی را تعیین می‌کنند. توپوگرافی به مجموعه پستی و بلندی‌های سطح گفته شده و شکل سه بعدی سطح را شامل برآمدگی‌ها، دره‌ها، دامنه‌ها و دشت‌ها نشان می‌دهد. تا قبل از انجام این تحقیق تصور عموم بر این بود که کلاهک یخی شمال مریخ از لایه‌های بسیار صاف و یکنواخت شبیه یک کیک لایه‌ای تشکیل شده و فرض بر این بود که اطلاعات اقلیمی درون این لایه‌های حفظ شده. چیزی که از آنها می‌توان به دست آورد تنها از ضخامت و ترکیب ذرات است. این بررسی جنبه‌های زیادی را آشکار ساخت از جمله لایه‌هایی که در ضخامت و جهت‌گیری با هم تفاوت داشتند و یا اینکه در برخی نقاط حذف می‌شدند و حقیقتاً به عنوان نقطه عطفی در اطلاعات اقلیمی به شمار می‌آید.

هالت نویسنده مباحث مربوط به Chasma Boreale در مقاله چاپ شده در ژورنال نیچر می‌گوید: "هیچ‌کس چنین ساختار پیچیده‌ای را در لایه‌ها تشخیص نمی‌داد. این لایه‌ها تاریخ تجمع یخ، انتقال و فرسایش بادی را ذخیره کرده و از آنها می‌توانیم تاریخچه‌ای از اقلیم گذشته را کشف کنیم. آن هم با جزئیات دقیقی که هیچ‌کس تاکنون انتظارش را نداشت."

مسیرهای مارپیچی نتیجه فرسایش بادی است که اول بار آلن هاوارد (Alan Howard) محقق دانشگاه ویرجینیان با اتکا به تصاویر سطحی که از ماموریت Viking به دست آمده بود چنین پروسه‌ای را در ۱۹۸۲ پیشنهاد داده بود. ایساک اسمیت می‌گوید: "او تنها تصاویر به دست آمده از Viking با وضوح پایین را داشت. افراد زیادی نظریه‌های دیگری داشتند که نظریه او را غلط نشان می‌داد. اما وقتی شما با یک دید دیگر به مقاله او نگاه کنید دقیقاً همان چیزی را می‌بینید که ما در داده‌های راداری می‌بینیم."

چرا این مسیرها و شکاف‌ها مارپیچ هستند؟ اول، بادهای کاتاباتیک توسط هوای سرد و فشرده ایجاد می‌شوند که از قطب‌ها به اطراف کلاهک یخی حرکت می‌کند. دوم، همانطور که این بادهای طرف‌پایین می‌وزند تحت نیروی کوریولیس (Coriolis) یا اثر چرخشی قرار می‌گیرند. این نیرو در اثر چرخش سیاره در فضا به وجود می‌آید. این نیرو اثر بادهای دو برابر می‌کند و شیارهایی که ایجاد می‌کند به صورت مارپیچ در می‌آید.

این جهش بزرگ با بکارگیری وسیله جدیدی به نام رادار شالو (Shallow Radar) یا شاراد (SHARAD) ممکن شده. این وسیله شبیه تجهیزاتی است که در هواپیمای آنت آرنیکا (Antarctica) و گرین‌لند (Greenland) به کار گرفته شده اما قبل از استفاده در تحقیقات مریخ برخی دانشمندان تردید داشتند که آن قادر باشد از مدار اطلاعات مفیدی را از مریخ جمع‌آوری کند. شاراد توسط آژانس فضایی ایتالیا برای ناسا آماده شد.

منبع: سایت نجوم ایران ترجمه نعیمه موحدی از ScienceDaily / Nasa

مریم رهنما

## عکاسی جنگ و تأثیر آن بر فضای عکاسی ایران

نخستین شکل گیری نقاشی در سال‌های پس از انقلاب ادامه یافت. این شیوه نقاشی به اشکال مختلف

بر هنر غیررسمی نیز تأثیر گذاشت.

با نگاه دوباره به آثار نقاشان نیمه اول دهه ۱۳۶۰

می‌توان تأثیر انقلاب و جنگ را دید. آثار بسیاری از هنرمندان این دوره تحت تأثیر آشکار وقایع جنگ

بودند. غلام حسین نامی مثلا به عنوان یکی از هنرمندان این دوره در سال ۱۳۶۸ نمایشگاهی برگزار

کرد و مجموعه‌ای از آثارش را به نمایش گذاشت که مشخصا تحت تأثیر وقایع جنگ تحمیلی بودند، نکته

بی که او بعدتر در چندین گفت و گویش نیز بر آن تأکید کرد. نامی که عمدتا یک هنرمند انتزاعی است،

تحت تأثیر وقایع جنگ هشت ساله، یک سره تغییر سبک داد و مجموعه‌ای از آثار فیگوراتیو را خلق کرد

که با نگاهی تمثیلی و استعاری به جنگ می‌پرداخت، هنرمند اندکی بعد دوباره به شیوه مورد علاقه اش

برگشت و کمتر به سراغ فیگور رفت. در تحلیلی عمومی تر می‌توان این طور تصور کرد که اهمیت

بزرگی وقایعی چون انقلاب و جنگ آشکارتر شده است که کمتر هنرمندی در پی اضافه کردن چیزی

به آن بوده است، به همین دلیل است که بیشتر عناصر بصری به کار رفته در این دوره از آثار هنری

ایران مشخصا محدود است و معمولا در صریح ترین شکل پیام اثر را به بیننده انتقال می‌دهد.

نگاه کنید به آثار متعدد عکاسانی که رزمنده بی در حال استراحت نشان می‌دهند، در این گونه از

عکس‌های جنگ، بیننده به سرعت پیام عکس را گرفته و با احساس آرامشی که رزمنده بی به بیننده

منتقل می‌کند، دلگرم می‌شود و از سوی دیگر خود را با رزمنده یکی حس کرده و خود را موظف می‌داند

که به یاری اش بشتابد و به مانند او به راهش امیدوار شود و به جنگی که او در پیش دارد ایمان بیاورد و

اینها همه به معنی همه پیام‌هایی است که همه عکاسان زمان جنگ در پی اش بودند، آنها سربازانی

بی سلاح در پشت جبهه بودند که باید وظیفه شان را در راه مبارزه انجام می‌دادند.

عکاسان ایرانی در عرصه جهانی از عکاسان انقلاب و جنگ بوده‌اند: اهمیت عکاسی مثل مرحوم کاوه گلستان را نمی‌توان فراموش کرد که جانش را در راه حرفه اش گذاشت و کم و بیش تمام زندگی اش را صرف عکاسی خبری و مستند کرد. عکاس دیگری چون مرحوم بهمن جلالی در دوره‌ی بی‌فعالیتش به عکاسی مستند پرداخت. به واقع وقوع اتفاقات مهمی چون انقلاب و جنگ همه عکاسان را با عزمی راسخ به سراغ ثبت این لحظات فرستاد.

نباید فراموش کرد که انقلاب و جنگ جدای از عکاسی تأثیری عمیق و جدی بر سایر رشته‌های هنری هم گذاشت. نقاشی‌های دوره جنگ به دو

جریان اصلی تقسیم می‌شود، گروه اول هنرمندان حوزه هنری بودند که با دیدی فیگوراتیو به سراغ

جنگ رفتند، آثار این گروه از هنرمندان با تأکیدات گسترده بر وجوه تمثیلی بود. گروه عکاسان حوزه

کمتر در پی نمایش دادن وجوه انتزاعی بودند، آنچه ایشان می‌کردند، تلاش برای ترسیم کردن تمثیل‌ها

بود. به این ترتیب به شیوه مرسوم نقاشی‌های رسمی به سراغ ترکیب بندی‌های هندسی رفتند و در به

کارگیری رنگ‌ها مقتصدانه عمل کردند. علت اصلی این نحوه کار توجه شان به مخاطب عام بود که

چندان با ریزه کاری‌های بصری آشنا نبودند و به این ترتیب این نقاشان میل داشتند تا با زبانی همه

فهم و ساده، مفاهیم شان را به تماشاگران عام انتقال دهند. ادامه رویکرد این نقاشان در سال‌های بعد به

شکل گیری نقاشی‌های شهری انجامید که از همین شیوه سود می‌جوید، استفاده از عناصر بصری آشنا

برای مخاطب عام و ساده کردن ترکیب بندی‌ها و محدودیت رنگی که پیام بصری را با حداقل مانع به

بیننده عام می‌رساند. این شیوه لااقل در سال‌های

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ تأثیری کم و بیش قاطع بر عکاسی ایران گذاشت، تأثیری که تا نیمه دهه ۱۳۷۰ بر عکاسی ایران باقی ماند.

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ تأثیری کم و بیش قاطع بر

عکاسی ایران گذاشت، تأثیری که تا نیمه دهه ۱۳۷۰ بر عکاسی ایران باقی ماند. مرحوم صادق تیرافکن در

یکی از آخرین گفت و گوهایش بر این فضا و این تأثیر تأکید کرد. عکاسی خبری مهم‌ترین و در واقع تنها

گونه عکاسی‌ای بود که در این سال‌ها رشد کرد و در نخستین سال‌های تاسیس دانشکده‌های عکاسی در

ایران نیز به عنوان مهم‌ترین ژانر عکاسی تدریس شد. تازه در ابتدای دهه ۱۳۷۰ بود که با برقراری

رفاه نسبی در ایران، امکان آغاز سایر ژانرهای عکاسی فراهم شد و عکاسی به عنوان هنر زیبا از مهم‌ترین

دستاوردهای این دوره بود، گونه‌ی بی که تا به این لحظه هنوز فراگیرترین گونه عکاسی در ایران است.

شکل گیری این ژانر در عکاسی و ایران و حمایت گالری‌ها، خریداران و مجموعه داران باعث شد که

در طول ۱۵ سال گذشته عکاسی خبری و مستند کم کم به ژانری فرعی در عکاسی ایران تبدیل شود

و البته جایگاه واقعی اش را پیدا کند و دیگر کمتر مجبور باشد تا جور فقدان ژانرهای دیگر را بکشد؛

به این ترتیب عکاسان خبری توانستند به حرفه اصلی شان در فضای رسانه‌ها بروند و مجبور نباشند

تا دیوارهای گالری‌ها را پر کنند، مگر در مواقعی که نمایشگاهی مخصوص برای نمایش دستاوردهایشان

به راه می‌افتد. با این وجود هر چه درباره عکاسی جنگ و انقلاب بگوئیم، باز هم کم گفته ایم و نکاتی

را ناگفته گذاشته ایم. لااقل چند تن از معروف‌ترین



به بهانه سالروز تولد علی حاتمی کارگردان نامی سینمای ایران

## علی حاتمی سعدی سینمای ایران

○ وحید میگوینی

تئاتر داشت، اما موفقیت او در به صحنه بردن نمایش "حسن کچل" بود که راهش را به دنیای فیلم‌سازی باز کرد.

در سال ۱۳۴۹ و در به تشویق چند تن از دوستانش و به جهت استقبال مردم از نمایشنامه حسن کچل حاتمی این نمایشنامه را به فیلم بلند تبدیل کرد و اولین فیلم سینمایی علی حاتمی با عنوان "حسن کچل" ساخته شد. او این فیلم را برخلاف سایر فیلم‌های آن زمان که به صورت سیاه و سفید بودند به صورت رنگی فیلم‌برداری کرد. این فیلم کمدی موزیکال در ۱۵ سالن سینما به نمایش آمد و چهارمین فیلم پرفروش آن زمان شد. حاتمی باز هم با استفاده از داستانهای اصیل ایرانی فیلم نامه "طوقی" را با الهام از داستان "ویس و رامین" می‌نویسد. فیلم بعدی حاتمی "باباشمل" است که در فروش موفق نبوده و با شکست مواجه می‌شود. در همین زمان او "قلندر" را بر مبنای باورهای عامیانه می‌سازد که سوم فروردین ۱۳۵۱ به نمایش درمی‌آید.

حاتمی سال ۱۳۵۱ کمدی سیاه و تلخ "خواستگار" را می‌سازد که این فیلم هم در گیشه شکست می‌خورد. او سپس اثر تاریخی "ستارخان" را می‌سازد که گوشه‌ای از تاریخ مشروطیت ایران را به تصویر کشیده و علاقه او را به ماجراها و آدم‌های تاریخی نشان می‌دهد؛

او سال ۱۳۵۲ مجموعه تلویزیونی "صاحبقران" را تولید می‌کند. در سال ۱۳۵۵ آغاز به ساخت فیلم سینمایی "سوته دلان" می‌کند که این فیلم دی‌ماه ۱۳۵۶ به نمایش درمی‌آید. حاتمی پس از آن تولید یک مجموعه تلویزیونی عظیم را آغاز می‌کند که با نام «هزاردستان» به نمایش درمی‌آید.

حاتمی در سال ۶۰ فیلم «حاجی واشنگتن» برای شبکه یک سیما تولید میکند. همان سال فیلم "کمال‌الملک" را بر اساس زندگی این نقاش بزرگ ایرانی جلوی دوربین میبرد که نمایش آن سال ۶۲ با واکنش‌هایی متفاوت روبرو می‌شود. پس از آن حاتمی ساخت فیلمی دیگر را با عنوان «جعفرخان از فرنگ برگشته» آغاز می‌کند که خود او معتقد بود این فیلم اولین فیلم کمدی پس از انقلاب است.

در همان سالها علی حاتمی که در مسیر ساخت فیلم‌های تاریخی خود از لحاظ لوکیشن‌های



علی حاتمی در مرداد سال ۱۳۲۳ در تهران متولد شد. مادر وی خانه‌دار بود و پدرش در یک چاپخانه صفحه آرا بود. در نوجوانی به نمایشنامه نویسی علاقه مند شد و این علاقه پای او را به تماشاخانه‌های لاله‌زار باز کرد داستانهای ایرانی و ملی بسیار جذیب می‌کرد به همین دلیل تصمیم گرفت روی این نوع داستان‌ها کار کند.

او رشته تحصیلی خود را مرتبط با علاقه مندی هایش انتخاب کرد و برای آموختن اصول تئوریک و علمی نمایشنامه نویسی به هنرستان آزاد هنرهای دراماتیک رفت.

حاتمی کار هنری خود را با نویسندگی در تئاتر آغاز کرد. نخستین نمایشنامه‌اش را با عنوان دیب (دیو) نوشت و در اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ با حضور کودکان در تالار نمایش هنرهای دراماتیک به مدت ۳ شب اجرا کرد. سپس نمایشنامه‌های «ساتن»، «قصه حریر»، «ماهگیر»، «حسن کچل»، «چهل گیس» و «آفتاب و مهتاب» را برای تئاتر نوشت.

سال ۱۳۴۵ نمایشنامه مدرنی با عنوان آدم و حوا یا برج زهر مار را می‌نویسد که تحولی در کار او محسوب می‌شود. با اینکه حاتمی سال‌ها به عنوان یک نویسنده و نمایشنامه‌نویس فعالیت مستمری در تلویزیون آن زمان و همین‌طور در صحنه‌های

قدیمی با مشکل فراوان روبرو بود اقدام به ساخت شهرک سینمایی می‌کند که امروز یکی از بهترین و مهم‌ترین گنجینه‌های سینمایی کشور محسوب می‌شود. در سال ۱۳۶۸ فیلم سینمایی "مادر" و پس از آن "دلشدگان" را می‌سازد.

حاتمی فیلم‌نامه "آخرین پیامبر" را نیز آماده می‌کند؛ اما قبل از آنکه تدارکات عظیم ساخت این فیلم فراهم شود، فیلم‌نامه‌ای دیگر بانام "جهان‌پهلوان تختی" می‌نویسد. در میانه راه ساخت این فیلم بود که بیماری فرصت به سرانجام رساندن کار را نداد. و این فیلم توسط بهروز افخمی ساخته شد.

علاقه او به سینمای تاریخی موجب برداشتهای شخصی حاتمی از بیشتر وقایع و رخدادهای تاریخی شد؛ و در فیلم‌های تاریخی که می‌ساخت شخصیت‌های واقعی را آنگونه که خود دوست داشت به تصویر میکشید. با این وجود شخصیت‌های که او خلق کرده است مانند کمال‌الملک و امیر کبیر از باور پذیرترین شخصیت‌های تاریخ سینما هستند.

بنا بر نظر بسیاری از کارشناسان سینما در فیلم‌های علی حاتمی به خوبی به زندگی و سنت‌های اصیل ایرانی پرداخته شده است فیلم "مادر" که شاعرانگی مخصوص علی حاتمی در آن موج می‌زند و در آن جایگاه و شخصیت مادر ایرانی و سنت‌های ایرانی بخوبی بیان شده است نمونه بیاد ماندنی و ماندگار از این نوع سینمای مخصوص علی حاتمی است.

عمر کوتاه سعدی سینما نگذاشت آثار درخشان بیشتری بر تارک سینمای ایران قرار گیرد و در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۷۵ پس از یک دوره مبارزه با بیماری سرطان از دنیا رفت، اما زنده یاد حاتمی با آثار ماندگاری که از خود به جای گذاشت برای همیشه یاد و نام خود را در سپهر فرهنگ و هنر این سرزمین جاودانه کرد.

جمشید مشایخی درباره قلم و هنر علی حاتمی این گونه گفته است: "علی حاتمی، سعدی سینمای ایران است." بخشی از نوشته‌هایش در سریال هزاردستان بسیار زیبا و ماندگار است:

ابراهیم و اسماعیل هر دو در یک تن بودند، با من، پس گفتم، ابراهیم اسماعیلت را قربان کن، که وقت، وقت قربان کردن است. قربانی کردم در این قربانگاه. جوهر دفتر خون اسماعیل است پرسی که نداریم. دریغ که گوسفندی از غیب نرسید. برای ذبح، قلم نی، از نیستان می‌رسید نی در کفم روان، نی خود نفیر داشت، نفس از من بود، نه نغمه، من می‌دمیدم چون دم زدن دم به دم....

و یا در بخشی دیگر از هزاردستان می‌نویسد: ولایت زندان ما را طلبید. عاقبت این عشاق خانه. هنوز زنجیر در گوشه است، زنجیرک! موریانه گوشه است! کی به استخوان می‌رسی آخر. زنجیرک، تسبیح عارفان، صدای پای من حالا شنیدنی است، از این دست ساز، کوه کوچک!

علی حاتمی بسیار علاقه مند به کارش بود و همیشه ماندگار خواهد ماند.

# عطاءالله بهمنش

## ورزشکار، نویسنده و تاریخ شناس

از رادیو را در سال ۱۳۳۷ برای رقابت دو و میدانی میان تیم ملی ایران و عراق از صدای ایران انجام داد.

### نخستین گزارشگر تاریخ فوتبال ایران

استاد بهمنش اولین گزارشگر تاریخ فوتبال ایران نیز هست. وی در کنار یکی دو تن از گزارشگران موفق آن دوران پای ثابت گزارش‌های فوتبال بود و بازی‌های مهم تیم ملی به او سپرده می‌شد. او شجره‌نامه نه تنها فوتبالیست‌ها که تمام ورزشکاران را داشت و به راحتی می‌توانست به شما بگوید پای "غفور جهانی" برای اولین بار کی و کجا به توپ خورده است. لحظه‌ای که پای "غفور جهانی" به توپ خورده شب بوده یا روز و یا ...!

### گزارش‌های بی نظیر کشتی

استاد بهمنش فقط در گزارشگری فوتبال ید طولایی نداشت؛ او در دنیای کشتی نیز یک پدیده شگفت‌انگیز بود و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان هنوز هم کسی نتوانسته است جای او را بگیرد.

گزارش‌های حیرت‌انگیز او در بخش کشتی‌های جام‌های جهانی و بازی‌های المپیک (هر کدام شش دوره و در طول نزدیک به ۳۰۰ سال در پیش از انقلاب) و خصوصاً گزارش کشتی‌های مرحوم "جهان پهلوان تختی" و یا "عبدالله موحد" را باید شنید تا اوج ظرافت، مهارت و هیجان را درک کرد.

استاد بهمنش برخی از مسابقات مهم "محمدعلی کلی"، بوکسور پرآوازه آمریکایی را نیز گزارش می‌کرد. این گزارش‌ها آنچنان



به شمار می‌آمد و با نشریاتی همچون روزنامه اطلاعات، گلبانگ، روزنامه ری، ایران ورزشی نیز همکاری داشت.

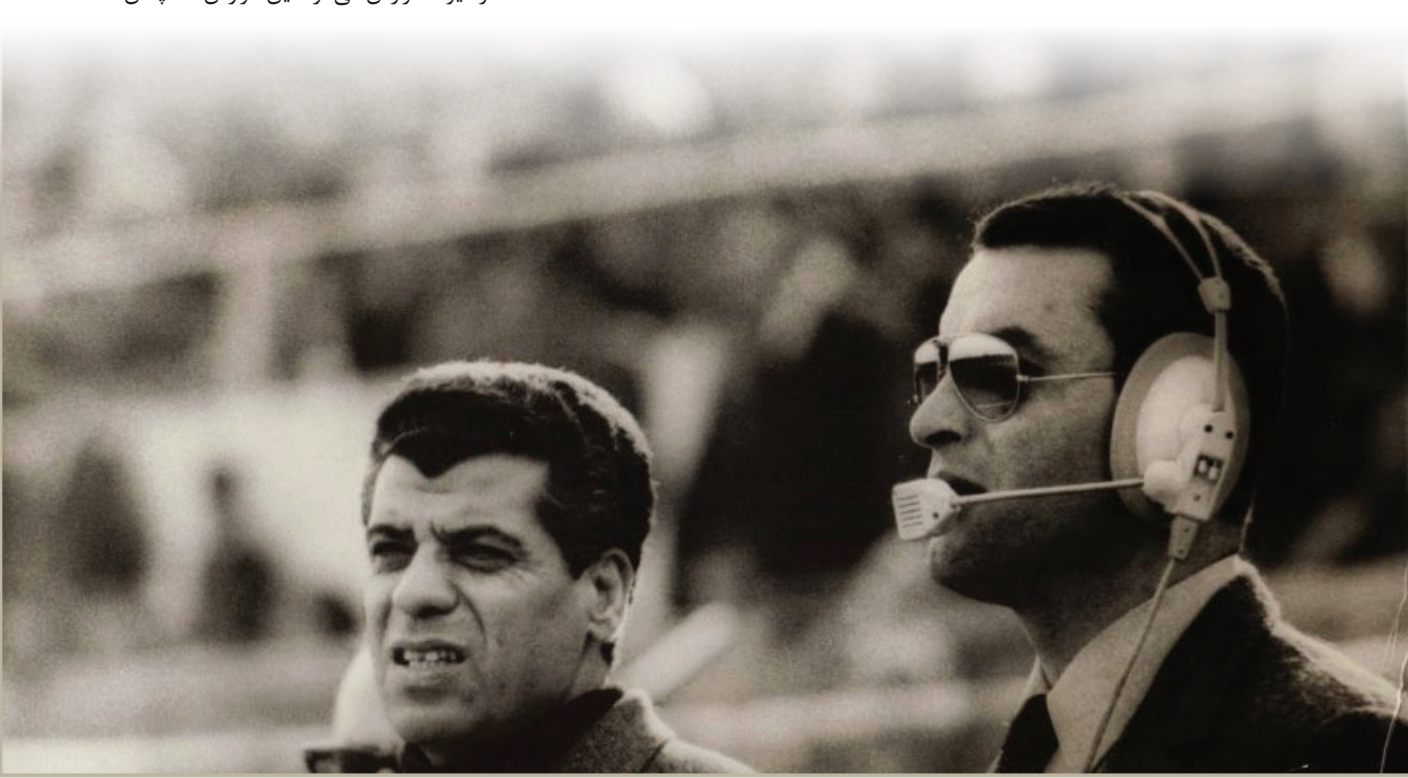
بهمنش چندین دوره قهرمان دو و میدانی تهران در رشته‌های نیمه استقامت، دفاع راست تیم فوتبال بانک ملی بوده و در رشته‌های تنیس و کوهنوردی نیز فعالیت کرده است. البته مهمترین علاقه و بیشترین فعالیت بهمنش در زمینه ورزش کشتی بوده است و او پنج سال دبیر و نایب رئیس فدراسیون کشتی ایران بود.

وی نخستین گزارشگری زنده ورزشی در ایران

عطاءالله بهمنش، ورزشکار، نویسنده، روزنامه‌نگار، کارشناس مفسر، تاریخ‌شناس ورزشی و گزارشگر حرفه‌ای فروردین سال ۱۳۰۲ در کرمانشاه دیده به جهان گشود.

بهمنش نویسندگی را از دی ماه ۱۳۳۰ در مجله ورزشی «نیرو و راستی» که توسط منیر مهران و منوچهر مهران منتشر می‌شد، شروع کرد و همکاری خود با آن نشریه را تا هنگام تعطیلی آن در سال ۱۳۳۷ ادامه داد.

بهمنش در سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷ در نشریه امید ایران نیز می‌نوشت و پس از آن نیز از نویسندگان اصلی هفته‌نامه کیهان ورزشی



عجاب انگیز بود که مردم را در زمستان‌های با دو متر برف وادار می‌کرد ساعت پنج صبح به قهوه‌خانه و یا خانه‌هایی که تلویزیون در آنها وجود داشت، بکشاند.

مردم ایران عاشق استاد بهمنش بودند، به طوری که وقتی تلویزیون، مسابقه فوتبالی را با صدای گزارشگر دیگری پخش می‌کرد و بهمنش همزمان در رادیو آن مسابقه را به شکل مستقیم گزارش و تفسیر می‌کرد، مردم صدای تلویزیون را می‌بستند تا تصویر تلویزیون را با صدای بهمنش از رادیو ببینند.

او همچنان که در گزارشگری رادیو و تلویزیون یک فرد خارق‌العاده بود، در حرفه روزنامه‌نگاری نیز یک فرد چیره‌دست به شمار می‌آمد. بهمنش نویسندگی را از دی ماه ۱۳۳۰ در مجله‌ی ورزشی "نیرو و راستی" که توسط "منیر مهران" و "منوچهر مهران" منتشر می‌شد، شروع کرد و همکاری خود با آن نشریه را تا هنگام تعطیلی آن در سال ۱۳۳۷ ادامه داد.

از استاد بهمنش علاوه بر مقالات، گزارش‌ها و یادداشت‌های مختلف ورزشی، چندین کتاب ورزشی نیز به یادگار باقی مانده است.

#### کتاب‌های عطاءالله بهمنش:

«جام جهانی فوتبال از آغاز تا ۲۰۰۲» کتابی از عطاءالله بهمنش و محمود اکرامی است که به تاریخ جام جهانی فوتبال می‌پردازد.  
«بازپهای المپیک از آغاز تا امروز» که به تاریخ بازی‌های المپیک می‌پردازد.  
«گام به گام، با جام: تفسیر و آلبوم فوتبال جام جهانی اسپانیا ۱۹۸۲»

#### بخشی از کتاب فوتبال، نوشته استاد بهمنش

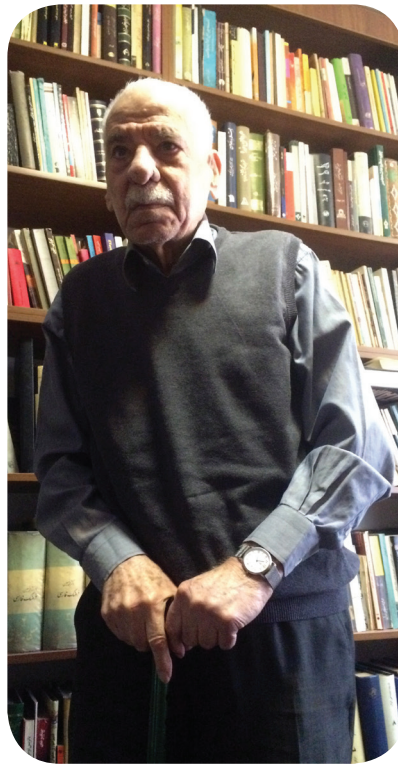
«فوتبال ما همچون نگارخانه‌ای است که برپاکنندگان آن تصویرهای زشت و زیبا را بر در و دیوار آن آویخته‌اند و تماشاگران پس از دور زدن و نگاهی سرسری، پی کار خود را می‌گیرند تا گشایش نگارخانه دیگر.»

این کتاب که در سال ۱۳۶۱ به قلم استاد به نگارش درآمده است، افق بلند نگاه وی را نشان می‌دهد که چگونه با نکته‌سنجی و ذکاوت بر مسائلی دست می‌گذارد که امروز با نام "بداخلاقی" گریبان فوتبال ما را گرفته است. همچنین در جای دیگری از این کتاب آمده است: «اگر هنر بازی با توپ و انسانیت و ادب و نزاکت را از فوتبال بگیرم چه چیزی باقی می‌ماند؟ هیچی! لگد زدن به توپ.»

استاد بهمنش که از دید بسیاری از بزرگان

ورزش ایران به تاریخ مصور ورزش نیز شهرت دارد، در خصوص نحوه آشنایی و راهیابی به حرفه گزارشگری و فعالیت در مطبوعات ورزشی گفته است:

سال ۱۳۳۷ بدون استاد شروع کردم، اما قبل از آن در مطبوعات کار می‌کردم. زمانی که در بانک ملی، هافبک راست بودم و با اصول و کلیات ورزش آشنایی داشتم هیچ وقت فکر نمی‌کردم روزی به خانواده بزرگ مطبوعات



وارد شوم. مطبوعات قابل احترام است و در هر سطحی باشد، برای روشن شدن جامعه لازم است. مملکت بدون مطبوعات نمی‌شود! راستش را بخواهید اولین مطلبی که من نوشتم در سال ۱۳۳۰ بود که راجع به "جسی اونس" بود و در مجله "نیرو و راستی" چاپ شد.»

#### استاد بهمنش همچنین در خصوص راهیابی خود به رادیو نقل کرده

«من یک ضبط صوت "جلوسوی" ایتالیایی خریدم بودم. ۲۵۰ تومان پول نداشتم، همه‌اش را بدهم، قسطی از دفتر مجله خریدم. الان هم نگهش داشتم. یک روز که کسی خانه نبود، در دوران رقابت کشتی بین "امامعلی حبیبی"

و "جهانبخت توفیق"، من گزارش این کشتی را نوشتم تا به مطبوعات بدهم. اما گفتم ببینیم با این ضبط صوتم چطور می‌شود کار کرد. من که استاد نداشتم. هر چه بود اگر چشمه زلال بود یا گل آلود، خودش بود. این را من گزارش کردم و بعد گوش دادم. دیدم بد نیست. فقط یک عیب دارد و آن هم این که سروصدای محیط را ندارد. به کسی حرفی نزد، یک روز ضبط صوتم را برداشتم و به ورزشگاه رفتم و گوشه‌ای از یک بازی را ضبط کردم.

دستگاه میکس نداشتم. هر دوی اینها را گوش دادم و مقایسه کردم، دیدم که گزارشم با صدا چگونه است. این را بردم سر کلاس درس. دبیر ما "معینیان" بود. بعضی از دوستانم به من خندیدند که این کیسه مارگیری چیست که با خودت آورده‌ای! اما من گوش ندادم و گزارشم را پخش کردم. دبیر گوش داد و گفت بعد از کلاس بیا دفتر. در دفتر به من گفت: هر کس به تو حرفی زد گوش نکن. همان کاری را که خودت تشخیص داده‌ای انجام بده!

بعد همان دبیر باعث شد مرا برای اولین بار دعوت کردند که بازی فوتبال بین ایران و هندوستان را به طور زنده گزارش کنم. من رفتم کنار چمن نشستم و گزارش کردم. وقتی به رادیو برگشتم از در که رسیدم، هر کس به من رسید، گفت عالی بود، چقدر خوب بود! اما من از این کار احساس غرور نکردم.»

#### گزارشگر حرفه‌ای از نگاه استاد بهمنش چه کسی است؟

استاد بهمنش که با استعداد ذاتی و تسلط بر ادبیات فارسی به عنوان نویسنده چیره دست مطبوعات توانسته بود در زمان خود به یک گزارشگر شش دانگ تبدیل شود در خصوص کار یک گزارشگر گفته است:

«من نظر شخصی خودم را می‌دهم. یک گزارشگر رادیو و تلویزیون باید نویسنده چیره دست مطبوعات باشد. اگر ادبیات مملکتش و قضاوت مردم را دور بریزد و به آن اهمیت ندهد و از کنار مسائل فنی بدون توجه بگذرد، هیچ نمی‌ارزد! گزارشگرهای ما خیلی زود پرش کرده‌اند. من راجع به این مساله صحبت نمی‌کنم، چون یک عده ناراحت می‌شوند، گزارشگر باید ذاتا سریع باشد، اهل مطالعه باشد، حواسش به جهان باشد، دروغگو نباشد و البته سیاست هم داشته باشد.»

گزارشگر و مفسر با سابقه ورزشی ایران یازدهم تیرماه ۱۳۹۶ به دلیل عرضه سکتة مغزی دار فانی را وداع گفت.

○ محمدرضا قاسمی

عظیم قیچی ساز فاتح تمامی ۱۴ قله بالای هشت هزار متری جهان

## پرچم ایران بر بام قله مرتفع جهان



تداخل پیدا نکردن با تاریکی بهتر است که از آن ساعت به بعد حرکت آغاز نشود. نسبت قله‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است. برای مثال برای صعود نهایی به قله ماکالو ساعت حدود ۲ بعدازظهر حرکت کردیم و فردا صبح ساعت ۱۰ به قله رسیدیم، یعنی چیزی حدود ۲۰ ساعت. برای اینکه به بعد ازظهر نخوریم و ۱۰ ساعت نیز مسیر برگشت را داشتیم ۳۰ ساعت فعالیت در ارتفاع بالای ۸ هزار متر داشتیم. صعود اخیر و حمله نهایی برای فتح قله نیز ۸ ساعت طول کشید.

قیچی‌ساز درباره خاطره شیرین خود گفت: صعود به سه قله آناپورنا، کانچن چونگا و داتولاگیری به عنوان نخستین ایرانی که توانسته این سه قله را فتح کند، از خاطرات شیرین من است. ورود به باشگاه ۸ هزارتایی‌ها نیز از دیگر خاطرات شیرین من است.

او درباره اینکه زمانی که برای یک صعود حرکت می‌کند آیا امید به بازگشت دارد یا خیر گفت: بدون امید نمی‌توان کاری را انجام داد. هیچ گاه کاری را با شک و تردید انجام ندادم. اینکه می‌گویم برای صعود به قله هیچ گاه دو بار حرکت نکرده‌ام یعنی با تسلط کامل و ۷۰-۸۰ درصد انرژی استارت کار را زده‌ام و توانسته‌ام با قدرت و بدون اکسیژن این موفقیت را به دست آورم.

قیچی‌ساز با بیان اینکه دیگر به فکر صعود به قله ۸ هزار متری نیست بیان کرد: فکر نمی‌کنم روی قله ۸ هزار متری بار دیگر فعالیتی داشته باشم چرا که بسیار خطرناک است و درصد ریسک آن بالاست. برای من کافی است. هدف من این بود که این افتخار را برای نام ایران کسب کنم نه برای عظیم قیچی‌ساز. برای من افتخار برای کشور مهم بود که ریسک و خطر را به جان پذیرفتم. در آینده ممکن است در قالب سرپرست و همراه، دوستان و هموطنان را همراهی کنم و به صورت حرفه‌ای دیگر این رشته را ادامه نخواهم داد.

وی ادامه داد: ممکن است روی قله Summit (قله مرتفع هفت قاره جهان) یا اینکه روی قطب‌ها کار کنم که بتوانیم افتخار آن را برای ایران کسب کنیم. نمی‌توان گفت خداحافظی از قله ۸ هزار متری، اما کارم تمام شده است و به قول دوستان، "در بام کوهنوردی جهان، دور افتخار زدیم".

قیچی‌ساز درباره برنامه خود برای فرهنگ‌سازی در کوهنوردی گفت: من دست خالی نمی‌توانم کاری را انجام دهم. با دست خالی در سطح خودم و در سطح شهر خود می‌توانم آموزش دهم. برای انجام کارهای فرهنگی در سطح کلان نیاز به کمک‌های همه جانبه ارگان‌های ذی‌ربط دارم تا بتوانم تجربیات خود را منتقل کنم.

به پایان رسیده است. من به نمایندگی از همه کوهنوردان این صعودها را به ملت ایران تقدیم می‌کنم.

او درباره سختی‌های صعود و تحمل دوری از خانواده نیز بیان کرد: از سال ۸۷ تا به امروز بهار ایران را ندیده‌ام. عیدها عازم صعود شده‌ایم و گاهی حدود ۶ ماه در برنامه بوده‌ایم. برای به دست آوردن هر موفقیت و ارزشی باید از بسیاری از چیزها گذشت تا به هدف خود دست یابیم.

قیچی‌ساز درباره اینکه آیا فدراسیون جهانی در صعودها جوایزی را اهدا می‌کند یا خیر بیان کرد: از سوی فدراسیون جهانی هیچ جایزه‌ای برای صعودها تعلق نمی‌گیرد و این افتخارها تنها یک افتخار معنوی است چرا که رقابتی در این رشته وجود ندارد و برد و باختی مطرح نیست. ممکن است یک فردی یک صعود را در مدت زمان ۷ سال انجام دهد و یک فرد در ۲۵ سال انجام دهد.

قیچی‌ساز درباره بهترین ساعت برای صعود بیان کرد: در کوهنوردی قانون ساعت ۱۲ وجود دارد که می‌گوید از ساعت ۱۲ به بعد برای صعود کار را آغاز نکنید چرا که مسیر برگشت نیز وجود دارد و برای

عظیم قیچی‌ساز متولد ۱۳۶۰ تبریز عضو تیم ملی کوهنوردی و عضو سازمان GHM فرانسه، پرافتخارترین کوهنورد ایرانی و یکی از پرافتخارترین کوهنوردان جهان است که توانسته با صعود به قله ۸ هزار و ۵۱۶ متری لوتسه، مجموع ۱۴ قله بالای هشت هزار متر جهان را فتح کند و به باشگاه هشت هزار متری‌ها بپیوندد. قیچی‌ساز بدون اکسیژن این موفقیت بزرگ را برای ایران به دست آورده اما از اینکه مسئولان ورزش ایران به اهمیت این موضوع پی نبرده و از این افتخار بزرگ بهره‌برداری لازم را نمی‌کنند، گلهمند است.

از نظر او، کار در هشت‌هزارتایی‌ها دیگر به پایان رسیده است و حال به فکر فتح قله مرتفع قاره‌ها و قطب شمال و جنوب است. قیچی‌ساز در مورد افتخارات، کم توجهی‌ها، دغدغه‌ها و همچنین آینده‌اش صحبت کرد. عظیم قیچی‌ساز پس از فتح اورست و لوتسه گفت: خداوند را شاکریم که همراه دوستان توانستیم اورست و لوتسه را صعود کنیم. اکنون همه صحیح و سالم هستیم و در بیس کمپ مستقر شده‌ایم. کرامپون‌ها را در می‌آوریم و به سمت چادرهایمان می‌رویم. دیگر برنامه صعود

او درباره تعریف خود از کوه گفت: کوه یک سطح از زندگی است. من چیزهای بسیاری از کوه یاد گرفتم و از آن‌ها استفاده کردم. کوه چیزهای بسیاری را به افراد یاد می‌دهد و چه بهتر است که افراد به همراه مربی و گروه‌های متشکل از افراد باتجربه، به کوه بروند تا بتوانند مسیر را بسیار راحت‌تر طی کنند.

کوهنورد پرافتخار ایرانی درباره سخت‌ترین کوه‌هایی که تا به امروز فتح کرده بیان کرد: تمام قله‌ها خطرات خاص خود را دارد. اگر قرار بر این بود که ترسی وجود داشته باشد، هیچ وقت اقدام به فتح قله‌ها نمی‌کردم. قله‌هایی وجود دارند که از درجه سختی بالایی برخوردار هستند و آمار نشان می‌دهد یک سوم از نفرات صعود کننده جان خود را از دست می‌دهند، از جمله قله‌های کی تو، آناپورنا و نانگا پارات از قله‌هایی سنگین و خطرناک هستند که با دعای خیر مردم و والدین توانستیم این قله‌ها را فتح کنیم. تا به حال ترسی نداشته‌ام چرا که به کاری که انجام می‌دادم مسلط بودم.

قیچی‌ساز با اشاره به اینکه هر فتح، خاطره خوبی است خاطر نشان کرد: موفقیت برای هر قله خاطره خوبی است و زمانی که نتیجه زحمات خود را

شاهد هستیم طبیعی است که احساس شور و شغف و خوشحالی داریم و در حد توان خود دل یک ملت را شاد کرده‌ایم.

او درباره آسیب‌هایی که ممکن است رشته کوهنوردی در صعودهای بدون اکسیژن و شریبا داشته باشد گفت: اگر کاری بدون آگاهی انجام شود، آسیب‌های خاص خود را دارد. در ارتفاع بالای ۸ هزار متر شرایط غلظت اکسیژن یک صدم شرایط عادی است. از نظر پزشکی کمبود اکسیژن غیر قابل قبول است و فرد نمی‌تواند زنده باشد ولی با تمرین‌های خاص و تمرین‌های هوایی و تجربیات خاص، توانستم موفق شوم. من به شخصه آسیب خاصی را تجربه نکردم.

قیچی‌ساز رمز موفقیت خود را علاقه و پشتکار بیان کرد و ادامه داد: در ۱۴ صعود خود که نتیجه ۱۰ سال فعالیت است، علاقه و پشتکار نقش مهمی را دارد. ۱۰ سال زمان کمی نیست و بهترین سال‌های عمر یک فرد می‌تواند باشد که می‌تواند صبر کند و نتیجه کسب کند.

او درباره نقش کوهنوردی در حفاظت از محیط زیست بیان کرد: کوهنوردان نقش بسیار مهمی می‌توانند داشته باشند و این به بحث فرهنگ‌سازی مربوط می‌شود. در کشورهای دیگر بهای بیشتری

به کوهنوردان داده می‌شود چرا که به ارزش این کار پی برده‌اند. در ایران هم زنان، هم مردان، کودکان و افراد مسن می‌توانند از کوه استفاده کنند و این را بارها شنیده‌ایم که کسی که به کوه می‌رود بهترین داروی سلامتی و افسردگی برای او است. بهتر است که کوهنوردی را به مردم بهتر معرفی کنیم.

این کوهنورد پرافتخار ایرانی درباره اینکه آیا از کوهنورد شدن پشیمان است یا خیر تصریح کرد: هیچ‌گاه پشیمان نشدم. کوهنوردی یک کاری است که آگاهانه انجام می‌شود و هیچ مشوقی وجود ندارد و هیچ مبلغی نمی‌تواند خطرات موجود در این راه را جبران کند. تنها یک عرق ملی وجود دارد که به فرد این انگیزه را می‌دهد تا یک دستاورد ملی را برای کشور به دست آورد.

قیچی‌ساز درباره روی آوردن خود به سمت کوهنوردی بیان کرد: اهل تبریز هستیم و آذربایجان یک منطقه کوهستانی است. با گذشت زمان با صعود سبلان، دماوند و همچنین مطالعه درباره صعودهایی که در سطح دنیا انجام شده بود، انگیزه‌ای شد تا من نیز به سمت کوهنوردی کشیده شوم. نخستین قله‌ای که فتح کردم، قله سبلان بود که در آن زمان تنها ۱۵ سال داشتم.

## صعودهای برون مرزی

۱۳۸۱: ماربل وال (۶۴۰۰ متر)، تیان شان قزاقستان - ۱۳۸۲: گاشربروم ۱ (صعود تا ۷۸۰۰ متر)، کاراکروم پاکستان - ۱۳۸۳: دیران پیک (۷۲۶۶ متر)، صعود تا ۵۵۰۰ متر، کاراکروم پاکستان - ۱۳۸۳: اسپانتیک (۷۰۲۷ متر)، کاراکروم پاکستان - ۱۳۸۴: اورست (۸۸۴۸ متر)، هیمالیا نپال - ۱۳۸۴: آرات (۵۱۳۷ متر)، ترکیه، صعود زمستانی - ۱۳۸۵: نوشاخ (۷۴۹۲ متر)، هندوکش افغانستان - ۱۳۸۷: برودپیک (۸۰۵۱ متر)، کاراکروم پاکستان - ۱۳۸۸: بویدا (۷۴۳۹ متر)، تیان شان قزاقستان، سرپرست تیم آذربایجان شرقی - ۱۳۸۹: داولاگیری (۸۱۶۷ متر)، هیمالیا نپال، اولین ایرانیان صعود کننده - ۱۳۸۹: نانگا پارات (۸۱۲۶ متر)، کاراکروم پاکستان - ۱۳۹۰: کانچن جونگا (۸۵۸۶ متر)، هیمالیا نپال، اولین ایرانی صعود کننده - ۱۳۹۰: گاشربروم ۲ (۸۰۳۴ متر)، کاراکروم پاکستان - ۱۳۹۰: گاشربروم ۱ (۸۰۸۰ متر)، کاراکروم پاکستان - ۱۳۹۱: آناپورنا ۱ (۸۰۹۱ متر)، هیمالیا نپال، اولین ایرانی صعود کننده - ۱۳۹۱: کی ۲ (۸۶۱۱ متر)، کاراکروم پاکستان - ۱۳۹۱: ماناسلو (۸۱۶۳ متر)، هیمالیا نپال - ۱۳۹۲: ماکالو (۸۴۶۳ متر)، هیمالیا نپال - ۱۳۹۲: چوایو (۸۲۰۱ متر)، تبت چین - ۱۳۹۳: شیشاپانگما (۸۰۲۷ متر)، تبت چین - ۱۳۹۵: اورست (۸۸۴۸ متر)، هیمالیا نپال، تمامی صعودها بدون استفاده از کپسول اکسیژن و بدون همراهی باربر ارتفاع انجام گرفته است.

## صعودهای داخلی

۱۳۷۸: سبلان (۴۸۱۱ متر)، زمستانی - ۱۳۷۸: دماوند (۵۶۷۱ متر)، زمستان - ۱۳۷۹: علم کوه (۴۸۵۰ متر)، زمستانی، گرده آلمانها - ۱۳۸۰: دماوند (۵۶۷۱ متر)، زمستانی - ۱۳۸۱: سبلان (۴۸۱۱ متر)، صعود زمستانی یخچال شمالی سبلان - ۱۳۷۹-۹۱: چندین صعود زمستانی در منطقه سبلان، هرمها و کسری و شرکت در تمامی اردوهای تیم ملی، برگزار شده در مناطق مختلف کشور



ابوالقاسم قاسم زاده

## آزادسازی موصل و آینده عراق

بسیاری از تحلیلگران سیاسی بین‌المللی مهمترین نکته را در نوسان بودن سیاست آمریکا ارزیابی می‌کنند که هنوز بعد از ۷ ماه از ریاست جمهوری ترامپ، استقرار همه جانبه پیدا نکرده است. همین نوسان بروز و ظهور هر بحران جدید و یا استمرار ناپایداری در کشورهای منطقه را تشدید می‌کند. بسیاری از محافل و شخصیت‌های سیاسی در آمریکا و اروپا معتقدند، ترامپ خاورمیانه را تحویل اسرائیل داده است و سیاست دولت او بر دو محور، قدرتمندی بلامنازع اسرائیل و جذب حداکثری دلارهای نفتی از مسیرهای گوناگون با فروش انواع و اقسام تسلیحات نظامی و یا آشفتنی درگیری‌های دولت‌ها در این منطقه است. عراق بعد از آزادسازی موصل در چرخه سیاسی آمریکا و البته دیگر قدرت‌ها از جمله روسیه، چین و اروپا و بخصوص همسویی اسرائیل - سعودی سیاست‌های خود را باید تنظیم کند. مهمترین خطر، تجزیه عراق است که در ظاهر دولت آمریکا، دولت‌های اروپایی، روسیه و چین با آن مخالفاند، اما اسرائیل و حاکمان سعودی از تجزیه عراق هر یک به روشی حمایت می‌کنند. همزمان با آزادسازی موصل، موضوع انجام فراندوم در کردستان عراق برای اعلام استقلال شدت گرفته است. بعد از پایان دوره قدرت‌نمایی

را رقم خواهد زد. اما این اقدامات تروریستی همچون پس‌لرزه‌هایی از شکست تشکیلات منسجم داعش در موصل است که به مرور زمان محو می‌شود.

آزادسازی موصل را باید پایان مرحله سخت و پیچیده مبارزه با مرکزیت داعش و انهدام آن دانست. عراق و دیگر کشورهای منطقه با آزادسازی موصل وارد مرحله جدیدی شده است که اهم آن را می‌توان چنین برشمرد:

۱- آزادسازی موصل اگرچه پیروزی نظامی - سیاسی بزرگ برای دولت عراق است اما جایگاه حساس این دولت را در مدیریت داخلی، همچنین روابط منطقه‌ای پیچیده‌تر خواهد کرد. فراموش نکنیم که عراق همچنان در اشغال آمریکا است همانگونه که افغانستان در اشغال نظامی آمریکا قرار دارد. سایه سنگین سیاست دولت آمریکا بر دولت مرکزی عراق انکارناپذیر است. عراق کشوری عربی است که همچون دیگر کشورهای عربی در حوزه خلیج فارس در شعاع استراتژی آمریکا تعریف می‌شود. با نگاه به استراتژی دولت ترامپ درباره حوزه خلیج فارس و کشورهای عربی در حاشیه جنوبی آن نشانه‌هایی را می‌توان دید که

موصل، دومین شهر بزرگ عراق که «البغدادی» رهبر داعش در این شهر خود را «خلیفه» مسلمین نامید، آزاد شد. اگرچه تعدادی از تروریست‌های داعش با گروه‌های گروهبی از شهروندان عادی موصل، بخش بسیار کوچکی را همچنان در اختیار داشتند، اما این بخش بسیار کوچک نیز با نابودی کامل تروریست‌های داعش در موصل آزاد شد.

خبرگزاربها آزادسازی موصل را در صدر گزارش‌های خبری خود قرار داده‌اند و درباره این خبر که نقطه عطفی بزرگ در شکست داعش خوانده‌اند تفسیرهای گوناگونی انتشار داده‌اند.

پرسش اصلی اغلب رسانه‌ها و گزارش‌های سیاسی این است که، آیا آزادسازی موصل پایان داعش محسوب می‌شود؟ همه مفسران سیاسی می‌گویند، اگرچه آزادسازی موصل نقطه عطف بزرگ در مبارزه با داعش در عراق است و در عمل قدرت تشکیلاتی آنها در عراق شکسته شده‌است، اما همچنان خطر اقدام‌های تروریستی در عراق وجود دارد و پراکندگی گروه‌ها و افراد مسلح داعش در عراق عملیات تروریستی انفرادی





و تخریب در سراسر خاورمیانه به انتها رسیده است و مردم منطقه دیگر توان هزینه پردازی برای جنگ جدید را ندارند. روسیه، چین، ژاپن و اتحادیه اروپا استمرار و یا گسترش مجدد جنگ در خاورمیانه را به زیان اقتصاد و سیاست بین‌المللی ارزیابی می‌کنند. شعار پایان بحران در عراق و سوریه را هم می‌دهند. نگاه مثبت یا خوش‌بینانه معطوف به پایان جنگ و بحران و استقرار توازن بر اساس امنیت و صلح است. اما نگاه منفی یا بدبینی؛ انگشت بر عمق و وسعت تضادها در منطقه خاورمیانه می‌گذارد و به‌خصوص حیات سیاسی اسرائیل را در ادامه جنگ و بحران در کشورهای پیرامونی آن می‌بیند. زیست رژیم صهیونیستی وابسته به تداوم بحران و جنگ است. سیاست ترامپ رئیس‌جمهور تاجر آمریکا دو محور دارد. استقرار هژمونی اسرائیل با تشدید جاهلیت عربی و دوم مکیدن همه دلارهای نفتی و ذخایر دلاری شیوخ حوزه جنوبی خلیج فارس، این هر دو از طریق استمرار بحران و جنگ در منطقه به‌دست می‌آید. عراق بعد از آزادسازی موصل به سوریه بحران‌زده اتصال کامل پیدا خواهد کرد.

در کنار آن در حوزه خلیج فارس، سعودی‌ها، با هدیه ۴۸۰ میلیارد دلاری خرید تسلیحات نظامی به ترامپ، خود را برای هژمونی نظامی آماده می‌سازند که جنگ دیگر از این مسیر اجتناب ناپذیر خواهد بود. حاصل این هردو نگاه (مثبت و منفی) نشان می‌دهد آزادسازی موصل پایان تروریسم نیست، همچنان که پایان جنگ و ویرانی در عراق و سوریه نخواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران ارزیابی و بررسی کرد. اما تمرکز سیاسی آمریکایی‌ها، فعلا در حفظ تمامیت ارضی این کشور و جداسازی آن از «رادیکالیسم» در شعاع منطقه‌ای قرار دارد. آمریکا نمی‌خواهد عراق را از دست بدهد تا بار دیگر جای پای قوی روس‌ها در این کشور، باز شود. در توازن قدرت، سوریه در اختیار روسیه است و عراق محور مهمی برای آمریکا است. بسیاری از معادله‌های آینده سیاسی و تا حدودی اقتصادی در منطقه از چگونگی پایان گرفتن بحران در دو کشور عراق و سوریه تعیین خواهد شد و آینده این هر دو کشور (عراق و سوریه) به توافق مسکو - واشنگتن گره خورده است. دو نگاه مثبت و منفی یا خوش‌بینی و بدبینی از آزادسازی موصل دیده می‌شود. نگاه مثبت بعد از آزادسازی موصل افول جریان‌ها و تشکل‌های تروریستی را می‌بیند که در سوریه نیز به سرانجام بحران و فاجعه تخریبی آن خواهد رسید تا در شعاع منطقه‌ای به یک تناسب مدیریت قدرت از سوی مسکو - واشنگتن، (پوتین و ترامپ) خواهد رسید. سقف جنگ

داعش با همراهی حامیان بعث عراق و صدام، موضوع جداسازی کردستان عراق از طریق فرماندوم برجسته‌تر می‌گردد و شاید اولین کلید بحران جدید برای دولت مرکزی خواهد شد. علاوه بر مشکل کردستان و جریان جدایی‌طلبی آن، سعودیها خود را نماینده و سرکرده بخش‌های سنی‌نشین در این کشور می‌خوانند و در عراق سهم‌خواهی دارند. دولت مرکزی عراق در حالیکه از جمهوری اسلامی ایران اطمینان همکاری برای سازندگی عراق بعد از جنگ داخلی را دارد، اما همچنان در تنظیم روابط خود در منطقه آشفتگی و در ادامه جنگ در سوریه با مشکلات متعددی مواجه است. بخصوص اینکه به اعتقاد بسیاری، پایان داعش در موصل به معنی پایان جریان تروریستی در عراق نیست.

۲- عراق بالقوه کشوری ثروتمند است. این ثروت هم در محور اقلیمی آن از نوع قومی و جمعیتی و بخصوص آب و هوای مناسب برای تولیدات کشاورزی نهفته است و هم توان تخصصی و دانش در این کشور که در مقایسه با دیگر کشورهای عربی از متخصصین دانشگاهی و دانش فنی بالایی برخوردار است.

عراق از کشورهای مهم نفتی در حوزه خلیج فارس و از اعضاء رسمی «اوپک» است. بعد از آزادسازی موصل تصاحب چاه‌های نفتی عراق بخش دیگری از زنگ خطر برای دولت مرکزی این کشور است. عراق در درون و در حوزه خلیج فارس، با ترکیه و همسایگان دیگر خود در موقعیت خاص و خطرناک نفتی قرار دارد. آزادسازی موصل اگرچه بر قدرت دولت مرکزی می‌افزاید، اما نفت عراق را موضوع روز داخلی (کردستان عراق) و خارجی این کشور خواهد کرد.

۳- آرامش و امنیت عراق را نمی‌توان جدا از سوریه بحران‌زده و تنش سیاسی - امنیتی سعودیها با دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس از «قطر» که آشکار شده است و تا



# چگونه از استاندارد بودن عینک آفتابی مطمئن شویم؟

می‌شود. بدون استفاده از این دستگاه، تشخیص یک عینک آفتابی مناسب، حتی برای چشم پزشکان نیز سخت و غیر ممکن خواهد بود.

گفتنی است این دستگاه باید UV عینک را از ۹۸ درصد به بالا نشان دهد. همچنین گاهی علامت UV ۴۰۰ در کنار برخی از عینک‌ها درج شده است که نشان دهنده قابلیت حفاظت بر علیه UVB است. نمی‌توان هر عینک گران قیمتی را استاندارد قلمداد کرد و باید تمامی آن‌ها توسط دستگاه (یو وی متر) آزمایش شوند. توصیه‌هایی برای استفاده و خرید عینک آفتابی

- از عینکی آفتابی استفاده کنید که ۹۹ تا ۱۰۰ درصد اشعه‌های ماورای بنفش نوع B و UVA را جذب کند و به میزان ۷۵ تا ۹۰ درصد از شدت نور مرئی بکاهد.  
- در عدسی عینک‌های آفتابی ارزان قیمت، ماده‌ای به نام Triace Tate استفاده می‌کند، لذا این عینک‌ها برای چشم‌ها بسیار مضرند.

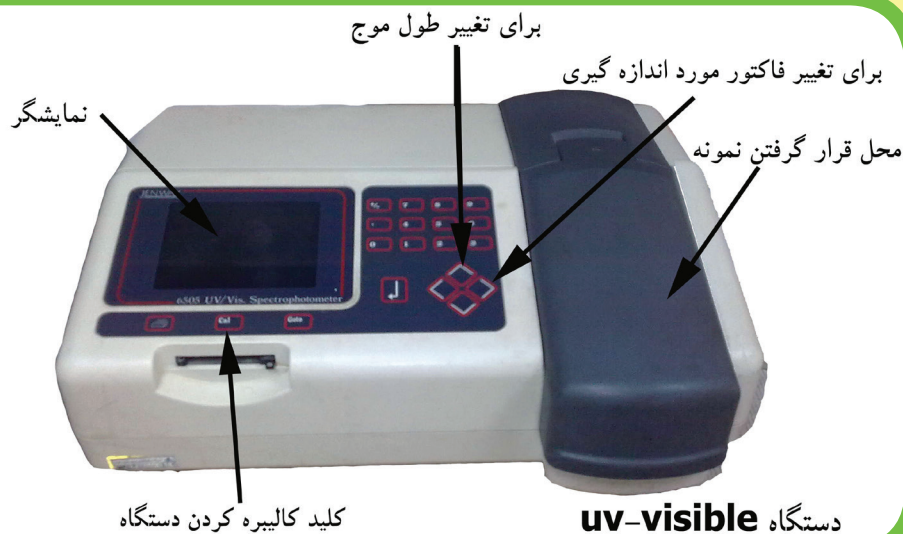
بیماری‌های برگشت ناپذیر چشمی مانند آب مروارید، تغییر در مرکز دید، ناخنک چشم و حتی آفتاب سوختگی چشم را به وجود آورد. این بیماری‌ها می‌توانند سبب تازی دید، دردناک شدن و قرمزی چشم، ریزش اشک، اختلال موقت دید و در برخی موارد منجر به نابینایی شوند.

کودکان و نوجوانان بیشتر از سایرین در معرض آسیب‌های چشمی نور خورشید قرار دارند، زیرا مدت زمان بیشتری را نسبت به بزرگسالان در خارج از منزل سپری کرده و عدسی چشم آن‌ها نازک تر است. لذا استفاده از عینک آفتابی برایشان ضروری‌تر است. عینک آفتابی باعث می‌شود مردمک چشم باز شود و اگر استاندارد نباشد و نتواند UV را جذب نکند، تمام اشعه‌های مضر به داخل چشم نفوذ می‌کنند.

بهترین راه شناخت عینک‌های آفتابی استاندارد، استفاده از دستگاه UV متر است که اغلب در عینک فروشی‌های معتبر یافت

اشعه ماورای بنفش خورشید یا همان (UV) دارای سه نوع طول موج A، B و C است. نوع A بیشتر توسط عدسی چشم جذب می‌شود و ضرری برای چشم ندارد. نوع C در لایه ازن جذب می‌شود و به زمین نمی‌رسد، ولی آن قسمتی که برای چشم مضر می‌باشد، نوع B است که موجب سوختگی پوست نیز می‌گردد؛ مثلاً وقتی نوع B به روی برف می‌تابد، می‌تواند موجب کوری برگشت پذیر شود و فرد برای ۱۲ تا ۴۸ ساعت بینایی خود را از دست بدهد. تماس زیاد با اشعه ماورای بنفش نوع B می‌تواند در طولانی مدت،





دستگاه uv-visible

- عینک آفتابی نباید باعث تغییر ماهیت نور و تصاویر شود.  
- دقت کنید رنگ هر دو شیشه عینک کاملاً یکسان بوده و فاقد موج و عیب و نقص باشند.

- از عینک‌هایی با شیشه دودی (خاکستری) استفاده کنید، چون بدون این که رنگ اجسام را تغییر دهد، از شدت نور می‌کاهد.

- عدسی‌های عینک آفتابی، شیشه‌ای یا پلاستیکی هستند. عدسی‌های پلاستیکی سبک‌ترند و بر اثر ضربه خرد نمی‌شوند. اما در مقابل، عدسی‌های شیشه‌ای وضوح بیشتری دارند، کمتر خش می‌افتند و گران‌تر هم هستند.  
- لازم نیست عینک آفتابی آنقدر تیره باشد که چشمان شما از پشت آن دیده نشود. چنین عینک‌هایی دید شما را کم می‌کنند.

- میزان محافظت عدسی عینک از چشم‌ها در مقابل اشعه فرابنفش خورشید با دستگاهی به نام UV متر سنجیده می‌شود.

اگر در خصوص میزان محافظت عدسی عینک شک دارید، راه ساده‌ای برای

بزنید و به یک سطح منظم مثل لبه میز یا خطوط بین کاشی‌ها نگاه کنید و در همین حال سرتان را به بالا و پایین و چپ و راست حرکت دهید. اگر عدسی استاندارد باشد، این خطوط با حرکت چشم شما همچنان صاف باقی می‌مانند و در غیر این صورت، کج و معوج می‌شوند.

- عینک آفتابی باید کل فضای چشم و اطراف آن را در برگیرد. مطالعات نشان داده است اشعه ماورای بنفش از اطراف قاب عینک‌های آفتابی کوچک عبور کرده و به چشم می‌رسند.  
منبع: مجله پزشکی آسان طب

امتحان کردن این موضوع وجود دارد: یک عینک فتوکرومیک را بردارید و عدسی عینک آفتابی را جلوی آن در مقابل نور خورشید بگیرید. اگر عدسی عینک آفتابی استاندارد باشد، اشعه فرابنفش خورشید را جذب می‌کند و در نتیجه، عینک فتوکرومیک تغییر رنگ نمی‌دهد.

- عدسی‌های غیراستاندارد معمولاً سطح ناهموار و غیر یکنواختی دارند. برای اطمینان از عدم وجود انحراف در عدسی می‌توانید عینک را به چشم



○ یوسف قدیانی (بنیامین)

## باید و نباید های ایجاد شبکه ملی اینترنت

می‌توانند بهتر و ارزان تر به شبکه های اطلاعاتی خود متصل شوند. گفته می‌شود در راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات ۲۰ هزار میلیارد تومان هزینه شده که سهم بخش خصوصی ۸۰ درصد و بخش دولتی ۲۰ درصد بوده است. علاوه بر این پروژه شبکه ملی اطلاعات که پیش از این در کشورهای دیگری از جمله کره جنوبی که رتبه اول سرعت اینترنت جهان را در اختیار دارد در دهه ۱۹۹۰ و همچنین کشورهای چین و انگلستان طرح شبکه ملی پر سرعت را اجرا نمودند. در حال حاضر برخی کشورهای اروپایی نیز سعی دارند با راه اندازی چنین شبکه هایی مسیر ترافیک داده های خود از آمریکا جدا کنند.

هرچند عدم نظارت صحیح بر اینترنت به وضوح مشخص بود اما شاید افشاگری های ادوارد اسنودن در زمینه ی جاسوسی سازمان های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس از اطلاعات صنعتی و نقض حریم خصوصی شهروندان بهانه ای شد تا کشورهای دیگر اقدام به راه اندازی شبکه ای ملی اینترنت در کشور خود کنند.

شبکه ملی اطلاعات معروف به اینترنت ملی ایران فضایی را فراهم می‌کند که درخواست های دسترسی داخلی و اخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری می‌شوند به هیچ وجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه‌های اینترنت و خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود. از سال ۱۳۸۴ و ابتدای راه‌اندازی اینترنت، حدود ۳۰۰۰ میلیارد تومان به شبکه ملی اطلاعات اختصاص یافته است و مسوولان حوزه فناوری اطلاعات و فضای مجازی همواره بر لزوم تحقق این شبکه تاکید می‌کنند. بر اساس برنامه پیش بینی شده سه مرکز تبادل ترافیک داده شبکه ملی اطلاعات در شهر های تهران، شیراز، تبریز ایجاد شده است.

شبکه ملی اطلاعات دارای روندی تکاملی است و در فاز اول که مربوط به دسترسی مردم در نقاط مختلف به این شبکه می‌شود تمهیداتی اندیشیده شده و در حال حاضر نیز برنامه‌ریزی اجرایی و طراحی شبکه ملی اطلاعات انجام شده است. بخش‌هایی از این پروژه نیز در حال اجرا و مراحل نهایی حقوقی آن هم در حال انجام است و در گام‌های بعدی موضوعاتی مانند ظرفیت دسترسی، سرعت، امنیت و قیمت مورد توجه قرار خواهد گرفت. در خصوص قیمت سرویس‌های داخلی و

کردند. با توجه به اینکه سرور بیشتر این سایتها در کشورهای آمریکا، روسیه، آلمان و چند کشور پیشرفته وجود دارد. لذا هر گونه استفاده از اطلاعات موجود در این سایتها هزینه زیادی برای کاربران منظور خواهد شد. عبارتی با هر بار کلیک کردن در فضای مجازی حساب دارندگان ارائه دهنده اینگونه خدمات را پر پول تر می‌کند. از این رو باعث شد تا کشورهای مختلف در پی راه اندازی شبکه ملی اطلاعات یا اینترنت داخلی در کشور خودشان شوند تا از این طریق باعث کاهش هزینه ها و بالا رفتن امنیت گردند. در ادامه مخاطبان عزیز با لزوم شکل گیری شبکه ملی اطلاعات یا همان اینترنت ملی در ایران آشنا خواهند شد.

### هدف از راه اندازی شبکه ملی اطلاعات چیست؟

به‌طور مثال تماشای تلویزیون اینترنتی یا دانلود اطلاعات حجیمی که در سرورهای داخلی قرار دارد ساده تر و سریع تر شده و همچنین شرکت ها و سازمان هایی که به تبادل اطلاعات نیاز دارند دیگر احتیاجی به اتصال به اینترنت جهانی نخواهند داشت. به این ترتیب امنیت اطلاعات نیز بالاتر خواهد رفت و سازمان ها نیز

در دنیای کنونی راههای متعدد و گوناگونی برای درآمد زایی و پول درآوردن وجود دارد، شرکت ها و افراد دائما در حال کشف این موضوع هستند که چگونه می‌توان از راههای مختلف به درآمد خوبی رسید. شاید برای شما کمی تعجب داشته باشد که چگونه و چگونه می‌شود از هوا پول در آورد و براحتی تجارت میلیاردری انجام داد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، وزارت دفاع آمریکا تشخیص داد که دولت آمریکا به شبکه های کامپیوتری خود بسیار وابسته است و این سوال مطرح شد که اگر دشمن در یک حمله هسته ای به شبکه های کامپیوتری ملی آنها آسیب برساند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بنابراین وزارت دفاع آمریکا یک نوع جدید از شبکه های بزرگ را طراحی کرد که حتی اگر یکی از بخشهای آن از کار می‌افتاد باز هم می‌توانست به کار خود ادامه دهد.

با راه اندازی شبکه جهانی اینترنت که با استفاده از قوانین و پروتکل های خاصی که به آن TCP/IP می‌گویند و از طریق خطوط تلفنی، ماهواره ای و غیره به یکدیگر وصل شده اند، توانست تا اطلاعات و داده ها را به سرعت از یک کامپیوتر به کامپیوتری دیگر در هر کجای گیتی انتقال دهد. با تحولات اساسی و رشد روز افزونی که طی دهه های اخیر بوقوع پیوسته است شرکت‌های پیشرو در این موضوع با راه اندازی سایت‌های گوناگون سعی در جلب کاربران زیادی بسمت خود شدند. و از این طریق درآمد های زیادی کسب



استفاده از شبکه ملی اطلاعات یک سوم سرویس اینترنت بین‌الملل محاسبه می‌شود. همچنین در زمان استفاده از آن کاربر احساس نمی‌کند از یک شبکه داخلی یا خارجی استفاده می‌کند. در حال حاضر ۴۰ درصد مردم از ترافیک داخلی و ۶۰ درصد از ترافیک بین‌المللی استفاده می‌کنند که به احتمال زیاد سهم استفاده از ترافیک داخلی به ۵۰ درصد افزایش یابد.

از دلایل مهم استفاده از اینترنت داخلی یا ملی می‌توان به کاهش وابستگی زیر ساخت‌های حیاتی کشور به اینترنت برای ارتقا امنیت ملی پس از حملات گسترده و سازمان‌دهی شده به صنایع کشور توسط استاکس نت و همچنین مشکلات پیش آمده برای نیروگاه بوشهر اشاره کرد. همچنین بدون شک قرار داشتن همه خدمات دولت الکترونیک بر روی شبکه اینترنت بجای اینترنت، کشور را در معرض هک سخت به معنای ایجاد اختلال و بدتر از آن هک نرم به معنای ورود بی‌خبر و بدون ایجاد تغییر به منظور دزدی اطلاعات مهم ملی، قرار می‌دهد. هرچند بسیاری از کشورهای جهان هنوز در برابر چنین خطری بی‌تفاوت‌تند، اما این روزها دیگر کم‌کم موج جدایی از اینترنت جهانی یا آمریکایی در دنیا آغاز شده است.

هدف اصلی از راه اندازی شبکه ملی اطلاعات بهره برداری از زیرساخت‌های ارتباطی، مراکز داده‌ی توسعه یافته داخلی دولتی و غیردولتی و همچنین زیرساخت‌های نرم افزاری که در سراسر کشور گسترده شده است را شامل می‌شود. شبکه ظرفیت

لازم برای "نگهداری و تبادل امن اطلاعات داخلی در کشور به منظور توسعه‌ی خدمات الکترونیکی" و "دسترسی به اینترنت" از طریق بستر ارتباطی باند پهن سراسری برای کاربران خانگی، کسب و کارها و دستگاه‌های اجرایی را فراهم می‌کند.

این شبکه تجمیع‌کننده شبکه‌های اختصاصی، محلی و ملی در کشور است که از دو بخش اختصاصی و عمومی تشکیل می‌شود. بخش اختصاصی برای ارتباط و تبادل اطلاعات و خدمات دستگاه‌های اجرایی با یکدیگر و بخش عمومی برای ارائه خدمات به کاربران عمومی است و این دو بخش در نقاطی نظیر مراکز داده با یکدیگر اتصال دارند.

**در فاز سوم راه اندازی شبکه ملی اطلاعات اهداف زیر در سه بخش محقق می‌گردد.**

#### در بخش کاربر نهایی:

دسترسی به خدمات: خدمات ویدیویی HD و خدمات ابری پهنای باند داخلی با هزینه مقرون صرفه در شهرهای بزرگ.

مقرون به صرفه بودن: دسترسی به محتوا و خدمات پهنای باند داخلی در سراسر کشور. افزایش پوشش:

دسترسی به پهنای باند سیار در کلیه شهرها

دسترسی به پهنای باند ثابت در کل کشور. افزایش کیفیت:

دسترسی به پهنای باند سیار در کلیه

شهرها

دسترسی به محتوا و خدمات پهنای باند داخلی دسترسی به اینترنت

#### در بخش بنگاه‌ها:

گسترش ظرفیت‌های زیرساختی (پهنای باند شبکه، و مراکز داده، مراکز تبادل ترافیک داخلی (IXP) و شبکه‌های توزیع محتوا (CDN)

ایجاد امکانات لازم جهت حضور شرکت‌های داخلی در بازار منطقه و بین‌الملل.

#### در بخش حاکمیت:

بلوغ خدمات دولت الکترونیکی شکل‌گیری اقتصاد تولید و عرضه محتوا و خدمات پهنای باند داخلی برای بخش خصوصی

غالب شدن ترافیک داخلی به خارجی رشد کسب و کارهای ICT

خدمات الکترونیکی عمومی جدید تحقیق کامل استقلال کارکردی و محتوای شبکه

امنیت زیرساخت‌ها، خدمات، کاربران و حفظ حریم خصوصی آنها

بنظر می‌رسد راه اندازی هر چه سریعتر شبکه اینترنت ملی با لحاظ بالا بردن امنیت اطلاعات موجود در کشور و کاهش هزینه‌ها و عدم وابستگی زیاد امری ضروری می‌باشد. انشاءالله مسئولان و دست‌اندرکاران هر چه سریعتر مقدمات اجرای آن در کشور را فراهم نمایند.



## خاطرات خواندنی از جبهه

**ترسیدم روز بخورم ریا بشه**  
توی بچه‌ها خواب من خیلی سبک بود. اگر کسی تکان می‌خورد، می‌فهمیدم. تقریباً دو سه ساعت از نیمه شب گذشته بود. خوروف بچه‌هایی که خسته بودند، بلند شده بود؛ که صدایی توجهم را جلب کرد. اول خیال کردم دوباره موش رفته سراغ ظرف‌ها، اما خوب که دقت کردم، دیدم نه، مثل این که صدای چیز خوردن یک جانور دو پا است. یکی از بچه‌های دسته بود. خوب می‌شناختمش. مشغول جنگ هسته‌ای بود. آلبالو بود یا گیلان، نمی‌دانم. آهسته توری که فقط خودش بفهمد، گفتم: «اخوی، اخوی! مگه خدا روز را از دستت گرفته که نصف شب با نفست مبارزه می‌کنی؟» او هم بی‌معتلی پاسخ داد: «ترسیدم روز بخورم ریا بشه!!!»

### هوالباقی

هر چه می‌گفتی چیزی دیگر جواب می‌داد، غیر ممکن بود مثل همه صریح و ساده و همه فهم حرف بزند. بعد از عملیات بود، سراغ یکی از دوستان را از او گرفتم چون احتمال می‌دادم که مجروح شده باشد، گفتم: «راستی فلانی کجاست؟» گفت بردنش «هوالشافی»، شستم خبردار شد که چیزیش شده و بردنش بیمارستان. بعد پرسیدم: «حال و روزش چطوره؟» گفت: «هوالباقی». می‌خواست بگوید که وضعیت خیلی وخیم است و مانده بودم بخندم یا گریه کنم.

### صدام، جارو برقیه

صبح روز عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه همه حسابی خسته بودند، روحیه مناسبی در چهره بچه‌ها دیده نمی‌شد از طرفی حدود ۱۰۰ اسیر عراقی را پشت خط برای انتقال به پشت جبهه به صف کرده بودیم برای اینکه انبساط خاطری در بچه‌ها پیدا شود و روحیه‌های گرفته آنها از آن حالت خارج شود، جلوی اسیران عراقی ایستادم و شروع به شعار دادن کردم و بیچاره‌ها هنوز، لب باز نکرده از ترس شروع به شعار دادن می‌کردند. مشتم را بالا بردم و فریاد زدم: «صدام جارو برقیه» و اونا هم جواب می‌دادند. فرمانده گروهان برادر قربانی کنارم ایستاده بود و می‌خندید. منم شیطونیم گل کرد و برای نشاط رزمنده‌ها فریاد زدم: «الموت لقربانی» اسیران عراقی شعارم را جواب می‌دادند بچه‌های خط همه از خنده روده بر شده بودند قربانی هم دستش را تکان می‌داد که یعنی شعار ندهید! او می‌گفت: قربانی من هستم «انا قربانی» و اسیران عراقی هم که متوجه شوخی من شده بودند رو به برادر قربانی کردند و دستان خود را تکان می‌دادند و می‌گفتند: «لا موت لا موت» یعنی ما اشتباه کردیم.

### کاغذ کمپوت

نوبت به هم‌رزم بسیجی ما رسید، خبرنگار میکروفسن را گرفت جلو دهانش و گفت: «خودتان را معرفی کنید و اگر خاطره‌ای، پیامی، حرفی دارید بفرمایید.» او بدون مقدمه و بی معرفی صدایش را بلند کرد و گفت: «شما را به خدا بگویید این کاغذ دور کمپوتها را از قوطی جدا نکنند، آخر ما نباید بدانیم چه می‌خوریم؟ آلبالو می‌خواهیم رب گوجه فرنگی در می‌آید. رب گوجه فرنگی می‌خواهیم کمپوت گلابی است. آخر ما چه خاکی به سرمان بریزیم. به این امت شهید پرور بگویید شما که می‌فرستید، درست بفرستید. اینقدر ما را حرص و جوش ندهید.» خبرنگار هم‌مینطور هاج و واج فقط نگاه می‌کرد.

### بنی‌صدرا! وای به حالت!

پدر و مادر می‌گفتند بچه‌ای و نمی‌گذاشتند بروم جبهه. یک روز که شنیدم بسیج اعزام نیرو دارد، لباس‌های «صغری» خواهرم را روی لباس‌هایم پوشیدم و سطل آب را برداشتم و به بهانه‌ی آوردن آب از چشمه زدم بیرون، پدرم که گوسفندها را از صحرا می‌آورد داد زد: «صغرا کجا؟» برای اینکه نفهمد سیف‌الله هستم سطل آب را بلند کردم که یعنی می‌روم آب بیاورم. خلاصه رفتم و از جبهه لباس‌ها را با یک نامه پست کردم. یک بار پدرم آمده بود و از شهر به پادگان تلفن کرد. از پشت تلفن به من گفت: «بنی‌صدرا! وای به حالت! مگه دستم بهت نرسه.»

### بوی پتو یا بوی شیمیایی

در عملیات خیبر به روز شیمیایی زدند. یکی از بچه‌ها گفت: «شنیده‌ام برای جلوگیری از شیمیایی شدن، پارچه‌ای را خیس کرده و مقابل دهان و بینی خود می‌گیرند.» خیلی سریع برای یافتن دستمال خیس به سمت سنگر دویدیم. داخل سنگر، هرکس به دنبال آب و دستمال می‌گشت که جواد ظرف آبی را روی پتویی ریخت و گفت: «بچه‌ها بیایید و هر یک گوشه‌ای از این پتو را جلوی دهان و بینتان بگیرید.»

ناگهان متوجه شدیم که بوی پتو از بوی شیمیایی هم بدتر است. چون ظهر همان روز مقداری آبگوشت روی آن ریخته بود و بچه‌ها آن را همان‌طور جمع کرده و در گوشه‌ای گذاشته بودند تا در فرصتی مناسب بشویند. خلاصه، جواد در این موقعیت با خنده گفت: «اه اه! بوی این پتو از شیمیایی بدتره!» شلیک خنده به هوا رفت!

### راهکاری برای نجات از ملخ‌ها

در جبهه غرب روی تپه‌ای مستقر بودیم. ملخ‌ها زاد و ولد داشتند و همه را به ستوه آورده بودند. هر کجا را که پا می‌گذاشتی پر از ملخ بود. حتی داخل چکمه و بوتین‌ها و پاچه شلوار و ... خلاصه هر کجا که راهی می‌یافتند وارد می‌شدند، ظاهراً چاره نبود جز آن که به شهر برویم و چند جوجه خریده و با خود به منطقه بیاوریم. همین کار را هم کردیم. جوجه‌ها آنقدر ملخ خورده بودند که شکم‌هایشان باد کرده بود. تازه داشتیم از شر ملخ‌ها تا حدودی خلاص می‌شدیم که سر و کله چند گربه در آن حوالی پیدا شده و در کمین جوجه‌ها نشستند و حالا مشکل ما دو تا شده بود. (علی اصغر باقری - یزد - سایت ساجد)



## طلوع آیه ی خورشید

از طلوع آیه ی خورشید تابانی شهید  
در نگاه من همیشه همچو بارانی شهید  
از دیار سرداران، کوچه ی عشق و نشان  
عطر افشان و پُر از عطر بهارانی شهید  
خاطر و یادت همیشه زنده است در جان ما  
هم نشین وادی باغ و گلستانی شهید  
هشت شمع جانفزا در محفل ما روشن است  
محفل آرای وجود یاد یارانی شهید  
درس اینار و شهامت از علی آموختی  
در مصاف دشمنان شمشیر بزانی شهید  
یا حسین گفتی و نوشیدی شراب عشق را  
از تبار سرور شاه شهیدانی شهید  
از برای مام میهن جان شیرین داده ای  
در طریقت پیرو پیر جمارانی شهید  
تربت پاک شهیدان توتیای چشم ماست  
از برای جان ما، دارو و درمانی شهید  
لاله های سرخ، عاشق گشته از خون تو است  
در مسیر زندگی ماه درخشانی شهید

سینا صارمی

## ستاره زد ...

شراب می دهند هان! دو دست را سبو بگیر!  
دو دست را بلند کن! بلند شو وضو بگیر  
سبو وضو گرفته با شراب سرخ چشم تو  
وضو گرفته با شراب ناب سرخ چشم تو  
بیا و سرمه ای به سایه های پلک شب بکش!  
و سرخی انار را به لب بزنی! به لب بکش!  
عبیر و مشک و عود را سپند دانه دانه کن!  
چراغ داغ باغ را تجلی جوانه کن!  
طلوع دف شمس را به صبح من غزل بگو...  
دو بیت از شکر بخوان! سه مصرع از عسل بگو!  
شکر به شرط شاهدهی به بزم خسروان بده!  
اذان بگو به گوش گل! گلاب زعفران بده!  
تمام شیشه ها به من هر آینه، تو را ... تو را...  
در آینه حلول کن! مرا به من نشان بده!  
عبا بکش به روی خمره های مست قونیه  
شراب را نهان بخر! نهان بخور! نهان بده!  
فقط توئی هر آنچه در من است، آنچه در من است...  
هر آنچه در من است غیر تو... به دیگران بده!  
به احترام آخرین سفیر حق، قیام کن!  
در آسمان ترین زمین، ستاره زد سلام کن!

حافظ ایمانی

## شعری از زبان فرزند شهید مدافع حرم

بابای زیبا و جوان من  
اینجا بدون تو پر از درد است  
ای کاش قدری تو بدانی که  
خانه بدون تو چقد سرد است  
بابا تو گفتی عاشقم هستی  
شاید به عشقت دیده لایق نیست  
ای ماه پشت هاله ای از ابر  
مفقود ماندن رسم عاشق نیست  
بابا نمیگویم بیا برگرد  
گرچه هوا از عطر تو خالیست  
نه، من نوازش هم نمیخواهم  
حتی پلاکی هم پدر کافیست  
بابای من بر بی بی ام زینب  
آیا رساندی تو سلامم را؟  
گفتی که دیدارش طلب دارم  
دادی قسم بر مادرش زهرا؟  
بابا خیالت تخت و آسوده  
اینجا برای مادرم مردم  
دیددی که امروزم بجای تو  
اشک از رخ او پاک میکردم  
قلبم گرفت از صحبت مردم  
این قلب ها اینجا چقدر سنگ است  
گفتند بهر پول میجنگید  
بابا مگر خون قیمتش چند است؟  
قیمت ندارد جان تو بابا  
قیمت ندارد ناله ی مادر  
هرچه دلار و درهم دنیاست  
یک جا فدای خنده ی آخر

نجمه کردگار



## با اجازه بزرگ‌ترها، بله!

ناشر کتاب: نشر نارگل

درباره اخلاق شهدا، زندگی، کار و زندگی و حتی خانواده آن‌ها خیلی حرف‌ها شنیده‌ایم. اینقدر که شاید فکر کنیم حرف‌ها برای ما کلیشه‌ای شده باشند و علاقه نداشته باشیم باز هم از همان حرف‌ها بشنویم. خیلی‌ها در سخنرانی‌هایشان از سبک زندگی شهدایی و مشی رفتاری آن‌ها برایمان سخن گفته‌اند و لمس کردن این حرف‌ها البته برای ما کار دشواری است. کتاب «با اجازه بزرگ‌ترها، بله!» خاطراتی از خواستگاری به سبک شهداست که به کوشش مسعود دهقانی‌پیشه جمع‌آوری و توسط نشر نارگل در ۱۸۰ صفحه به چاپ رسیده است. این کتاب با قلمی روان به درستی مخاطب را به شخصیت‌های مختلفی نزدیک می‌کند که روزهای خوب و خوشی را در یک خانواده سپری کرده‌اند و تشکیل خانواده می‌دهند و سپس وارد جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می‌شوند و با داستان‌های متفاوتی روبرو می‌شوند.

سبک زندگی و خواستگاری به سبک شهدا تم محوری کتاب است که خواننده را با لبخند همراه می‌کند و او را از حس کلیشه‌ای بودن خاطرات خانواده‌های شهدا دور می‌کند و خواننده و مخاطب را به یقین می‌رساند که زندگی شهدا ابعاد مختلفی دارد و دفاع مقدس واقعا دانشگاهی بوده که تمام ابعاد مختلف زندگی را تحت تاثیر قرار داده است. کتاب «با اجازه بزرگ‌ترها، بله!» را می‌توان در زمره کتاب‌هایی دانست که به راحتی می‌تواند به مخاطبان عام ارتباط برقرار کند و همه سلیقه‌ها را راضی نگه دارد. ادبیات دفاع مقدس در سال‌های گذشته در حوزه خاطرات نگاری همسران شهدا موفقیت‌های متعددی را کسب کرده است که می‌توان این کتاب را نیز در ادامه همین راه قلمداد کرد.

تمرکز بر خاطرات همسران شهدا به نظر می‌رسد همراه با جذابیت‌هایی است که باید تمرکز بیشتری بر آن داشت تا تولیدات فاخری از آن استخراج کرد. این کتاب و نمونه‌های مشابه آن که در سال‌های گذشته منتشر شده است نشان می‌دهد حقیقتا دفاع مقدس ابعاد ناشناخته و کشف نشده‌ای دارد که سال‌های سال لازم است برای کشف آن همت بگماریم. در بخشی از کتاب «با اجازه بزرگ‌ترها، بله!» آمده است: «...بعدها خودش برایم تعریف می‌کرد، می‌گفت: وقتی رفتم جبهه به ورامینی گفتم: حقیقتش من می‌دونم که موندنی نیستیم ولی به دختر همسایه‌مون علاقه‌مندم، حالا نمی‌دونم چی کار کنم، چون اون پدر نداره، تک فرزندم هست، منم که مطمئنم شهید می‌شم. با حالت شوخی به عباس ورامینی گفته بود: من که حقیقتا شهید می‌شم و موندنی نیستیم، حالا این بنده خدا خودش که یتیم بزرگ شده، بخواد بچه یتیم هم بزرگ کنه خیلی غم انگیزه. هر جوری فکر می‌کنم نمی‌تونم پا پیش بذارم...».

## شکفتن بر هامون

ناشر: نشر شاهد

کتاب «شکفتن بر هامون» نوشته نرگس آبیبار با محوریت زندگینامه شهید فرید تعریف توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کردستان و با همکاری نشر شاهد منتشر شده است. کتاب شکفتن بر هامون زندگی شهید فرید تعریف یکی از شهدای اهل سنت را از زبان خودش و دوستانش به تصویر می‌کشد.

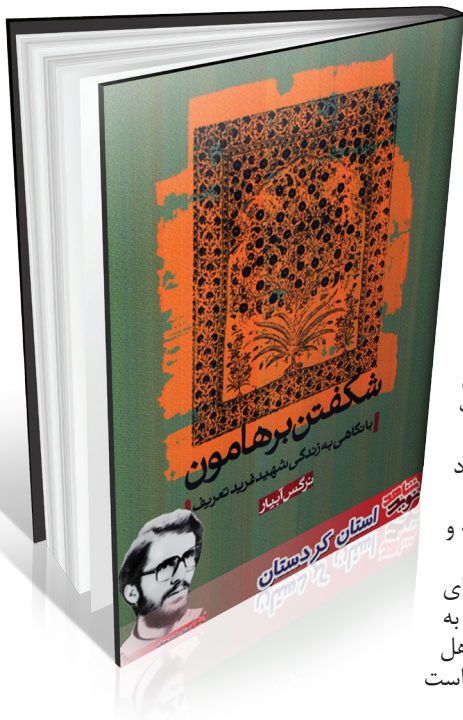
مرور تاریخ و شناخت جوانمردان وطنی شیرین است. از این که بدانی در آب و خاکی زندگی می‌کنی که انسان‌هایی مزین به بالاترین ویژگی‌های اخلاقی در آن نفس کشیده‌اند احساس خوشایندی به آدم می‌دهد. شکفتن بر هامون از این دست کتاب‌هاست که با گرداندن چشم بر کلماتش احساس خوبی خواهی داشت.

نویسنده در ابتدای کتاب «شکفتن بر هامون» آغاز خود را بر این کتاب روایی این چنین بیان می‌دارد: از میان خیل عظیم موضوعات پیشنهاد شده برای نوشتن زندگی‌نامه‌ی داستان، موضوع زندگی شهید «فرید تعریف» را جدا از ویژگی‌های بارزش بخاطر «اهل سنت» و «کرد» بودن با یک زندگی کوتاه ولی پرفراز و نشیب، انتخاب کردم.

وی در میانه‌ی یادداشتش به مغفول واقع شدن بسیاری از شهدا پرداخته که هم در شهر و دیار خود مظلوم واقع شده‌اند و هم در بلاد دیگر.

نویسنده در نمایه یادداشت خود گوشه‌چشمی به اصالت و حسن نیت و خلوص کردها پرداخته و اینکه همواره در موارد بسیاری از طرف بیگانگان مورد ظلم و بی‌مهری واقع شده‌اند.

به طور خلاصه وار در تعریف کتاب «شکفتن بر هامون» می‌توان گفت: این کتاب داستان دلاوری‌های فرید تعریف، جوانی ایرانی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ همزمان با ظهور انقلاب و جنگ است. اما آنچه به شرح حال این جوان رشید و شجاع جذابیت بیشتری بخشیده است این است که از میان برادران اهل سنت کردستان بوده است و با این وجود فرماندهی نیروهای مبارز شیعه و سنی را بر عهده داشته است و خود سنبل برادری شیعه و سنی بوده است.



## فروردین

از تمام استان و همکلاسیانم تقاضا دارم که: اسلام را پیش قدم همه کارهایتان قرار دهید و سنگر انسان ساز خود را خوب حفظ کنید. به امید پیروزی حق علیه باطل

شهید کریم رجبی دهکی

## تیر

این انقلاب، نعمت است که از خداوند به ما رسیده و به ما باریدن گرفته است. برای این نعمت‌ها از خداوند تشکر کنید و از خود دور نسازید. امروز، روز عمل است. فرصت‌های روزگار را دریابید و در میدان عمل اسلام را یاری کنید.

شهید غلام رضا رضایی کلج

## اردیبهشت

درد دل بسیار است که من از نوشتن آن عاجز هستم ولی خدا داند هر کس که مسلمان است باید دین خود را به اسلام ادا کند و در غیر این صورت باید گفت که فقط شعار داده و نمی‌تواند باعث پیروزی شود. باید خون هم در کنار آن داد و آن هم خون پاک.

شهید قربان علی کوچک تبار

## مرداد

همگان دست در دست یکدیگر در صفوف الهی قرار گیرند و بر علیه طاغوت به جهاد برخیزند. باشد که این پیش قدمی ملت شهیدپرور ایران در یاری و اطاعت از امام، دیگر ملت‌ها را نیز هوشیار کند

شهید علی زال بیگی

## شهریور

پدر و مادر عزیزم! این راه سعادت و خوشبختی است که برای اسلام قرآن و رهبرکبیر انقلاب اسلامی و میهن عزیزم ایران جنگ می‌کنم.

شهید ابوالفضل اسمعیلی

## مهر

رستگاری در این راه است: «فمن تبع غیر الاسلام دنیا فلن یفعل منه فی الاخره» - اگر کسی غیر از اسلام راهی و یا روشی را انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است.

شهید محمد حسین بختیاری

راستش در این شماره هم به نیت شما متولدین هر ماه تفرالی زدیم به وصیت شهدا که امید در آینده‌ی وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

## آبان

همه بدانند که من با چشم باز و قلبی پر از شوق این راه را انتخاب کرده‌ام. انشاءالله پیروزی، از آن ما خواهد بود و زیارت کربلا هم نصیب ما خواهد شد انشاءالله.  
شهید جعفر احمدی مقدم

## آذر

قسم به لحظه‌های تصمیم انسان که از گذشته‌های خویش اتابه می‌کند و آن کششهای مادی و غریزی و دنیوی را که در وجود دارد به فراموشی می‌سپارد و بسوی معنویت و کسب فضایل انسانی آگام بر می‌دارد.  
شهید بهتویی ابراهیمی آتانی

## دی

زندگی اسلامی داشته باشید و اگر قرار نیست زندگی انسانی و اسلامی داشته باشید، بدانید که مرگ بهتر از این زندگی است.  
شهید قنبر علی اینانلو

## بهمن

در نماز جمعه و جماعت شرکت کنید که تمام پیروزی ما از همین نمازها و دعاهاست. شهدا متعلق به کسی نیستند، شهید فقط، متعلق به خداوند است.  
شهید احمد کاشی

## اسفند

شما برادران و خواهران مسلمان را به پیمودن راه سعادت توصیه می‌کنم که از شما می‌خواهم که راه راست را جستجو کنید و مبدا که ناآگاهانه به راه غیر خداوند و خدای ناکرده به راه شیطان بروید.  
شهید علی اصغر عاملی





Let us be clear from the very beginning: the greatest threat to Islam originates from Wahhabism, a cancerous phenomenon that has been allowed to fester and propagate for several centuries.

In a monumental campaign to bulldoze the more moderate strains of Islam, and replace them with the Theo-fascist Saudi variety, Saudi Arabia's top cleric, Grand Mufti Sheikh Abdul-Aziz ibn Abdullah Al ash-Sheikh, has declared that Iran's leaders are not Muslims and regard Sunni Muslims as their enemy.

Before I go into details of what happened and why is it happening now, let me ask one question: who gave the Grand Mufti of Saudi Arabia the right to label people or nations as being Muslims or not? I will answer that: No One.

---

خوانندگان عزیز شما با ترجمه و ارسال متن فوق به آدرس رایانامه مجله می توانید

به قید قرعه **اشتراک ۶ ماهه** برنده شوید

---



کاریکاتور بیست: سلمان طاهری  
خوانندگان عزیز مجله‌ی شا هد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته  
و به دفتر مجله ارسال کنند.  
حتما روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.

## فرم اشتراک مجلات شاهد

شماره حساب سیبا: ۰۱۰۴۴۷۳۰۸۵۰۰۴ نزد بانک ملی  
به نام معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران

اشتراک شش ماهه ۳۰۰,۰۰۰ ریال  
اشتراک یکساله ۶۰۰,۰۰۰ ریال



نام و نام خانوادگی ..... تاریخ تولد .....

اشتراک شش ماهه ۱۵۰,۰۰۰ ریال  
اشتراک یکساله ۳۰۰,۰۰۰ ریال



تلفن ثابت ..... تلفن همراه .....

نشانی الکترونیکی .....

اشتراک شش ماهه ۱۵۰,۰۰۰ ریال  
اشتراک یکساله ۳۰۰,۰۰۰ ریال



آدرس کامل پستی .....

اشتراک شش ماهه ۱۳۲,۰۰۰ ریال  
اشتراک یکساله ۲۶۴,۰۰۰ ریال



ریال - شماره فیش بانکی ..... تاریخ واریز .....

امضاء/تاریخ

امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۲۳۵۸۴ دورنگار: ۰۲۱-۸۸۸۲۸۴۳۵

نشانی: تهران-خیابان آیت ا... طالقانی-خیابان ملک الشعراء بهار شمالی-شماره ۵-معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران-طبقه ۳-اداره مجلات شاهد

# روزگاران

سالروز بازگشت ظفرمندانہ آزادگان سرافراز بہ میهن اسلامی گرامی باد

